



مجله فرا

رشد

ماهینامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان و دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
www.roshdmag.ir | دوره بیست و یکم، بهمن ۱۴۰۳ | شماره پیاپی ۱۶۱ | ۴۸ صفحه

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر نشریات و فناوری آموزشی

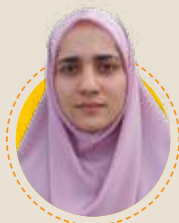


ویژه نامه

فرهنگ مدرسه



سید علی عبداللہی حسینی
سفری به دنیای جدید
با هوش مصنوعی



مبینا پاشای کتابی
نقش فرهنگ محلی
در یادگیری دانش آموزان



زہرا کریم النفیس
دیجیتال و شکاف دیجیتالی



محمد صادق اسماعیلی
هوش مصنوعی
و فرهنگ سازمانی معلمان

آنچه در شماره بعد مطالعه خواهید کرد



شماره آینده، در ادامه موضوع آموزش پروژه محور که در شماره دو، آبان ماه ۱۴۰۳، به آن پرداخته شد، بحث ادامه می یابد. بحث با اقدام پژوهی در کلاس درس به عنوان شیوه ای از پژوهش که در آن معلم به صورت عملی مشکلات کلاس درس را مورد پژوهش قرار می دهد، ادامه می یابد و از نتایج آن برای بهبود فرایند یاددهی یادگیری استفاده می شود. اقدام پژوهی نوعی فعالیت علمی است که در آن افراد در کار و فعالیت می کوشند وضعیت نامطلوب موجود را به وضعیت نسبتاً مطلوب تغییر دهند. در این شماره چند تجربه اقدام پژوهی را نیز معرفی می کنیم.

مجله فرهنگ و تمدن

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان و
دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
www.roshdmag.ir
دوره بیست و یکم، بهمن ۱۴۰۳
شماره پیاپی ۱۶۱
۴۸ صفحه

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجه



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر نشریات و فناوری آموزشی

مدیر مسئول: محمد صالح مثنی
سر دبیر: فریدالدین حداد عادل
مشاور دبیر: علی شیر کرمی
مدیر داخلی: بهناز پورمحمد
مدیر هنری: کوروش پارسا نژاد
دبیر عکس: اعظم لاریجانی
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: احمد قائمی مهدوی

نشانی پستی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵
تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱-۲۱ داخلی ۵۰۴
تلفن های امور مشترکین:
۰۲۱-۷۷۶۳۳۲۰۸
صندوق پستی امور مشترکین:
۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
وبگاه:
www.roshdmag.ir
رایانامه:
Email:farda@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست



برای اشتراک
مجلات رشد
رمزینه
را پویشی کنید



وبگاه نظر سنجی مجلات رشد
nazar.roshdmag.ir



رشد مدرسه فردا را در پیام رسان شاد
دنبال کنید
@roshd_madreseh_farda

- فرهنگ و حکمت غنی ایرانی و اسلامی / ایمان اوانی ۲
سه گانه گرایش به نیک سرشتی / بهار قربان نژاد زوردهی ۴
هوش مصنوعی و فرهنگ سازمانی معلمان / محمدصادق اسماعیلی - نادیا غلامی پور ۷
تعلیم و تربیت در فرهنگ های گوناگون / ایمان اوانی ۱۰
دیجیتال و شکاف دیجیتال / زهرا کریم النفس ۱۴
نقش فرهنگ محلی در یادگیری دانش آموزان / مینا پاشای گتایی ۱۷
بوی روزگاران خاطره انگیز / فاطمه عزیززاده نشلی ۲۰
آغاز هفته، آغاز یک ماجراجویی جدید / کیمیا عسگری ۲۴
فرهنگ سازمانی آموزش / ۲۶
خانم معلم یک دو...؟! / فریبا سروری عموقین ۲۸
خلافت و فرهنگ کار آفرینی در مدرسه / سجاد محمدزاده ۳۰
وقتی سواد رسانه ای به میدان می آید / فاطمه قنبری ۳۳
علم نور است / آیدا عزیزی ۳۶
سفری به دنیای جدید با هوش مصنوعی / سیدعلی عبداللهی حسینی - دکتر عنبرابگم هزبری ۳۸
آرزوی عجیب با فرهنگ بومی / زینب لاجوردی ۴۰
نقش فرهنگ سازمانی مدرسه بر توانمندسازی معلمان / سوگند ملاصادقی ۴۲
تأثیر آموزش های دیجیتال در آموزش و پرورش بر فرهنگ و جامعه / کلتوم جعفری - آتنا جعفری - ویدا جعفری ۴۶
دوستت دارم ایران / آیه اوانی ۴۸

دبیر این شماره با
موضوع:
فرهنگ مدرسه
دکتر ایمان اوانی



نویسندگان و مترجمان محترم!

- این مجله متعلق به شماست. تجربه های ناب، ایده ها و حاصل پژوهش های خویش را در اختیار دفتر مجله قرار دهید تا با انعکاس آن ها در مجله، علاقه مندان به این حوزه در تجربه های شما شریک شوند. از شما عزیزان تقاضا داریم:
- مقاله هایی که می فرستید، با موضوع مجله مرتبط باشند و در جای دیگری چاپ نشده باشند.
- مقاله ها حاوی مطالب کلی و گردآوری نباشند.
- مقاله ترجمه شده با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد.
- چنانچه مقاله خلاصه می کنید، این موضوع را قید فرمایید.
- نثر مقاله روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت شود.
- در نگارش مقاله از منابع و مأخذ معتبر استفاده شود و در پایان آن، فهرست منابع بیاید.

از همکاری و همراهی ارزشمند معاونت آموزش ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران، خانم مرضیه شجاعی و همچنین کارشناس این حوزه، خانم فاطمه افضلی که در فراخوان، گردآوری و داوری اولیه مطالب تلاش زیادی کردند، تشکر ویژه کنیم. در ضمن، به دلیل حجم محدود نشریه، از پذیرش و چاپ تعدادی از آثار معذور شدیم و تنها آثاری امکان چاپ یافتند که تیم داوری آن ها را برگزیدند؛ بدین وسیله از تمام عزیزانی که آثار خود را فرستادند، سپاسگزاریم.



فرهنگ و حکمت غنی ایرانی اسلامی

سید میثم موسوی

تصویرگر

ایمان اوانی



نیاز دارد.

آموزش و پرورش در کشور ما از یک سو میراث گران‌بهای از فرهنگ، ادب و حکمت ایرانی‌اسلامی دارد و از سوی

دیگر باید با حضور و تعامل در عرصه جهانی، اولاً به تقویت خود بپردازد و ثانیاً با حضوری غیرمقلدانه، منتقدانه و خلاقانه، عناصر غنی و اصیل حکمت و فرهنگ ایرانی اسلامی را به جهانیان معرفی کند و در تبیین و تبلیغ آن بکوشد. در عصر نوین (مدرن)، غرب با طرح و گسترش ایده جهانی شدن و حاکمیت ارزش‌های غربی در حوزه‌های گوناگون انسانی، سایر خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های ملی و محلی را مورد حمله و تحقیر قرار داد؛ بسیاری زبان‌ها و آداب و رسوم محلی تضعیف و در معرض نابودی قرار گرفتند و در این میان تنها ملت‌هایی که پشتوانه‌ای از ادبیات، فرهنگ و سنت‌های سترگ و عمیق داشتند، توانستند به حیات فرهنگی خود ادامه دهند.

اما با برآمدن قرن بیستم و تزلزل مبانی و اصول علمی و فلسفی تمدن نوین (مدرن) و موفق نشدن مدرنیته در برآوردن شعارهای خود، با وجود برخی موفقیت‌ها در عرصه‌های علمی و اجتماعی، ارزش‌های نوین هم دچار تزلزل و تضعیف شدند. وقوع دو جنگ جهانی و جنگ‌های استعمارگرانه دیگر در این عصر و کشته شدن میلیون‌ها انسان در اثر توسعه سلاح‌های کشتار جمعی، تخریب محیط زیست و بحران‌های انرژی و آب و پوچ‌گرایی و سردرگمی در حوزه‌های فردی، از جمله نتایج و

فرهنگ در بستری از دانش‌ها، آداب و رسوم، عادت‌ها، ارزش‌ها، باورها، احساسات و کنش‌ها و واکنش‌ها ظهور و بروز می‌یابد. در لایه‌ای ژرف‌تر، محصول جهان‌بینی و ایده‌های بنیادینی است که معمولاً از ادیان، اسطوره‌ها، سنت‌ها، مکتب‌ها و تجربه‌های بشری شکل گرفته است. فرهنگ، انسان بدوی را به انسان مدنی و اجتماعی تبدیل می‌کند و هویت‌بخشی، پویایی و پایایی، مصونیت و وحدت را در جامعه در پی دارد. از این رو، امروزه مطالعات فرهنگی یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین مباحث حوزه‌های مطالعاتی در جامعه‌شناسی شده است.

توجه به فرهنگ حاکم بر سازمان نیز به دلایل گفته‌شده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا هر سازمان در واقع اجتماعی خاص از جامعه‌ای بزرگ‌تر است که برای انسجام افراد، فهم مشترک از امور و انطباق با محیط به فرهنگ مشترک نیاز دارد. به عبارت دیگر، فرهنگ سازمانی دربرگیرنده ارزش‌ها و رفتارهای قابل قبول و مورد احترام افراد آن سازمان است که برای کار تیمی، خلاقیت، پویایی، بهره‌وری و توسعه فعالیت‌های آن ضروری است. البته طبیعی است فرهنگ هر سازمانی ویژگی‌های خاص خود را دارد. آموزش و پرورش هم به عنوان سازمانی متفاوت و بسیار پراهمیت، فرهنگ ویژه خود را داراست، به طوری که آینده کشور را می‌توان در آینده امروز آموزش و پرورش آن مشاهده کرد. ما با سازمانی مواجه هستیم که از فرهنگ حاکم بر جامعه تأثیر می‌پذیرد و در ضمن خود نیز فرهنگ‌ساز است و بر آن تأثیر می‌گذارد و سازمانی یادگیرنده و یاددهنده است که با حفظ هویت و رسالت‌های خود به پویایی دائمی



غنی ایرانی اسلامی در مواجهه با این تحولات چه نقاط برجسته و قابل اتکایی برای ارائه دارد؟ سه) استفاده از ابزارها و فناوری‌های نوین دیجیتال و هوش مصنوعی در آموزش چه فرصت‌ها و چالش‌هایی را پیش روی مدرسه‌های ما قرار می‌دهد؟

چهار) حکمت، فرهنگ و آداب و رسوم محلی و ملی چگونه و با چه روش‌هایی باید در برنامه‌های درسی بازخوانی و توصیف و تبیین شوند تا نسل جدید ما پذیرای آن‌ها باشند؟

پنج) فرهنگ سازمانی در آموزش و پرورش ما چگونه می‌تواند با وجود استفاده از آخرین دستاوردهای علم مدیریت، از عناصر فرهنگ و حکمت که از نیاکان ما به ارث رسیده است، برای ارتقا و تعالی خود بهره‌بردار؟

در این شماره از رشد مدرسه فردا سعی کرده‌ایم در مباحث مطرح‌شده در مقالات و سایر مطالب ارائه‌شده به این پرسش‌ها بپردازیم تا گامی برداریم در مسیر توجه بیشتر به این حوزه مهم و به این امید که نظام تعلیم و تربیت توسط نخبگان جامعه مورد کندوکاو و بررسی جدی‌تر و گسترده‌تری قرار گیرد.

پیامدهای این دوران بوده است. از این رو، در عصر پسانوگرایی، ملت‌ها به اهمیت توجه به سنت‌ها و فرهنگ‌های خود که هم انسان را در تطابق کامل با محیط‌زیست و هم‌نوعان خود تعریف می‌کرد و هم به زندگی او معنای متعالی می‌داد، پی برده‌اند و تلاش می‌کنند به بازسازی و بازتعریف سنت در عصر جدید بپردازند.

در آموزش و پرورش نیز وضع به همین منوال بوده است؛ ساختار قرن نوزدهمی آموزش که از کارخانه‌ها و مراکز صنعتی الگوبرداری شده بود، بر مراکز آموزشی جهان و البته کشور ما حاکم بوده است که از نظم و ارزش‌های خاص مدرنیسم نشئت می‌گرفت. اما امروزه که جهان وارد عصر دیگری شده است، باید هر چه زودتر آمادۀ تغییرات بنیادین و عمیق شویم. نظام تعلیم و تربیت ما امروز با پرسش‌های مهمی مواجه است که نخبگان این عرصه باید به آن‌ها پاسخ دهند:

یک) ویژگی‌های عصر جدید و فرهنگ و آموزش در آن چیست؟
دو) نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر فرهنگ و حکمت



سه گانه گرایش به نیک سرشتی

بهار قربان نژاد زواردهی

مدرس دانشگاه فرهنگیان ساری

حکمت ایرانی با «سه گانه گرایش به نیک سرشتی» متجلی در آثار ارزشمند ادب کهن ایرانی، مانند «شاهنامه» و «گلستان»، ارائه‌ای شگرف از مجموعه ارزش‌های تربیتی، اخلاقی و انسانی است. آموزه‌های اسلامی نیز با تأکید بر مفاهیمی چون عدالت، همدلی و انصاف می‌توانند به عنوان چارچوبی اخلاقی برای تقویت روابط انسانی و اجتماعی عمل کنند که هر کدام به نوبه خود بیشترین تأثیر را بر مدرسه - بزرگ‌ترین مرجع تربیتی - می‌گذارند.

این پژوهش با بررسی این دو منبع غنی و تلفیق آن دو مشخص کرد، این مهم نه تنها در بهبود تربیت شخصی و رشد هویت فردی دانش‌آموزان، بلکه در ایجاد تعامل مثبت و ارتقای همدلی و احترام در فضای آموزشی نیز نقش آفرین خواهد بود. بنابراین، نهادینه کردن حکمت و ادب ایرانی اسلامی در نظام آموزشی و در دانش‌آموزان، می‌تواند به ایجاد مدرسه‌های ارزش‌محور، تقویت مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان و پرورش نسلی اخلاق‌مدار و مسئولیت‌پذیر منجر شود.

کلیدواژه‌ها: حکمت اسلامی، ادب ایرانی، فرهنگ مدرسه، آموزش و پرورش، ارزش‌های تربیتی

مقدمه و بیان مسئله

امروزه نظام‌های آموزشی دنیا به دنبال روش‌هایی هستند که علاوه بر انتقال دانش، ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی را نیز به نسل‌های آینده منتقل کنند. حکمت و ادب ایرانی و اسلامی نیز با مفاهیمی چون خردمندی، مسئولیت‌پذیری و احترام متقابل، منبعی ارزشمند برای تقویت فرهنگ مدرسه و پرورش نسل‌های اخلاق‌مدار به شمار می‌روند. این پژوهش، با توجه به اهمیت ارزش‌های اسلامی - ایرانی و نهادینه‌شدن و تأثیر مثبت آن بر دانش‌آموزان از طریق تعلیم و تربیت، بر آن است با پاسخ به این سؤال که حکمت و ادب ایرانی و اسلامی چگونه می‌تواند به غنی‌سازی فرهنگ مدرسه و ارتقای آن کمک کند، چگونگی ادغام عملی این ارزش‌ها با یکدیگر را بررسی کند و با اهداف شناخت اثرات مستقیم و غیرمستقیم حکمت و ادب ایرانی و اسلامی و تلفیق این

دو بر فرهنگ مدرسه، راهکارهایی برای کاربرد این آموزه‌ها ارائه دهد.

بحث و تحلیل

حکمت ایرانی اسلامی و همچنین ادبیات کهن و کلاسیک فارسی، هر کدام به عنوان منابعی ارزشمند، در تربیت اخلاقی و اجتماعی نقشی کلیدی دارند که می‌توانند در فرهنگ مدرسه نهادینه شوند. بنابراین، در این مدخل با توجه به آنچه در مقدمه بیان شد، ابتدا مؤلفه‌های اصلی این پژوهش را بررسی و تحلیل می‌کنیم و سپس به پیامد و نتیجه تلفیق این مؤلفه‌ها نگاهی مجمل می‌اندازیم:

حکمت ایرانی

حکمت ایرانی با مفاهیم بنیادین «سه گانه گرایش به نیک سرشتی» به پرورش اصول اخلاقی در انسان‌ها توجه ویژه دارد. «فرهنگ ایران از دیرباز بر پایه سه اصل



فرهنگ مدرسه بر
اساس ارزش‌هایی
مانند احترام،
صداقت و
مسئولیت‌پذیری بنا
می‌شود



انصاف، مهرورزی، رعایت حق الناس و ... به تربیت انسان‌ها می‌پردازد. «پیام قرآن انسان را به‌سوی صداقت و عدالت هدایت می‌کند و این اصول می‌توانند اخلاق جامعه را از درون بهبود بخشند» (مطهری، ۱۳۷۲: ۳۸). به بیان دیگر، «آشنایی دانش‌آموزان با این آموزه‌ها، بر حس همبستگی اجتماعی می‌افزاید و به تعامل مثبت کمک می‌کند» (کاظمی، ۱۳۹۹: ۱۱۵).

تلفیق حکمت ایرانی و آموزه‌های اسلامی

تلفیق حکمت ایرانی و آموزه‌های اسلامی به معنای ترکیب اصول اخلاقی با فرهنگ غنی ایرانی است که در میراث ایرانی و تعالیم اسلامی ریشه دارد و با هدف ایجاد الگوی جامع تربیتی بر پایه ارزش‌های مشترکی چون صداقت، مسئولیت‌پذیری، خردمندی و احترام به حقوق دیگران که در هر دو حوزه نقشی اصولی دارند، بنا شده است. به بیان دیگر، حکمت ایرانی با تأکید بر ارزش‌هایی همچون «پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک» و آموزه‌هایی اسلامی که بر اصول عدالت، همدلی، انصاف و ارتباط صحیح انسانی تأکید دارند، در کنار یکدیگر می‌توانند مبنای اخلاقی و تربیتی قدرتمندی برای پرورش فردی و اجتماعی فراهم کنند. این تلفیق می‌تواند پایه‌گذار چارچوب آموزشی جامعی باشد که هم به نیازهای اخلاقی فردی و هم به انتظارات اجتماعی پاسخ دهد. آموزه‌های اسلامی با محوریت اخلاق و عدالت اجتماعی و حکمت ایرانی، با تکیه بر عقلانیت و

نیک‌بینی، نیک‌گویی و نیک‌کرداری استوار بوده که این اصول، پایه‌های تمدن و اخلاق ایرانی را شکل داده‌اند» (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۴۵) و این اصول اخلاقی، به اعتبار دیدگاه صاحب‌نظران، در نظام‌های آموزشی دنیا نیز کاملاً تأثیرگذارند، به‌طوری که معتقدند: «آموزش بر پایه اصول اخلاقی به دانش‌آموزان، مسئولیت‌پذیری و بهبود فضای مدرسه را تقویت می‌کند» (نیکول، ۲۰۱۰: ۵۳). پس ادغام این آموزه‌های حکمی در آموزش، رشد سجایای اخلاقی و مهارت‌های اجتماعی را در دانش‌آموزان سبب می‌شود.

ادبیات کهن ایرانی

در ادبیات کهن فارسی، از مینوی خرد تا کلیله و دمنه، شاهنامه، مثنوی، بوستان و گلستان به انتقال ارزش‌هایی چون صداقت، خردورزی، آزاداندیشی و عدالت توجه ویژه شده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند، مطالعه این آثار به تقویت هویت فرهنگی دانش‌آموزان کمک می‌کند. «گنجاندن این آثار در آموزش، به عملی کردن ارزش‌های اخلاقی در زندگی روزمره دانش‌آموزان کمک می‌کند» (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۱۰) و حس تعلق و تعلق‌خاطر به تاریخ ایران را در آنان تقویت می‌کند.

حکمت اسلامی

حکمت اسلامی، بر اساس آموزه‌های قرآنی، پیامبر اکرم (ص) و سیره اهل بیت (ع)، با تأکید بر صداقت،



نهادینه کردن
حکمت و ادب
ایرانی و اسلامی
در نظام آموزشی
و در دانش‌آموزان،
می‌تواند به ایجاد
مدرسه‌های
ارزش‌محور،
تقویت مهارت‌های
اجتماعی
دانش‌آموزان و
پرورش نسلی
اخلاق‌مدار و
مسئولیت‌پذیر
منجر شود

رفتار درست، کاملاً با یکدیگر هم‌راستا هستند. ترکیب این دو می‌تواند در مدرسه‌ها و مراکز آموزشی فضای همدلی و همکاری ایجاد کند و فرهنگ مدرسه را به سمت تربیت دانش‌آموزانی با هویت فرهنگی، مسئولیت‌پذیر و پایبند به اصول اخلاقی سوق دهد. این مدل تربیتی نه تنها موجب تقویت ارتباط سالم و مثبت می‌شود، بلکه بستر مناسبی برای رشد شخصیتی و اجتماعی فراهم می‌کند که جامعه از اثرات آن بهره‌مند خواهد شد.

فرهنگ مدرسه؛ تعریف و کارکرد

به «مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهایی که بر فعالیت‌های آموزشی و یادگیری در مدرسه تأثیر می‌گذارد» (کدیور، ۱۳۹۰: ۴۸) فرهنگ مدرسه اطلاق می‌شود که شامل هنجارهایی است که به فضای آموزشی (مدرسه) هویتی خاص می‌بخشند و بر نحوه تعامل اعضای آن شامل دانش‌آموزان، معلمان، والدین و دیگر اعضای جامعه آموزشی نیز تأثیر می‌گذارند. این «فرهنگ به‌منزله یک چارچوب مشترک، رفتار و روابط میان اعضای مدرسه را هدایت می‌کند و محیطی پویا و هدفمند به وجود می‌آورد» (همان، ص ۴۵).

ابعاد فرهنگ مدرسه

الف) ارزش‌ها و باورها: فرهنگ مدرسه بر اساس ارزش‌هایی مانند احترام، صداقت و مسئولیت‌پذیری بنا می‌شود. این ارزش‌ها به «رفتارها و انتظارات در محیط مدرسه شکل می‌دهند و می‌توانند تأثیر عمیقی بر تربیت اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان داشته باشند» (همان، ص ۵۵).

ب) روابط انسانی: از آنجا که «محیطی

که در آن اعتماد، همکاری و احترام متقابل وجود داشته باشد، می‌تواند به یادگیری مؤثر و رشد اجتماعی کمک کند» (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۷) غنای فرهنگ مدرسه بر نوع تعامل بین دانش‌آموزان، معلمان و والدین تأثیر مثبت می‌گذارد.

ج) شیوه‌های آموزشی: از مؤلفه‌های بازتاب‌دهنده

فرهنگ مدرسه، بخش آموزشی و روش‌های نوین تدریس و یادگیری هستند، چرا که در «مدارس با فرهنگ قوی، فعالیت‌های آموزشی به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که دانش‌آموزان به مشارکت فعال تشویق شوند و به تفکر انتقادی و خلاقانه پرداخته شود» (همان، ص ۵۳).

تأثیرپذیری فرهنگ مدرسه از حکمت ایرانی و آموزه‌های اسلامی

بر اساس یافته‌های پژوهشی، محیط‌های آموزشی اخلاق‌گرا که در آن‌ها ارزش‌های انسانی و تعلیم دینی در کنار یکدیگر سرلوحه کارکردهای فرهنگ مدرسه و اختصاصاً «بر مبنای احترام ... ساخته شده است، به افزایش انگیزه، یادگیری عمیق‌تر و بهبود نتایج تحصیلی دانش‌آموزان منجر می‌شود» (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۷: ۴۰) و می‌تواند علاوه بر آموختن و یادگیری، نیز بر کیفیت هنجارآموزی‌های اجتماعی دانش‌آموزان با زمینه‌های اخلاقی و انسانی تأثیر عمیقی بگذارد.

نتیجه‌گیری

تلفیق حکمت و ادب ایرانی با آموزه‌های دینی و اسلامی که از اصول عمیق اخلاقی و انسانی نشئت می‌گیرد، می‌تواند به‌عنوان بستری ارزشمند در ارتقای فرهنگ مدرسه نقش آفرین باشد. این آموزه‌ها با تأکید بر مفاهیمی چون مسئولیت‌پذیری، احترام، همکاری و همدلی، امکان توسعه فضایی آموزشی را فراهم می‌کنند که در آن دانش‌آموزان نه تنها به رشد علمی، بلکه به رشد اخلاقی و اجتماعی دست می‌یابند. بر این اساس، نهادینه‌سازی اصول فرهنگی و اخلاقی در مدرسه سبب می‌شود دانش‌آموزان با حس تعهد، تعلق و تعلق‌خاطر بیشتری به محیط آموزشی و در سطحی فراتر به جامعه خود عمل کنند. مخاطبان دستگاه تعلیم و تربیت از طریق الگوبرداری از ارزش‌های انکارناپذیری که در آثار جاودانه ادبی کهن فارسی نمود یافته و همچنین آموزه‌های والای اسلامی و دینی که در قرآن کریم، احادیث و روایات آمده، با افزایش تعامل مثبت، نه تنها مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی خود را تقویت می‌کنند، بلکه به حس همکاری و مسئولیت‌پذیری بالاتری نیز می‌رسند.

منابع

۱. حسینی، احمد (۱۳۹۴). فرهنگ و تربیت در ایران. پژوهشکده آموزش و پرورش. تهران.
۲. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹). دو قرن سکوت. تهران: امیرکبیر.
۳. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۷). فرهنگ‌نامه روان‌شناسی و علوم تربیتی. امیرکبیر. تهران.
۴. عباسی، علی (۱۳۹۷). حکمت اسلامی و تربیت اخلاقی. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه. تهران.
۵. کاظمی، محمد (۱۳۹۹). آموزه‌های اسلامی در تربیت اجتماعی. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. قم.
۶. کدیور، پروین (۱۳۹۰). روان‌شناسی تربیتی. سمت. تهران.
۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). آشنایی با قرآن. صدا. تهران.
۸. نیکول، جوزف (۲۰۱۰). فرهنگ ایران باستان. ترجمه میرزایی. هرمس. تهران.



هوش مصنوعی و فرهنگ سازمانی معلمان

محمدصادق اسماعیلی

معاون پرورشی دبیرستان سردار شهید محسنی، قائم‌شهر

نادیا غلامی‌پور

آموزگار دبستان دخترانه شاهد، قائم‌شهر



فرهنگ سازمانی مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای مشترک در هر سازمان است که شخصیت یا هویت آن سازمان را شکل می‌دهند. این فرهنگ به‌طور غیررسمی و معمولاً ناخودآگاه، راهنمای تعاملات درون‌سازمانی، تصمیم‌گیری‌ها و نحوه انجام کارهاست. سازمان‌های آموزشی نیز از این قاعده مستثنا نیستند و فرهنگ در آن‌ها در پیشبرد اهداف آموزشی و تربیتی نقشی اساسی ایفا می‌کند.

با ظهور انواع فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی، نحوه عملکرد سازمان‌ها به‌سرعت در حال تغییر است. هوش مصنوعی نه تنها می‌تواند کارکردهای آموزشی را بهبود بخشد، بلکه اثرات عمیقی بر فرهنگ سازمانی خواهد گذاشت. استفاده از هوش مصنوعی به تغییر در رفتار ذی‌نفعان، ارزش‌ها و نحوه تعامل داخلی و خارجی در سازمان‌های آموزشی منجر می‌شود. در این مقاله تأثیر هوش مصنوعی بر فرهنگ سازمانی معلمان را بررسی می‌کنیم.

تأثیر هوش مصنوعی بر باورها و ارزش‌های معلمان

هوش مصنوعی تأثیرات گسترده‌ای بر باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای معلمان دارد. معلمان به‌عنوان نیروی اصلی نظام آموزشی، از تغییرات حاصل از هوش مصنوعی به‌شدت تأثیر می‌پذیرند. باور معلمان به قابلیت‌های هوش مصنوعی در بهبود فرایندهای آموزشی و شخصی‌سازی یادگیری اهمیت ویژه‌ای دارد. بسیاری از معلمان باور دارند که فناوری‌های هوش مصنوعی می‌توانند کیفیت تدریس و یادگیری را بهبود بخشند. تحقیقات نشان داده‌اند، هوش مصنوعی می‌تواند به معلمان امکان بدهد به راحتی نیازهای آموزشی هر دانش‌آموز را شناسایی و تدریس را شخصی‌سازی کنند (Dastbaz, et al. 2019). این فناوری‌ها با توانایی تحلیل داده‌ها و شبیه‌سازی فرایندهای یادگیری، به معلمان امکان می‌دهند راهبردهای تدریس خود را براساس نیازهای خاص هر دانش‌آموز تنظیم کنند.

با این حال، برخی معلمان نگران هستند که هوش مصنوعی حریم خصوصی دانش‌آموزان را نقض کند یا از روابط انسانی بکاهد. در این زمینه، مهم است که سیاست‌های آموزشی شفاف و مستحکمی برای استفاده از هوش مصنوعی تدوین شوند تا از نگرانی‌های معلمان کاسته شود. برخی از معلمان احساس می‌کنند فناوری ممکن است به‌عنوان ابزار نظارت و مدیریت بیشتر عملکرد آن‌ها در نظر گرفته شود و این شرایط ممکن است استقلال حرفه‌ای آن‌ها را تهدید کند؛ به‌ویژه معلمانی که به دستگاه‌های آموزشی سنتی و روابط انسانی در فرایند تدریس متکی هستند، ممکن است نسبت به پذیرش هوش مصنوعی مقاومت بیشتری نشان دهند (Brynjolfsson & McAfee, 2014).

تحول در ارزش‌های آموزشی و حرفه‌ای معلمان

هوش مصنوعی می‌تواند در ارزش‌های آموزشی و حتی مفهوم تدریس تحول ایجاد کند. به‌طور سنتی، آموزش بیشتر بر انتقال محتوا و موضوعات درسی متمرکز بوده است، اما با استفاده از هوش مصنوعی، امکان تغییر این رویکرد به سمت توسعه مهارت‌های انسانی و تفکر انتقادی برای دانش‌آموزان وجود دارد. این تغییرات می‌توانند بر فلسفه آموزش و پرورش تأثیرات عمیقی داشته باشند. برای مثال، فناوری‌های هوش مصنوعی می‌توانند معلمان را قادر سازند به جای

آموزش محتوای درسی ثابت، به تدریس مهارت‌هایی مانند حل مسئله، تفکر انتقادی و خلاقیت بپردازند که برای مواجهه با چالش‌های فناوری در آینده ضروری خواهند بود (Baker, et al. 2018). این تحولات نه تنها بر محتوا، بلکه بر نقش معلم نیز تأثیر می‌گذارند. با ظهور فناوری‌های جدید، معلمان دیگر تنها منبع اطلاعات در کلاس درس نخواهند بود، بلکه به‌عنوان هدایتگر و تسهیل‌کننده فرایند یادگیری عمل خواهند کرد. به همین دلیل، نیاز به مهارت‌های جدیدی مانند توانایی مدیریت کلاس‌های هوشمند، استفاده از ابزارهای تحلیل داده‌های آموزشی و استفاده بهینه از فناوری‌های نوین احساس می‌شود. این تغییرات در ارزش‌ها نیازمند آموزش مستمر و برنامه‌های بازآموزی برای معلمان هستند تا بتوانند در دنیای دیجیتال امروز به‌خوبی عمل کنند (Luckin, et al. 2016).

تأثیرات نگرشی بر معلمان

نگرش‌های معلمان نسبت به هوش مصنوعی در پذیرش و استفاده از این فناوری نقشی کلیدی دارند. در تاریخ توسعه فناوری، همواره نگرش‌های منفی مانند مقاومت در برابر تغییر و ترس از جایگزینی نقش معلمان توسط فناوری مشاهده شده است. این نگرش‌ها به‌ویژه در معلمانی که از مهارت‌های فناوری کمتری برخوردارند، بیشتر دیده می‌شود. تحقیقات نشان داده‌اند، پذیرش فناوری‌های جدید به میزان شناسایی نوآوری سازمانی معلمان بستگی دارد (Venkatesh, et al. 2012). به عبارت دیگر، هرچه معلمان فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی را نوآورانه‌تر و مفیدتر بدانند، بیشتر از آن‌ها استقبال خواهند کرد. شناسایی نوآوری سازمانی به درک معلمان از میزان نوآورانه بودن فناوری‌های جدید در سازمان آموزشی اشاره دارد. بنابراین، مدیران آموزشی باید تلاش کنند معلمان را به‌طور فعال با مزیت‌های این فناوری‌ها آشنا و محیطی فراهم کنند که نگرش‌های منفی کاهش یابند. در این راستا، تشویق به یادگیری و ارتقای مهارت‌های فناوری معلمان و فراهم کردن فرصت‌های آموزشی و پشتیبانی می‌تواند به پذیرش بیشتر فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی منجر شود. پذیرش این فناوری‌ها می‌تواند به کاهش فشار کاری معلمان، ساده‌سازی وظایف و ایجاد فرصت‌های بیشتر برای تمرکز بر روابط انسانی و تعامل مؤثر در کلاس درس کمک کند (Siemens, 2013).

تغییر در رفتارها و کاربردهای عملی هوش مصنوعی در آموزش

هوش مصنوعی می‌تواند به معلمان کمک کند به‌طور مؤثری تدریس کنند و فرایندهای آموزشی را بهینه‌سازی



**معلمان دیگر تنها
منبع اطلاعات
در کلاس درس
نخواهند بود، بلکه
به عنوان هدایتگر
و تسهیل کننده
فرایند یادگیری
عمل خواهند کرد.
به همین دلیل،
نیاز به مهارت‌های
جدیدی مانند توانایی
مدیریت کلاس‌های
هوشمند، استفاده
از ابزارهای تحلیل
داده‌های آموزشی
و استفاده بهینه از
فناوری‌های نوین
احساس می‌شود**

مقاومت در برابر تغییر نیز وجود دارند که باید با تدبیر مناسب و آموزش‌های مستمر برطرف شوند. پذیرش هوش مصنوعی در سازمان‌های آموزشی نیازمند ایجاد محیطی مناسب برای یادگیری و استفاده از فناوری‌های جدید است. معلمان باید به‌طور فعال در فرایندهای آموزشی مبتنی بر هوش مصنوعی مشارکت کنند تا بهینه‌ترین نتایج حاصل شود. همچنین، بهره‌برداری از هوش مصنوعی می‌تواند به معلمان امکان بدهد که وقت بیشتری را به مهارت‌های انسانی و اجتماعی اختصاص دهند. این امر در نهایت به بهبود تعامل در کلاس و توسعه مهارت‌های دانش‌آموزان منجر خواهد شد. به‌طور کلی، هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان ابزاری پشتیبان در آموزش و پرورش عمل کند، اما برای موفقیت در پذیرش آن، لازم است آموزش‌های فنی و نگرشی به‌طور هم‌زمان برای معلمان فراهم شوند. مدیران آموزشی باید فضای باز و مثبتی را برای آشنایی معلمان با این فناوری ایجاد کنند تا نگرش‌های منفی کاهش یابند و فرهنگ سازمانی آموزشی به سمت پذیرش هوش مصنوعی و استفاده بهینه از آن تغییر کند. در نهایت، تنها با رویکردی هوشمندانه و برنامه‌ریزی‌شده می‌توان از ظرفیت‌های هوش مصنوعی در بهبود فرهنگ سازمانی و فرایندهای آموزشی بهره برد.

منابع

1. Dastbaz, M., et al. (2019). "AI in Education: Impacts and Implications." *Journal of Educational Technology Systems*, 48(1), 22-35.
2. Baker, R. S., et al. (2018). "The Role of AI in Personalized Learning." *International Journal of Artificial Intelligence in Education*, 28(4), 400-418.
3. Venkatesh, V., et al. (2012). "Acceptance of Information Technology: A Unified View." *MIS Quarterly*, 36(1), 1-44.
4. Brynjolfsson, E., & McAfee, A. (2014). *The Second Machine Age: Work, Progress, and Prosperity in a Time of Brilliant Technologies*. W. W. Norton & Company.
5. Luckin, R., et al. (2016). *Intelligence Unleashed: An Argument for AI in Education*. Pearson.
6. Siemens, G. (2013). "Learning Analytics: The Emergence of a Discipline." *American Behavioral Scientist*, 57(10), 1380-1400.
7. Johnson, L., et al. (2019). "Artificial Intelligence and the Future of Education." **EDUCAUSE Review**, 54(4), 24-34.
8. West, D. M., et al. (2020). **The Future of Work: Robots, AI, and Automation**. Brookings Institution Press.

کنند. برای مثال، با استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی، معلمان می‌توانند به راحتی عملکرد دانش‌آموزان را تحلیل و نیازهای آموزشی آن‌ها را شناسایی کنند. این ابزارها می‌توانند به معلمان کمک کنند محتوای درسی را متناسب با نیازهای هر دانش‌آموز طراحی و در نتیجه، یادگیری فردی و شخصی‌سازی‌شده را تسهیل کنند. همچنین، هوش مصنوعی قادر است برخی از وظایف معمول و تکراری معلمان را خودکار کند؛ مانند ارزیابی تکلیف، بازخورد دادن به دانش‌آموزان و حتی پاسخ‌گویی به سؤال‌های رایج آن‌ها (Johnson, et al. 2019). این تغییرات نه تنها کیفیت تدریس را بهبود می‌بخشند، بلکه به معلمان فرصت می‌دهند به وظایف خلاقانه و مدیریتی بیشتری بپردازند و زمان بیشتری را به ارتباطات انسانی در کلاس درس اختصاص دهند. به عبارت دیگر، هوش مصنوعی می‌تواند به معلمان کمک کند بر تربیت مهارت‌های انسانی و اجتماعی دانش‌آموزان تمرکز بیشتری داشته باشند؛ به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند همکاری، ارتباط و مهارت‌های حل مسئله که در دنیای دیجیتال اهمیت زیادی دارند.

چالش‌ها و فرصت‌ها

اگرچه هوش مصنوعی فرصت‌های بزرگی برای بهبود آموزش فراهم می‌آورد، اما چالش‌های زیادی نیز در این مسیر وجود دارند. یکی از چالش‌های اصلی، مقاومت معلمان در برابر تغییر است. این مقاومت ممکن است از ترس از بی‌اطلاعی از فناوری‌های جدید، نگرانی در مورد تأثیر آن‌ها بر حریم خصوصی یا حتی احتمال کاهش جایگاه حرفه‌ای معلمان ناشی شود. بنابراین، برای موفقیت در پذیرش هوش مصنوعی باید آموزش‌های گسترده‌ای برای معلمان فراهم شود و آن‌ها به‌طور فعال در فرایندهای تغییر درگیر شوند. ایجاد حمایت‌های لازم از جمله طراحی دوره‌های آموزشی، فراهم کردن منابع و ابزارهای مناسب برای معلمان و توسعه فرهنگ سازمانی مثبت و بازی که پذیرای فناوری باشد، می‌تواند به پذیرش موفقیت‌آمیز هوش مصنوعی در مدرسه‌ها کمک کند (West, et al. 2020).

جمع‌بندی

هوش مصنوعی به عنوان یک فناوری نوین قادر است تغییرات گسترده‌ای در نحوه تدریس، یادگیری و روابط درون سازمانی ایجاد کند. این فناوری نه تنها بر باورها و ارزش‌های معلمان تأثیرگذار است، بلکه می‌تواند به تحول در نقش‌های آموزشی و ارتقای کیفیت تدریس کمک کند. در عین حال، چالش‌هایی نظیر نگرانی‌ها در خصوص حریم خصوصی، کاهش روابط انسانی و



تعلیم و تربیت

در فرهنگ‌های گوناگون

گفت و گو با سید عیسی میر شفیعی

معاون سابق آموزش ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش مازندران

گفت و گوکننده: ایمان اوانی

اشاره

سید عیسی میر شفیعی، معاون سابق آموزش ابتدایی استان مازندران، به مقوله فرهنگ و تعلیم و تربیت اشراف کامل دارد و ایده پرداز خوبی در این زمینه است. این استاد نزدیک به چهار دهه از زندگی حرفه‌ای خود را صرف تعلیم و تربیت کرده و یکی از نام‌آوران این حوزه در سطح استان و کشور است. ایشان در رشته‌های آموزش کودکان استثنایی، روان‌شناسی و مدیریت تحصیل کرده و معلمی در مدرسه‌های استثنایی، ریاست اداره استثنایی استان، معاونت آموزش ابتدایی مازندران و تأسیس را در کارنامه شغلی خود دارد. با ایشان گفت و گویی ترتیب دادیم که شما را به مطالعه آن دعوت می‌کنم.

● شما از فرهنگ چه تعریفی ارائه می‌دهید؟

□ وقتی سخن از فرهنگ می‌شود، مجموع چیزهایی مدنظر است که در طول تاریخ در جامعه انسانی به وجود می‌آیند. بر اساس ضوابط و نیازها، افراد جامعه در بخش‌هایی از جامعه به توافقی‌هایی می‌رسند؛ مانند آداب، رسوم و سنن، که به تدریج به عرف و فرهنگ تبدیل می‌شوند و البته ممکن است به قانون هم تبدیل شوند. ولی الزاماً چنین نیست. همچنین، ارزش‌های جامعه بر اساس همان فرهنگ شکل می‌گیرند.





● میان مقوله فرهنگ با تعلیم و تربیت چه نسبتی وجود دارد؟

□ اصلاً چرا در جامعه نیاز به تعلیم و تربیت شکل می‌گیرد؟ برای تداوم جامعه و حفظ آداب و رسوم و به‌طور کلی فرهنگ، به چیزی نیاز داریم که همان تعلیم و تربیت است. تعلیم و تربیت در بستر فرهنگ برای حفظ و تقویت همین فرهنگ اقدام می‌کند و حتی گاه ممکن است تغییر و رشد فرهنگ با توجه به رشد اجتماعی، حتی هرس کردن فرهنگ صورت بگیرد. موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که ارتباط بین فرهنگ‌ها مهم است. اهمیت آن به این دلیل است که انسان ممکن است در جای دیگری غیر از ایران هم زندگی کند. در این صورت، او باید بتواند در فرهنگ دیگری و در کشور دیگری ارتباط برقرار کند. ممکن است ما با بعضی جامعه‌ها تضادهایی فرهنگی داشته باشیم. پس این ارتباط باید به نحو صحیحی شکل بگیرد. به اضافه اینکه ممکن است جاهایی به تغییر و اصلاح فرهنگ خودمان هم نیاز داشته باشیم. از این نظر این تعامل فرهنگی برای تعلیم و تربیت ضروری است.

● برای مواجهه با سایر فرهنگ‌ها، مانند فرهنگ غرب، چه ملزومات و عناصری نیاز است تا فرزندانمان صرفاً مقلد نشوند؟

□ هر جامعه‌ای فرهنگ خود را غنی می‌داند. پس از آن دفاع می‌کند و تمام تلاش خود را برای تثبیت فرهنگ انجام می‌دهد. بنابراین باید برای برجسته‌بودن و کامل‌بودن این فرهنگ دلایل کافی داشته باشیم. از این رو، در نظام تعلیم و تربیت نیز باید به آن توجه داشت. اگر من نتوانم ابتدا فرهنگ خود را حفظ و در آن پایداری کنم، در مواجهه با فرهنگ‌های دیگر جا می‌مانم. آن تعارض ممکن است مرا

بشکند و نتوانم فرهنگم را اصلاح کنم و در نتیجه تابع فرهنگی دیگر شوم. پس تعلیم و تربیت نقش مهمی دارد و آن تثبیت فرهنگ است. این ظرفیت را باید به وجود آورد که افراد واقعیت را بپذیرند و درباره فرهنگ خود قضاوت درستی داشته باشند. پس وظیفه اول تعلیم و تربیت، تثبیت فرهنگ و وظیفه دوم آن قضاوت درباره فرهنگ خود است که بتوان در صورت لزوم به اصلاح و بهبود آن پرداخت. وظیفه سوم این است که وقتی با انسان‌هایی با فرهنگ‌های دیگر هم مواجه می‌شویم، عاملیت آن‌ها را بپذیریم و تثبیت فرهنگ خود همواره با طرد فرهنگ‌های دیگر صورت نگیرد. در هر کشور نیز بهترین شکل یک جامعه این است که انسان‌هایی با چند فرهنگ بتوانند با هم زندگی کنند.

● یکی از عناصر مهم فرهنگ، زبان است که دوره ابتدایی متولی آموزش این مهارت است. فکر می‌کنید زبان فارسی برای مواجهه با زبان‌های دیگر و غنابخشیدن به فرهنگ چقدر آمادگی دارد؟

□ داده‌های فرهنگی ما با این زبان شکل می‌گیرند. اینکه در کشور فکر می‌کنند

سامانه‌ای برای حفظ زبان فارسی طراحی کنند، معنی‌اش این است که اگر زبان دچار چالش شود، فرهنگ ما هم دچار چالش خواهد شد. هویت ما بر اساس این زبان شکل می‌گیرد. امروزه یکی از چالش‌ها آموزش زبان انگلیسی در سنین خیلی کم است، مانند مهدکودک‌ها و کودکان‌ها.

و وظیفه تعلیم و تربیت حفظ و تثبیت فرهنگ است، چون خودش می‌خواهد این کار را بکند. نمی‌شود صرفاً با روابط علمی مدیریت که معمولاً از صنایع اقتباس شده است، این کار را کرد. قرار است عده‌ای از افراد در این سازمان کار کنند که خدماتشان به فرهنگ داده شود

وقتی فرد هنوز ادبیات مربوط به فرهنگ خود را به‌خوبی یاد نگرفته است، نباید زبان دیگری بیاموزد.

● فرهنگ سازمانی به چه معناست و بر بهره‌وری چه تأثیری دارد؟ فکر می‌کنید فرهنگ سازمانی در آموزش و پرورش با سایر سازمان‌ها چه تفاوتی دارد؟

□ هر سازمان یک هدف و وظیفه دارد (خدماتی، تولیدی و ...) و متناظر با وظیفه و هدفش در آن فرهنگی شکل می‌گیرد. به آنچه

در هر سازمان بر اساس ارزش‌ها، باورها، احساس و تفکر مشترک شکل گرفته است تا

اعضای آن بتوانند خدمات یا وظایف محوله را بهتر شکل دهند، فرهنگ سازمانی می‌گویند. اما فرهنگ سازمانی بر بهره‌وری آن سازمان چه تأثیری دارد؟ بهره‌وری ارائه خدمات بهتر است برای رسیدن به هدف مطلوب‌تر با کیفیت بیشتر. اگر انسان‌ها در گفتمان اهداف یکسان

و فرهنگ مشترک داشته باشند، ارتباط و فعالیت‌ها به نحو آسان‌تری صورت می‌پذیرد. لذا اگر ساختاری یا سازمانی باشد که در آن افراد فرهنگ‌های متفاوت داشته باشند، نگاه متفاوت داشته باشند، و برداشت‌ها و ارزش‌های متفاوت داشته باشند، قطعاً نمی‌توانند به هدف‌های مشترک فکر کنند.

لذا لازم است که هماهنگی و همدلی اتفاق بیفتد. در صنعت و کارخانه‌ها هم همین است. فرهنگ سازمانی نیاز است، ولی نحوه آن با چیزی که در تعلیم و تربیت داریم متفاوت است. وظیفه تعلیم و تربیت حفظ و تثبیت فرهنگ است، چون خودش می‌خواهد این کار را بکند. نمی‌شود صرفاً با روابط علم مدیریت که معمولاً از صنایع اقتباس شده است، این کار را کرد. قرار است عده‌ای از افراد در این سازمان کار کنند که خدماتشان به فرهنگ

داده شود. خدمت‌گیرنده‌ها شیء نیستند. قرار است آدم ساخته شود تا در ساختار سازمانی بزرگ‌تری به نام جامعه قرار گیرد و با فرهنگ جامعه زندگی کند؛ آدمی که فکر، خلاقیت و تصمیم دارد و خود می‌تواند مسیرش را تغییر دهد. در طول تاریخ انسان‌هایی بوده‌اند

وقتی با انسان‌هایی با فرهنگ‌های دیگر هم مواجه می‌شویم، عاملیت آن‌ها را بپذیریم و تثبیت فرهنگ خود همواره با طرد فرهنگ‌های دیگر صورت نگیرد. در هر کشور نیز بهترین شکل یک جامعه این است که انسان‌هایی با چند فرهنگ بتوانند با هم زندگی کنند



که خود تمدن جدیدی ساخته‌اند. پیامبر اسلام اخلاق حسنه و فرهنگ جدیدی ایجاد کرد. آن حضرت خلاف جریان جامعه عرب جاهلی حرکت و فرهنگ جدیدی ایجاد کرد. پس فرهنگ سازمانی در چنین حالتی که می‌خواهد فرهنگ را تثبیت کند و ارتقا دهد، بسیار مهم است.

● آیا در فرهنگ‌های گوناگون روش‌های تعلیم و تربیت باید متفاوت باشند؟

□ دقیقاً می‌توان گفت بله. به جهت

اینکه قرار است روی فرهنگ کار کنیم. مثلاً مدرسه‌ای که در روستا کار می‌کند، اگر فرهنگ آن جامعه روستایی را نداشته باشد، نمی‌تواند با آن بچه‌ها هم‌کلام شود و در انتقال مفاهیم فرهنگی خود دچار چالش خواهد شد. من خودم در مدرسه‌ای ابتدایی درس خواندم که معلمش به ما درس می‌داد آتش به اکسیژن نیاز دارد، ولی خودش تجربه‌ای از آتشی که ما داشتیم نداشت. من کودک می‌دانستم وقتی بخاری هیزمی روشن است، در یچه جلوی بخاری باید باز باشد. من می‌دانستم از اینجا باید هوا وارد شود تا هیزم بسوزد، ولی معلم می‌گفت آتش به اکسیژن نیاز دارد. در اینجا به آنچه باعث سوختن هیزم می‌شد، من می‌گفتم هوا و او می‌گفت اکسیژن. حال اگر شما بخواهید فکر را گسترده‌تر کنید، بار معنایی کلمه‌ها در فرهنگ‌های گوناگون خیلی گسترده می‌شود و مربی را دچار چالش می‌کند. پس نظام تعلیم و تربیت در هر موقعیتی قرار گیرد، باید فرهنگ آن جامعه و موقعیت را بشناسد.

● می‌توانید خاطره‌ای هم تعریف کنید؟

□ یک بار فرصتی پیش آمد. به درخواست مدیر مدرسه‌ای در استان دیگری، به آنجا رفتم. مدرسه در محیطی روستایی قرار داشت. در آن زمان با عنوان معاونت ابتدایی اداره کل مشغول خدمت بودم، ولی به آن مدرسه به‌صورت ناشناس و بدون قید مسئولیت می‌گذاشتم. وقتی وارد روستا شدم، دیدم مدرسه در ابتدای روستا قرار دارد؛ یعنی هنوز محیط روستا را ندیده، وارد مدرسه می‌شوی. ابتدا با خودم فکر کردم، اکنون که دارم وارد مدرسه می‌شوم، نمی‌دانم ویژگی‌های این روستا و مردمانش چیست، فرهنگ آن‌ها، زبان آن‌ها و آداب آن‌ها



**تعلیم و تربیت در
بستر فرهنگ برای
حفظ و تقویت
همین فرهنگ
اقدام می‌کند و
حتی گاه ممکن
است تغییر و رشد
فرهنگ، با توجه
به رشد اجتماعی،
حتی هرس کردن
فرهنگ، صورت
بگیرد.
اگر من نتوانم
ابتدا فرهنگ
خود را حفظ و
در آن پایداری
کنم، در مواجهه با
فرهنگ‌های دیگر
جا می‌مانم**

❑ اگر از منظر آموزشی نگاه کنیم، اتفاق‌های مثبت زیادی افتاد. دو سال مدرسه‌هایمان اکثراً تعطیل بود، ولی آموزش اتفاق افتاد. نظام تعلیم و تربیت تجربه‌ی جدیدی را با آموزش‌های بدون تخته و کلاس از سر گذراند. این را فهمیدیم که بچه‌ها خودشان هم می‌توانند یاد بگیرند. ولی وقتی از فرهنگ صحبت می‌کنیم، بحث فرق می‌کند. فقط آموزش نیست. آنچه باید در حوزه فرهنگ اتفاق بیفتد، این است که باید مشترکات افراد جامعه باشد و ارزش‌ها را حفظ و تثبیت کند. اصولاً فرهنگ در زندگی اجتماعی معنا پیدا می‌کند. ما در دوران کرونا به نوعی از زندگی اجتماعی فاصله گرفتیم و فرصت‌هایی که در آن‌ها کودکان می‌توانستند با هم باشند تا بتوانند با فرهنگ زندگی کنند و ادامه‌دهنده مسیری‌های فرهنگ باشند، حذف شد. پس درست است که در دوران کرونا تجربه‌های مثبت داشتیم، ولی آنچه را اتفاق افتاد هم ببینیم. دو سال بچه‌های ما با هم بازی نکردند، با هم دعوا نکردند، صبر یاد نگرفتند، با همسالان تعامل نداشتند و با ادبیات و فرهنگ‌های مختلف مواجه نشدند. این‌ها هم آسیب‌هایی بودند که در دوران کرونا داشتیم. نظام سازمانی ما باید بتواند این‌ها را جبران کند.

● فرهنگ و تمدن غنی ایرانی - اسلامی چه عناصر و ویژگی‌هایی دارد تا بتواند در عصر جدید هم خود را حفظ کند و هم دیگران را تحت تأثیر قرار دهد؟

❑ وقتی اسلام وارد ایران شد، بسیاری از عناصر و شاخصه‌های فرهنگ ملی ایرانی حفظ شد، اما سایر ملل اسلامی چنین پیشینه‌ای نداشتند. استاد مطهری کتابی تحت عنوان «خدمات متقابل اسلام و ایران» دارد و در آن می‌گوید نه تنها اسلام خدمات زیادی به ایران داشت، بلکه ایران هم توانست خدمات زیادی به اسلام ارائه دهد. کمتر قوم و ملتی آداب و رسوم و فرهنگی داشته‌اند که بتواند با اسلام مراد داشته باشد. تمدن ما بنیۀ غنی فرهنگی‌ای دارد که می‌تواند حرف‌های زیادی برای سایر تمدن‌ها داشته باشد. در حالی که تمدن غرب تنها انسان را از جنبۀ علوم تجربی و جهان‌بینی علمی نگاه می‌کند و از منظر معنوی و غیرمادی غفلت می‌ورزد، حکمت، ادب و فرهنگ فارسی پر از معارف و معانی بلند و راهگشاست.

چیست؟ تصمیم گرفتیم بروم داخل روستا. بعضی جاهای روستا سنگ‌فرش بود. محل مسجد روستا را دیدم و با بعضی از افراد هم صحبت شدم.

سپس به مدرسه مراجعه کردم. ابتدا به چند کلاس رفتیم. از بچه‌ها چیزهایی پرسیدم. دیده بودم مردم روستا سبزی‌ها را دسته‌بندی می‌کنند و برای فروش می‌گذارند. وقتی خواستم درباره ریاضی سؤال بپرسم، با استفاده از همین دسته‌بندی‌های سبزی بود. بعضی بچه‌ها به خوبی به آن‌ها پاسخ دادند که معلم کلاس تعجب کرد.

در نهایت وارد دفتر مدرسه شدم و با معلمان گفت‌وگو کردم. ابتدا پرسیدم هر یک از شما اهل کجایی؟ متوجه شدم هیچ‌یک بومی این محل نیستند. خواستم ببینم معلمان چقدر با این محیط آشنایی دارند، پرسیدم همکاران محترم می‌دانند این روستا چند مسجد دارد و نامشان چیست؟ دیدم کسی نمی‌داند. گفتم آن چهارراهی را که در آن نقطه قرار دارد و خیابان سمت راستی‌اش بسیار زیباست دیده‌اید. اما آن‌ها با خیابان هم اصلاً آشنا نبودند. متوجه شدم آن‌ها اصلاً وارد روستا نشده و با فضای فرهنگی روستا آشنا نیستند.

به دانش‌آموزی گفته بودم یک مسجد نقاشی کند. او شکل مسجدی را کشیده بود که شبیه آن در آن روستا بود، ولی شبیه مساجدی که ما می‌شناسیم نبود. حال قضاوت معلم در مورد این نقاشی چه خواهد بود اگر آن مسجد روستا را ندیده باشد؟!

لذا اگر نظام تعلیم و تربیت فرهنگ بوم‌ها را شناسد و نبیند، نمی‌تواند به بهره‌وری مطلوبی برسد. برای همین بحث تمرکززدایی در آموزش و پرورش خیلی جدی است. خاطره دوم: در یک اردوی کشوری در رامسر بودیم. بچه‌ها از همه نقاط کشور آمده بودند. آن‌ها را به کنار دریا بردیم. دیدم بچه‌ای در انتها ایستاده و مبهوت دریا شده است. بغض کرده بود و انگار از چشم‌هایش اشک می‌آمد! فکر کردم احتمالاً تجربه تلخی از دریا دارد. دستم را روی دوشش گذاشتم و آرام آرام با او صحبت کردم. به من گفت، آقا وقتی خانه رفتم، چگونه به بابایم بگویم دریا چقدر آب داشت؟ آخر بابایم دریا را ندیده است. بابایم دریا را ندیده بود. به دانش‌آموزی در کویر کرمان می‌خواهیم دریا را همان‌گونه درس بدهیم که به کسی که در ساحل دریا زندگی می‌کند. با یک محتوا و کتاب، در حالی که فرهنگ زندگی در این مناطق متفاوت است.

● آموزش و پرورش در دوران کرونا چه دستاوردهایی داشت؟ از نظر فرهنگی چه آسیب‌هایی دید؟

دیجیتال و شکاف دیجیتال

تأثیر آموزش دیجیتال بر تحول فرهنگی و توسعه اجتماعی فرصتی نوین برای جوامع آینده

زهرا کریم‌النفیس

شهرستان بهشهر / آموزگار پایه پنجم



اشاره

آموزش دیجیتال به عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فناوری در قرن بیست و یکم، به طور گسترده‌ای ساختارهای آموزشی و فرهنگی جوامع را تحت تأثیر قرار داده است. این مقاله تأثیر آموزش دیجیتال بر جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی را بررسی کرده و با استناد به پژوهش‌های منتشر شده پس از سال ۲۰۲۰، نتایج مرتبط را تحلیل می‌کند. از تغییر الگوهای سواد و یادگیری تا تقویت تنوع فرهنگی، آموزش دیجیتال افق‌های یادگیری و همزیستی مسالمت‌آمیز میان فرهنگ‌های گوناگون را گسترش داده است. همچنین، این نوع آموزش امکان دسترسی به فرصت‌های آموزشی برابر را برای تمام اقشار جامعه، حتی در مناطق دورافتاده، فراهم کرده است و در کاهش نابرابری‌های اجتماعی نقش بسزایی ایفا می‌کند. با این حال، چالش‌هایی نظیر شکاف دیجیتال، حفظ هویت فرهنگی و مسائل امنیتی نیز وجود دارند که باید به دقت مدیریت شوند. این مقاله تأثیرات مثبت و منفی آموزش دیجیتال را بر جامعه و فرهنگ بررسی می‌کند و راهکارهای بهره‌برداری بهینه از این ابزار نوین را پیشنهاد می‌دهد. با پیشرفت فناوری‌های دیجیتال و گسترش اینترنت، آموزش دیجیتال به راهبردی کلیدی برای بهبود سطح دانش و مهارت‌های افراد در جامعه تبدیل شده است. این روش آموزشی، به دلیل دسترسی سریع، انعطاف‌پذیری و هزینه‌های کمتر نسبت به آموزش سنتی، توجه زیادی را به خود جلب کرده است (Smith, Jones & Wilson, 2019). در جوامع مدرن، از آموزش دیجیتال نه تنها به عنوان ابزار گسترش دانش، بلکه به عنوان راهی برای ایجاد تغییرات فرهنگی و توسعه اجتماعی استفاده می‌شود. این مقاله قصد دارد به صورت جامع چگونگی تأثیرگذاری آموزش دیجیتال بر تحول فرهنگی و توسعه اجتماعی را بررسی کند.

نشان‌دهنده افزایش ۲۲ میلیارد دلاری در سرمایه‌گذاری روی آموزش دیجیتال بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ است که اهمیت این روش آموزشی را به وضوح نشان می‌دهد. (Metari, 2020)

تأثیر آموزش دیجیتال بر تحول فرهنگی

آموزش دیجیتال می‌تواند بر فرهنگ جوامع تأثیرات قابل توجهی بگذارد. این نوع آموزش با تسهیل دسترسی به اطلاعات و دانش می‌تواند به شکل‌گیری فرهنگ مبتنی بر دانش و بهبود دیدگاه‌های افراد کمک کند. برای مثال، دانشجویانی که از بسترهای آموزشی برخط استفاده می‌کنند، درک بهتری از تفاوت‌های فرهنگی

آموزش دیجیتال؛ تعریف‌ها و مفاهیم کلیدی

آموزش دیجیتال به استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای ارائه محتوای آموزشی و تقویت یادگیری اشاره دارد. از این روش‌ها به عنوان ابزارهای مؤثر بهبود دسترسی به آموزش، کاهش هزینه‌ها و ارائه محتوای آموزشی با کیفیت استفاده می‌شود. از سال ۲۰۱۸ تحقیقات نشان داده‌اند، آموزش دیجیتال می‌تواند به افراد امکان بدهد که یادگیری را مطابق با نیازها و زمان خود پیگیری کنند. در نتیجه، این امر به افزایش انگیزه یادگیری و بهبود عملکرد تحصیلی منجر می‌شود. گزارش متاری

با پیشرفت فناوری‌های دیجیتال و گسترش اینترنت، آموزش دیجیتال به راهبردی کلیدی برای بهبود سطح دانش و مهارت‌های افراد در جامعه تبدیل شده است



در جوامع جدید،
از آموزش
دیجیتال نه تنها
به عنوان ابزار
گسترش دانش،
بلکه به عنوان
راهی برای ایجاد
تغییرات فرهنگی
و توسعه اجتماعی
استفاده می شود

برخط، امکان یادگیری برای همه فراهم می شود؛ بدون توجه به مکان جغرافیایی یا وضعیت اقتصادی. این امر می تواند در بهبود فرصت های شغلی و اجتماعی برای افرادی که به آموزش حضوری دسترسی ندارند، کمک کند و به کاهش نابرابری های اجتماعی و اقتصادی منجر شود (Johnson & Davis, 2020). دسترسی به آموزش دیجیتال می تواند به گسترش مهارت های مرتبط با فناوری های نوین و توانمندسازی افراد در مواجهه با چالش های دنیای نوین کمک کند. برای مثال، یادگیری دیجیتال می تواند به افراد کمک کند با مهارت های لازم برای مشاغل آینده، مانند برنامه نویسی، مدیریت داده ها و تحلیل های پیشرفته آشنا شوند و در نتیجه به توسعه پایدار و افزایش بهره وری اجتماعی کمک کنند (Chen, Davis & Johnson, 2023).

و اجتماعی به دست می آورند. این شرایط می تواند به افزایش تحمل پذیری و کاهش تعصب فرهنگی منجر شود (Anderson, 2021). یکی از مثال های بارز در این زمینه، استفاده از محتوای فرهنگی-آموزشی از طریق بسترهای برخط است که به افراد امکان می دهد با فرهنگ ها و دیدگاه های گوناگون آشنا شوند. این تعاملات بین فرهنگی، ضمن گسترش آگاهی، به بهبود روابط بین افرادی از فرهنگ های گوناگون کمک می کند و به کاهش تعصبات و تفاوت های فرهنگی می انجامد (Garcia, Kumar & Shah, 2018).

نقش آموزش دیجیتال در توسعه اجتماعی

آموزش دیجیتال همچنین می تواند ابزاری قدرتمند برای توسعه اجتماعی باشد. یکی از اهداف اصلی آموزش دیجیتال، کاهش نابرابری های آموزشی و ارتقای دسترسی همگانی به آموزش باکیفیت است. با استفاده از بسترهای



از تغییر الگوهای
سواد و یادگیری
تا تقویت تنوع
فرهنگی،
آموزش دیجیتال
افق‌های یادگیری
و هم‌زیستی
مسالمت‌آمیز
میان فرهنگ‌های
گوناگون را گسترش
داده است

چالش‌ها و موانع پیاده‌سازی آموزش دیجیتال

پیاده‌سازی آموزش دیجیتال با چالش‌هایی نیز همراه است. نبود دسترسی عادلانه به اینترنت و دستگاه‌های هوشمند، یکی از اصلی‌ترین موانع بر سر راه توسعه آموزش دیجیتال است. در مناطقی که دسترسی به اینترنت ضعیف است یا زیرساخت‌های فناوری مناسبی وجود ندارند، اجرای برنامه‌های آموزش دیجیتال دشوار خواهد بود. برای مثال، برخی مناطق دورافتاده و محروم، از دسترسی به آموزش دیجیتال بهره‌مند نمی‌شوند. این موضوع می‌تواند به تعمیق نابرابری‌های آموزشی منجر شود (Brown & Green, 2023). علاوه بر این، معلمان و دانش‌آموزان نیز به یادگیری مهارت‌های دیجیتال و استفاده از فناوری‌های نوین نیاز دارند تا بتوانند به‌طور مؤثرتری از آموزش دیجیتال بهره‌مند شوند. در بسیاری از کشورها، کمبود منابع مالی و آموزشی مانع از توسعه مهارت‌های دیجیتال در مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها می‌شود (Kumar & Shah, 2022). یکی دیگر از چالش‌ها، مسائل مربوط به

امنیت و حریم خصوصی در آموزش دیجیتال است. بسیاری از اطلاعات شخصی و تحصیلی در محیط‌های برخط ذخیره می‌شوند و در معرض خطرات امنیتی قرار دارند. همچنین، معلمان و دانش‌آموزان ممکن است به دلیل ناآگاهی کامل از مسائل امنیتی و حریم خصوصی، در معرض خطرات فضای رایانه‌ای قرار گیرند (Johnson & Davis, 2020).

فرصت‌های نوین برای جوامع آینده

آموزش دیجیتال می‌تواند فرصت‌های بی‌نظیری برای جوامع آینده فراهم آورد. با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و هوشمند، افراد می‌توانند در هر مرحله از زندگی خود به آموزش دسترسی داشته باشند و از مهارت‌ها و دانش‌های به‌روز بهره‌مند شوند. این امر می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر یادگیری مادام‌العمر کمک کند که در آن افراد قادر به تطبیق با تغییرات سریع دنیای نوین هستند. آموزش دیجیتال همچنین می‌تواند به توسعه مهارت‌های قرن بیست‌ویکم، مانند تفکر انتقادی، حل مسئله و همکاری مؤثر کمک کند. این مهارت‌ها برای موفقیت در جامعه مدرن ضروری هستند و می‌توانند به بهبود کیفیت زندگی و افزایش رضایت شغلی منجر شوند. با فراهم آوردن بسترهای آموزشی انعطاف‌پذیر، آموزش دیجیتال می‌تواند در تربیت شهروندانی آگاه و مسئولیت‌پذیر نقش مهمی ایفا کند (Chen, Davis & Johnson, 2023).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به‌طور کلی، آموزش دیجیتال با تأثیرات گسترده‌ای که بر تحول فرهنگی و توسعه اجتماعی می‌گذارد، می‌تواند به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای پیشرفت جوامع آینده مورد استفاده قرار گیرد. این نوع آموزش، با ایجاد دسترسی برابر به منابع علمی و آموزشی، تقویت تبادلات بین‌فرهنگی و توسعه مهارت‌های اجتماعی و شغلی، می‌تواند به ایجاد جامعه‌هایی پیشرفته و پایدار کمک کند. با این حال، برای بهره‌مندی کامل از مزیت‌های آموزش دیجیتال، لازم است چالش‌های موجود شناسایی و برطرف شوند. در این راستا پیشنهاد می‌شود دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی به بهبود زیرساخت‌های فناوری و دسترسی به اینترنت در مناطق محروم بپردازند و همچنین برنامه‌هایی برای ارتقای مهارت‌های دیجیتال در مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها اجرا کنند. در نهایت، آموزش دیجیتال به‌عنوان فرصتی نوین، نه تنها به توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای با آموزش مادام‌العمر و مبتنی بر فناوری‌های نوین منجر شود. این امر پیش‌زمینه توسعه پایدار و آینده‌ای روشن‌تر برای نسل‌های آینده فراهم می‌آورد.

منابع

- Anderson, M. (2021). *The role of digital education in promoting cultural awareness and tolerance*. Journal of Cross-Cultural Education, 18(3), 202-215.
- Brown, S., & Green, D. (2023). *Digital divide and its impact on educational equity: A review of recent findings*. Journal of Social Issues in Technology, 19(2), 110-126.
- Chen, H., Davis, K., & Johnson, R. (2023). *Lifelong learning in the digital era: Benefits and challenges*. Advances in Digital Education, 34(2), 11-29.
- Garcia, L., Kumar, S., & Shah, M. (2018). *Cultural implications of digital learning: Opportunities and challenges*. International Journal of Educational Technology, 9(1), 55-73.
- Johnson, T., & Davis, K. (2020). *Privacy and security concerns in digital education: A critical analysis*. Journal of Cybersecurity in Education, 8(4), 56-74.
- Jones, T., & Wilson, P. (2020). *Reducing educational inequality through digital learning platforms*. Educational Review, 27(5), 323-340.
- Kumar, M., & Shah, R. (2022). *The importance of digital skills in the modern classroom: A systematic review*. Education & Training Journal, 46(3), 87-105.
- Metari, J. (2020). *The impact of digital education on knowledge dissemination: A global analysis*. Digital Learning Quarterly, 12(4), 45-68.
- Smith, R., Jones, T., & Wilson, P. (2019). *Digital education and its impact on cultural transformation in global societies*. Journal of Education and Technology, 21(2), 15-32.



نقش فرهنگ محلی در یادگیری دانش آموزان

مبینا پاشای گنابی



آموزگار چندپایه ابتدایی، منطقه بلده، مازندران

فرهنگ محلی مجموعه‌ای از آداب، رسوم، زبان، ارزش‌ها و باورهای خاص هر منطقه یا قوم است که بر یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر چشمگیری دارد. این مقاله تأثیر فرهنگ محلی را بر یادگیری دانش‌آموزان بررسی می‌کند و اهمیت آن را در آموزش و تربیت نسل‌های آینده نشان می‌دهد. انطباق محتوای آموزشی با فرهنگ بومی به تقویت یادگیری، افزایش انگیزه و ایجاد اعتمادبه‌نفس در دانش‌آموزان می‌انجامد.



مناسب برای تطبیق آموزش با فرهنگ بومی بسیار حائز اهمیت است (حسینی و نیکنام، ۱۳۹۸: ۱۰۷-۹۱).

فرهنگ محلی
نه تنها بر جنبه‌های
شناختی یادگیری،
بلکه بر رشد
عاطفی و اجتماعی
دانش‌آموزان نیز
تأثیرگذار است

جنبه‌های تأثیر فرهنگ محلی بر یادگیری نقش‌هایی است که زبان بومی در فرایند آموزش ایفا می‌کند. در بسیاری از مناطق ایران که زبان محلی با زبان رسمی کشور تفاوت دارد، دانش‌آموزان ممکن است در درک مفاهیم آموزشی به زبان رسمی دچار مشکل شوند (نوروزی و رضایی، ۱۳۹۵: ۵۰-۳۳). فرهنگ محلی نه تنها بر جنبه‌های شناختی یادگیری، بلکه بر رشد عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان نیز تأثیرگذار است (زارعی، ۱۳۹۹: ۶۲-۴۵).

مقدمه

آموزش و یادگیری فرایندی پویا و چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل گوناگونی همچون محیط، خانواده، نظام آموزشی و فرهنگ قرار دارد. فرهنگ، به‌ویژه فرهنگ محلی، در شکل‌گیری شخصیت، نگرش‌ها، باورها و روش‌های یادگیری افراد نقش بنیادینی ایفا می‌کند و یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر یادگیری دانش‌آموزان محسوب می‌شود (کاظمی، ۱۳۹۸: ۳۹-۲۲).

فرهنگ محلی شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها، آداب و رسوم، زبان، باورها و رفتارهایی است که مختص یک منطقه یا قوم خاص است و بر تعامل و نحوه یادگیری افراد تأثیر می‌گذارد (جعفری و عزیزی، ۱۳۹۷: ۷۲-۵۴). نقش معلمان و سیاست‌گذاران آموزشی در ایجاد بسترهای



اهداف آموزشی ملی و کمبود منابع آموزشی و معلمان آگاه به فرهنگ بومی است (کاظمی، ۱۳۹۸: ۲۲-۳۹). معلمان با شناخت فرهنگ بومی دانش‌آموزان و استفاده از آن در روش‌های تدریس، می‌توانند یادگیری را برای آنان آسان‌تر و جذاب‌تر کنند. معلمانی که با فرهنگ محلی آشنایی دارند و در تدریس از آن استفاده می‌کنند، قادرند ارتباط بهتری با دانش‌آموزان برقرار کنند و بر انگیزه آن‌ها در یادگیری بیفزایند. این شرایط نشان‌دهنده اهمیت آموزش و آگاهی معلمان از فرهنگ محلی و به کارگیری آن در فرایند تدریس است (حسینی و نیکنام، ۱۳۹۸: ۱۰۷-۹۱).

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر مطالعه‌ای مروری است که بر مبنای پژوهش در حوزه نقش فرهنگ محلی در یادگیری دانش‌آموزان صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش

تأثیر فرهنگ محلی بر یادگیری دانش‌آموزان
فرهنگ محلی به چند طریق بر یادگیری تأثیر می‌گذارد. از جمله:

۱. زبان و تفاوت‌های زبانی

زبان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای فرهنگی، تأثیر زیادی بر یادگیری دارد. دانش‌آموزانی که زبان مادری‌شان با زبان رسمی آموزش متفاوت است (Cummins, 2001).

۲. نقش خانواده و جامعه

خانواده و جامعه، به‌عنوان نهادهایی فرهنگی، بر حمایت از تحصیل و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر زیادی دارند (Bronfenbrenner, 1979).

۳. ساختار و شیوه‌های آموزش بومی

انطباق شیوه‌های آموزشی با فرهنگ محلی می‌تواند به بهبود یادگیری دانش‌آموزان منجر شود؛ برای مثال، استفاده از زبان محلی و ابزارهای آموزشی بومی (Bronfenbrenner, 1979).

۴. تأثیر مذهب و آیین‌های محلی

مذهب و آیین‌های محلی می‌توانند به‌عنوان یکی از عوامل فرهنگی مؤثر در یادگیری دانش‌آموزان عمل کنند. (King & Beattie, 2004).

مبنای نظری

نقش فرهنگ محلی در تقویت خلاقیت و مهارت‌های حل مسئله

استفاده از مثال‌های بومی و تشویق دانش‌آموزان به یافتن راه‌حل‌های خلاقانه بر مبنای منابع محلی، می‌تواند به بهبود مهارت‌های حل مسئله در آن‌ها کمک کند (حسینی و نیکنام، ۱۳۹۸: ۱۰۷-۹۱).

فرهنگ و فرایند یادگیری

فرهنگ شامل مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، رفتارها و سنت‌هایی است که در یک جامعه یا قوم خاص وجود دارند و بر نحوه تفکر و یادگیری افراد آن جامعه تأثیر می‌گذارند. فرهنگ در فرایند یادگیری نقش محوری دارد. به گفته ویکوتسکی (۱۹۷۸)، یادگیری انسان‌ها در بستری فرهنگی اجتماعی اتفاق می‌افتد. بنابراین، دانش‌آموزان در محیط‌های فرهنگی متناسب با خود بهتر یاد می‌گیرند و انگیزه بیشتری برای یادگیری پیدا می‌کنند.

نقش زبان بومی در یادگیری

زبان به‌عنوان یکی از عناصر مهم فرهنگ محلی، در یادگیری تأثیر بسزایی دارد. در مناطقی که زبان رسمی آموزش با زبان بومی متفاوت است، دانش‌آموزان ممکن است در یادگیری با مشکلاتی مواجه شوند و بهره‌وری آن‌ها کاهش یابد (نوروزی و رضایی، ۱۳۹۵: ۵۰-۳۳).

تأثیر ارزش‌ها و باورهای فرهنگی بر انگیزه یادگیری

انگیزه یادگیری یکی از عوامل مهم در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان است که می‌تواند تحت تأثیر فرهنگ محلی تقویت یا تضعیف شود. فرهنگ محلی شامل باورها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که در تربیت فرزندان و آموزش آنان نقش مهمی ایفا می‌کنند (زارعی، ۱۳۹۹: ۴۵-۶۲).

با وجود تأثیرات مثبت فرهنگ محلی بر یادگیری، در برخی موارد چالش‌هایی نیز وجود دارند. یکی از این چالش‌ها تضاد بین ارزش‌ها و باورهای فرهنگی محلی با

انگیزه یادگیری یکی از عوامل مهم در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان است که می‌تواند تحت تأثیر فرهنگ محلی تقویت یا تضعیف شود

از این داستان‌ها به‌خصوص در دوره ابتدایی استفاده می‌شود (پیشین).

بحث و نتیجه‌گیری

فرهنگ محلی در یادگیری دانش‌آموزان نقش مهمی ایفا می‌کند و به‌عنوان یک منبع ارزشمند در فرایند آموزش مورد استفاده قرار می‌گیرد. استفاده از فرهنگ محلی نه تنها به افزایش علاقه دانش‌آموزان منجر می‌شود، بلکه می‌تواند حس هویت، اعتماد به نفس و تعامل اجتماعی آن‌ها را تقویت کند و در نهایت به یادگیری پایدار و موفقیت تحصیلی کمک کند.

شناخت فرهنگ بومی و احترام به آن می‌تواند باعث بر انگیزه، اعتماد به نفس و تقویت یادگیری دانش‌آموزان بیفزاید و آن‌ها را برای مواجهه با چالش‌های آینده آماده‌تر کند. در این راستا پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی به‌گونه‌ای طراحی شوند که با فرهنگ بومی دانش‌آموزان هماهنگ باشد.

منابع

۱. جعفری، مهدی و عزیزی، علیرضا (۱۳۹۷). بررسی تأثیر فرهنگ بومی بر روش‌های تدریس در مدارس چند فرهنگی. *فصلنامه آموزش و فرهنگ*، ۸ (۲).
۲. حسینی، نرگس؛ نیکنام، سارا (۱۳۹۸). نقش فرهنگ بومی در تقویت خلاقیت و حل مسئله در مدارس. *مجله پژوهش‌های تربیتی*، ۱۰ (۳).
۳. زارعی، فاطمه (۱۳۹۹). تأثیر فرهنگ محلی بر تربیت اجتماعی دانش‌آموزان. *مجله فرهنگ و آموزش*، ۹ (۴).
۴. کاظمی، سعید (۱۳۹۶). تأثیر تطبیق محتوای آموزشی با فرهنگ بومی بر انگیزه و اعتماد به نفس دانش‌آموزان. *پژوهشنامه آموزش و پرورش*، ۱۲ (۵).
۵. نوروزی، حمید، و رضایی، کوروش (۱۳۹۵). نقش زبان بومی در آموزش و یادگیری. *فصلنامه زبان و ادبیات بومی*، ۶ (۱).

۶. ویگوتسکی، لو (۱۹۷۸). ذهن در جامعه: رشد فرایندهای روان‌شناختی عالی. کمبریج، انتشارات دانشگاه هاروارد.

7. Bronfenbrenner, U. (1979). The ecology of human development: Experiments by nature and design. Harvard University Press.

8. Banks, J. A. (2015). Cultural diversity and education. Taylor & Francis.

Cummins, J. (2001). Language, power, and pedagogy: *Bilingual children in the crossfire*. Multilingual Matters.

9. Gruenewald, D. A. (2003). The best of both worlds: A critical pedagogy of place. *Educational Researcher*, 32(4), 3-12.

10. Hofstede, G. (2001). Culture's consequences: *Comparing values, behaviors, institutions and organizations across nations*. Sage.

11. King, U., & Beattie, T. (2004). Religion and spirituality in the life cycle. *Peter Lang*.

۵. محیط فیزیکی و جغرافیای محلی‌ای

شرایط جغرافیایی و محیطی فیزیکی‌ای که دانش‌آموزان در آن بزرگ می‌شوند، می‌تواند به شکل‌گیری دانش بومی و تخصص‌های محلی کمک کند (King & Beattie, 2004).

راهکارهای استفاده از فرهنگ بومی در آموزش

استفاده از فرهنگ محلی در یادگیری دانش‌آموزان می‌تواند به افزایش علاقه، انگیزه و درک عمیق‌تر آن‌ها از مفاهیم آموزشی منجر شود. در این راستا، راهکارهای عملی متعددی وجود دارند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. تدریس به زبان مادری

استفاده از زبان مادری دانش‌آموزان در آموزش می‌تواند فهم مفاهیم پیچیده را تسهیل کند و بر اعتماد به نفس بیفزاید (Cummins, 2001). این روش به‌ویژه برای دانش‌آموزانی مفید است که در محیط‌های دو یا چندزبانه رشد کرده‌اند.

۲. بومی‌سازی محتوای درسی

بومی‌سازی محتوای درسی به معنای تطبیق مطالب آموزشی با فرهنگ و تجربه‌های زندگی دانش‌آموزان است. برای مثال، استفاده از داستان‌ها (Banks, 2015).

۳. استفاده از هنرها و فعالیت‌های فرهنگی بومی

فعالیت‌های هنری مانند موسیقی، نقاشی و رقص‌های بومی می‌توانند به‌عنوان ابزارهای آموزشی در تدریس به کار روند. این رویکرد نه تنها به شناخت بهتر دانش‌آموزان از فرهنگ خود، بلکه به خلاقیت آن‌ها کمک می‌کند (Banks, 2015).

۴. تشویق به استفاده از منابع محلی

استفاده از منابع محلی مانند بازدید از مکان‌های تاریخی، موزه‌ها یا طبیعت محلی، به دانش‌آموزان کمک می‌کند یادگیری را به‌طور عملی تجربه کنند (Gruenewald, 2003).

۵. تشویق به مشارکت والدین و جامعه محلی در آموزش

والدین و جامعه محلی می‌توانند نقش مهمی در انتقال فرهنگ و ارزش‌های محلی به دانش‌آموزان ایفا کنند؛ برنامه‌هایی محلی والدین و افراد بومی را به فرایند آموزش وارد می‌کنند (Bronfenbrenner, 1979).

۶. استفاده از داستان‌ها و افسانه‌های بومی در تدریس

داستان‌ها و افسانه‌های بومی می‌توانند ابزارهای آموزشی مؤثری باشند که به دانش‌آموزان کمک می‌کنند ارزش‌های فرهنگی خود را بهتر درک کنند و به آن‌ها احترام بگذارند.



معلمان با شناخت فرهنگ بومی دانش‌آموزان و استفاده از آن در روش‌های تدریس، می‌توانند یادگیری را برای آنان آسان‌تر و جذاب‌تر کنند

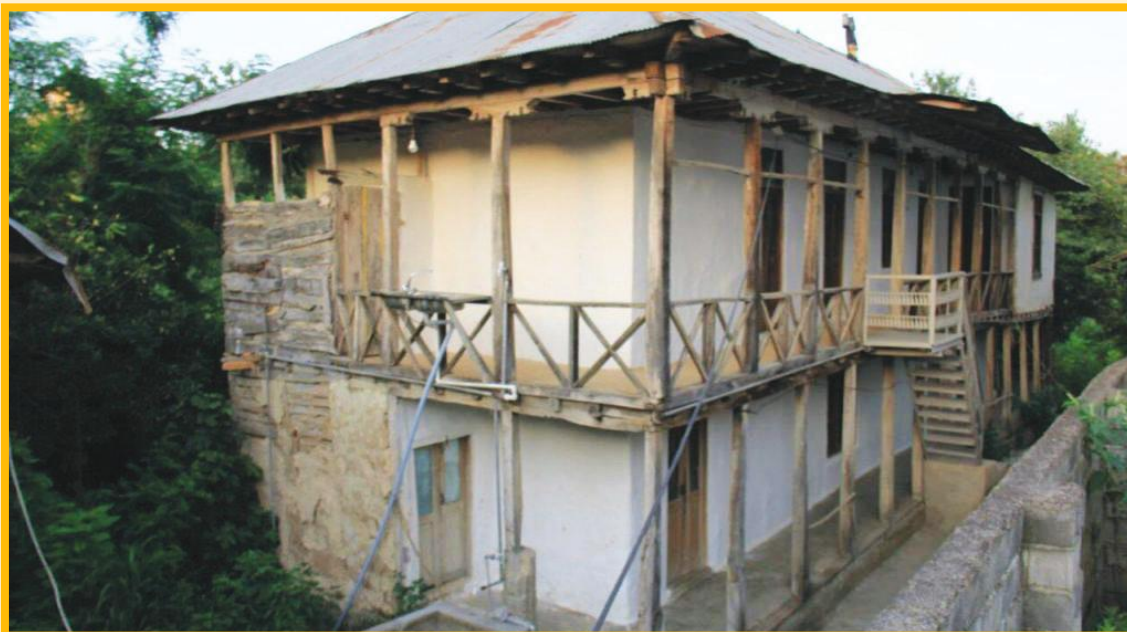
بوی روز گاران خاطر هانگیز

فاطمه عزیززاده نشلی

مدیریت دبستان شهید نواب صفوی دیوا



روستای «دیوا» در استان مازندران، شهرستان بابل، بخش بندپی غربی و دهستان خشروودی قرار دارد. این روستا از نظر موقعیت مکانی در فاصله حدود ۲۵ کیلومتری شهر بابل در قسمت کوه پایه‌ای و در حاشیه محور گلوگاه به خشروودی جای گرفته است. از نظر سیاسی روستای دیوا در بخش خشروودی و دهستان خشروود واقع شده است. این روستای تاریخی هنوز بافت قدیمی و کهن خود را حفظ کرده است و بوی روز گاران خاطر هانگیز گذشته را می‌دهد.



در روز گاران گذشته، در روستا آداب و رسوم و حتی امور جاری زندگی با تشریفات خاصی انجام می‌گرفتند؛ آدابی مثل دورهمی‌ها و شب‌نشینی‌ها، و کارهایی مثل نمدمالی، دوشیدن گاو، پخت نان تنوری. اما متأسفانه با گذشت زمان برخی از آن‌ها از خاطرها رفته‌اند و شاید کمتر کسی یاد و خاطره‌ای از آن‌ها در ذهنش داشته باشد! البته برخی نیز با کمی تغییر در نحوه برگزاری همچنان به قوت خود باقی هستند.



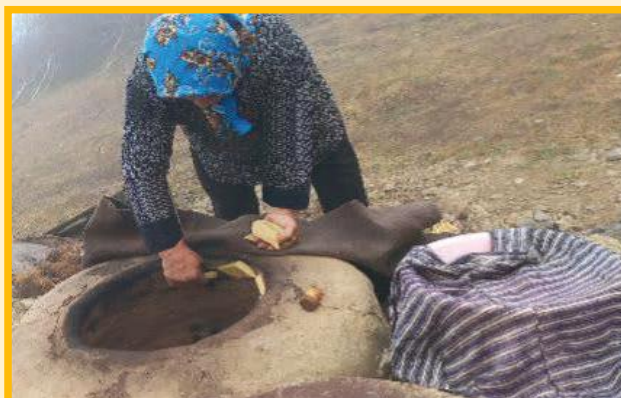
دامداری و دوشیدن گاو



نمدمالی



پخت نان محلی توسط دانش آموز



پخت نان تنوری



دورهمی

درست کردن نخ از پشم گوسفند



شغل بیشتر مردم این روستا دامداری، کشاورزی و ساختن صنایع دستی است. آن‌ها از پشم گوسفند نخ می‌گیرند و جوراب و لباس می‌بافند. اهالی محل محصولات خود را در بازارهای محلی عرضه می‌کنند و به فروش می‌رسانند و زندگی خود را می‌گذرانند. بعضی از دانش‌آموزان هم با این هنرها و صنایع دستی آشنا و به آن مشغول هستند.



اردو بازدید از صنایع دستی



انجام نخ‌ریسی در مدرسه



نیم‌زنی (تبدیل ماست به دوغ و کره)



فروشگاه وسایل چوبی



لباس‌های محلی نمایشی زنده از فرهنگ، سنت و هنر مردمان هر منطقه هستند. وقتی سخن از مازندران به میان می‌آید، این سرزمین سبز و خوش طبیعت، با لباس‌های محلی رنگارنگ و اصیلش در ذهن تداعی می‌شود. لباس محلی زنان مازندرانی ترکیبی از رنگ‌های شاد و طرح‌های خاص است. اجزای اصلی آن شامل شلیته (دامن چین‌دار رنگارنگ)، تمبان (شلوار گشاد با دمپای تنگ)، جومه (بلوز بلند)، نیم‌تنه یا کلیجه (جلیقه یا کت مخملی) و چارقد (روسری سفید یا گلدار) است. این لباس‌ها نه تنها کاربردی هستند، بلکه به زیبایی و هنر فرهنگ مازندران اشاره دارند.



گردد بازی (آغوز بازی)



پنج سنگ

بازی‌های بومی و محلی آداب و رسوم و فرهنگ اجتماعی هر منطقه را به نمایش می‌گذارند. از ویژگی‌های بازی‌های بومی محلی می‌توان به کشف استعدادها و رشد جسمانی کودکان اشاره کرد. چند نمونه از بازی‌های بومی و محلی روستای دیوا عبارت‌اند از: گردوبازی، وسطی، هفت سنگ، لی لی، کلاغ پر، قایم‌موشک، گل یا پوچ.



هفت سنگ



وسطی بازی



آغاز هفته،

آغاز یک ماجراجویی جدید

سید میثم موسوی

تصویرگر

کیمیا عسگری، شهرستان به ایل



بامزه می‌شد. یا می‌تونستی به دونه چشم و یه دهن براش درست کنی، تا به آدم‌برفی خنده رو بشه.

بچه‌ها با تعجب به من نگاه کردند.

خب، حالا به سؤال ازتون دارم: اگه همه آدم‌برفی‌ها شبیه هم باشن، چه جوری می‌تونیم بگیم کدوم یکی از اونا خاص‌تره؟ کدوم یکی از اونا به داستان داره؟ کدوم یکی از اونا به شخصیت داره؟

بچه‌ها در این لحظه سرشان را پایین انداختند و به خمیر بازی‌هایشان نگاه کردند.

ببینید بچه‌ها، هنر یعنی آزادبودن. یعنی اینکه از قید و بند قالب‌ها رها بشیم و با دستای خودمون به دنیای جدید بسازیم. به دنیایی که توش هر چیزی ممکنه. دنیایی که توش آدم‌برفی‌ها می‌تونن گیتار بزنن، گل بخورن و حتی با ما حرف بزنن!

بچه‌ها با ذوق به خمیر بازی‌هایشان نگاه کردند و شروع کردند به ساختن شکل‌های عجیب و غریب.

حالا دیگه می‌دونید چرا من همیشه بهتون می‌گم از قالب استفاده نکنین؟ چون من می‌خوام شما بزرگ‌ترین هنرمندای دنیا بشید. هنرمندایی که با دستای خودتون به دنیای رنگی و قشنگ می‌سازن. به دنیایی که توش هر چیزی ممکنه!

□ روزی دیگر، روزی غیر از خمیربازی

«شابلونی را که به شکل قلب است بر دل مقوا نهادم و با ظرافت یک جراح، ابتدا خط‌های آن را کشیدم و بعد بریدم. در این هنگام، صدای ظریفی مرا از عالم هنر به واقعیت بازگرداند: «کیمیا جون، قشنگه‌ها، ولی بهتره از دست خودت برای کشیدن قلب استفاده کنی.» قلبم از این جمله تکه‌تکه شد. قلبم می‌گفت: «نه، این امکان ندارد!» اما عقل می‌گفت: «شاید او حق داشته باشد!»

من معلمم. معلم شدم تا همیشه دری به سوی دنیای کودکی به رویم باز باشد.

آغاز هفته، طلوع خورشیدی بود بر لوح سپید خمیر، تا طرحی نو بر آن نقش بندد. شنبه، قایق کوچکی بود که بچه‌ها را به ساحل خیال و دنیای رنگارنگ شکل‌های خمیری می‌برد. شنبه‌ها، تقویم کوچک من، صفحه جدیدی را ورق می‌زد؛ هر سؤال «کیمیا جون پس کی خمیربازی کنیم؟»، یک دعوت به جشن بود. آغاز هفته، نه آغاز کار، که آغاز یک ماجراجویی جدید بود. هر لمس خمیر، سفری بود به دنیای نرمی و لطافت. نگاه بچه‌ها به خمیر، همچون پروانه‌ای بود که روی گل‌های رنگارنگ می‌نشاند.

□ یک روز خمیربازی

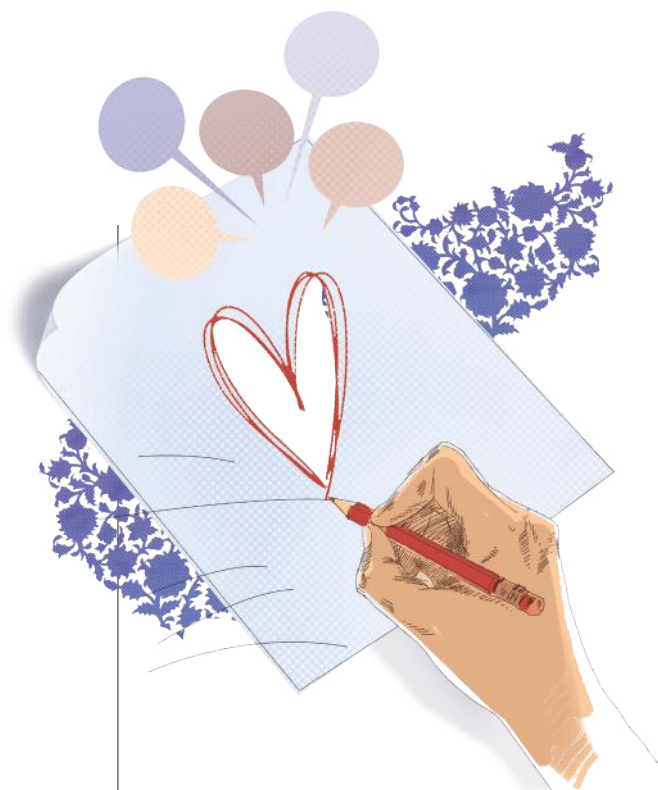
«خب بچه‌ها، وقت خمیربازی شد! می‌دونین من عاشق اینم که ببینم شما چه خلاقیت‌هایی با این خمیر رنگی به خرج می‌دین. حالا به چیزی بگم که خیلی مهمه. قالباً بدجنسن! اونا می‌خوان خلاقیتتون رو قفل کنن و فقط اجازه بدن چند تا شکل تکراری درست کنین. پس بیاین امروز قالباً رو کنار بذاریم و با دستای هنرمندمون به دنیای جدید بسازیم. شکل با قالب قشنگ می‌شه‌ها، ولی از دست خودت استفاده کنی خیلی قشنگ‌تره.

چند دقیقه بعد، یکی از بچه‌ها با یک آدم‌برفی که شبیه یک توپ برفی گرد شده بود، آمد پیشم و با افتخار آن را نشانم داد.

آفرین! چه آدم‌برفی قشنگی! ببین چقدر گرد و تپل شده! ولی می‌دونی چیه؟ اگه دستت رو می‌داشتی رو این خمیر و به کم فشارش می‌دادی، یه آدم‌برفی با یه کلاه و یه بینی

کلمه‌ها

قدرتمندترین سلاح جهان هستند؛
قدرتمندتر از شمشیر، قوی‌تر از آتش. و من با این سلاح می‌توانستم دنیایی بهتر برای کودکان بسازم؛ دنیایی پر از عشق، امید و شادی



روزی از آن‌ها خواستم نقاشی بکشند. هر کدام قلم را در دست گرفت و دنیای درون خود را روی کاغذ جاری کرد. در نقاشی‌هایشان، آسمان‌ها آبی‌تر از همیشه بودند، خورشیدها گرم‌تر می‌تابیدند و گل‌ها رنگین‌تر می‌شکفتند. آن روز متوجه شدم کلمه‌ها می‌توانند خلاقیت را در آن‌ها شکوفا کنند و به آن‌ها یاد دهند که دنیای اطرافشان را زیباتر ببینند.

با گذشت زمان، پیوند عمیقی میان من و کودکان کلاس برقرار شد. کلمه‌هایم پل ارتباطی ما بودند و این پل هر روز، محکم‌تر می‌شد. آن‌ها با اعتماد کامل به من گوش می‌دادند و من نیز با تمام وجود به آن‌ها می‌آموختم.

یک روز یکی از بچه‌ها به من گفت: «کیمیا جون، شما مثل یک جادوگر هستید! با کلمه‌هایتان هر چیزی را می‌توانید به وجود آورید.

لبخندی بر لبم نشست. بله، من یک جادوگر بودم؛ جادوگری که با کلمه‌هایش دنیایی زیبا می‌آفرید؛ دنیایی که در آن کودکان آزادانه می‌اندیشیدند، با شجاعت رؤیا می‌پرداختند و با عشق به هم لبخند می‌زدند.

و من به این باور رسیدم که بزرگ‌ترین هدیه‌ای که می‌توان به یک کودک داد، هدیه کلمه‌هاست؛ کلمه‌هایی که آن‌ها را به انسان‌هایی بهتر تبدیل کند؛ انسان‌هایی که بتوانند دنیایی بهتر بسازند. آن شب دانش‌آموزان خواب دنیایی جادویی را دیدند که در آن دستانشان توانا و ذهنشان پویاست. کلمه‌ها ما را به دنیای جادویی می‌برند. به دنیای جادویی کلاس ما خوش آمدید.

انگار که یک نقاش ماهر را به خاطر استفاده از قلم‌مو سرزنش کرده باشند! من که سال‌ها زحمت کشیده بودم تا به این مهارت برسیم، حالا باید از یک کودک درس می‌گرفتم؟ با خودم گفتم: «شاید او حق داشته باشد. در آن لحظه، تضاد عجیبی در وجودم احساس کردم. از یک طرف به مهارت‌هایم افتخار می‌کردم و از طرف دیگر به سادگی و بی‌ریایی کودک حسادت می‌ورزیدم. شاید من در قفس فن گرفتار شده بودم و از دنیای وسیع هنر دور مانده بودم!»

با این فکر، شابلون را کنار گذاشتم و قلم را به دست گرفتم؛ قلمی که حالا نه تنها ابزاری برای خلق هنر، بلکه ابزار شکستن قفس‌های ذهنی من بود. قلبی کشیدم که شاید از نظر فنی کامل نبود، اما پر از احساس و زندگی بود. یاد روز خمیربازی افتادم که از بچه‌ها خواسته بودم از قالب استفاده نکنند و هم‌اکنون به من یادآور شدند من هم از قالب استفاده نکنم، زیرا دستانتان بهترین نقاش جهان‌اند. کلامم عصای سحرآمیزی بود که می‌توانست دنیایی را بسازد. آن روز در اعماق وجود به عظمتی که در دستانتان داشتم پی بردم. من خالق دنیای کودک بودم و کلامم قلم جادویی من. هر کلمه یک آجر بود در بنای قصری که می‌ساختم؛ قصری از رؤیا، شادی و خیال. با هر جمله، بذر امید را در دل کودک می‌کاشتم و باغچه‌ای از شگفتی برایش می‌آفریدم.

کلمه‌هایم پرنده‌هایی بودند که از قفس ذهنم پرواز می‌کردند و در دل کودکان‌شان آشیانه می‌ساختند. من با کلماتم می‌توانستم زمان را متوقف و کودک را در دنیای خودش غرق کنم. می‌توانستم او را به خنده بیاورم یا اشکش را درآورم. می‌توانستم او را بترسانم یا آرامش بخشم. من با کلماتم می‌توانستم او را به هر چیزی که می‌خواست تبدیل کنم.

کلامم قدرتی بود که باید با احتیاط به کارش می‌برد. من مسئولیت بزرگی بر دوش داشتم؛ مسئولیت شکل دادن به روح یک کودک. کلمه‌هایم می‌توانستند او را بسازند. می‌توانستند او را به سوی روشنایی ببرند یا...

آن روز من متوجه شدم که کلمه‌ها قدرتمندترین سلاح جهان هستند؛ قدرتمندتر از شمشیر، قوی‌تر از آتش. و من با این سلاح می‌توانستم دنیایی بهتر برای کودکان بسازم؛ دنیایی پر از عشق، امید و شادی.

چه مسئولیت بزرگی بود این مسئولیت، چه افتخار بزرگی! کلمه‌هایم مانند دانه‌هایی بودند که در ذهن کودک می‌کاشتم. هر کلمه یک بذر امید، یک ریشه محبت و یک شاخه رؤیا بود. با هر جمله‌ای که بر زبان می‌آورد، دنیایی جدید برایشان می‌گشودم؛ دنیایی سرشار از رنگ‌ها، صداها و ماجراهای شگفت‌انگیز.



فرهنگ سازمانی آموزش

گفت‌وگو با سیده آسیه نوربخش

اشاره

سیده آسیه نوربخش، دانش‌آموخته دانشگاه تهران در رشته دبیری زبان انگلیسی، کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی است و ۲۹ سال در مدرسه‌های متوسطه دوم شهرستان ساری خدمت کرده است. ده سال مدیر هنرستان و شانزده سال مدیر دبیرستان بود. هم‌اکنون معاونت آموزش متوسطه آموزش و پرورش ناحیه یک شهرستان ساری را به عهده دارد. ایشان در دوران سخت کرونا شرایط را به خوبی مدیریت کرد و در مسئولیت‌های خود عملکرد موفق‌تری داشت. در ارتباط با موضوع فرهنگ مدرسه با ایشان گفت‌وگو کردیم تا از تجربه‌هایشان در این سالیان بهره‌مند شویم.

تفاوت آموزش و پرورش با سایر سازمان‌ها

۱. تمرکز بر انسان و تربیت: برخلاف بسیاری از سازمان‌های تولیدی و خدماتی که بر محصولات یا خدمات مالی تمرکز دارند، آموزش و پرورش بر توسعه و تربیت انسان‌ها تمرکز می‌کند.

۲. مسئولیت اجتماعی بیشتر: آموزش و پرورش به عنوان نهادی با مسئولیت اجتماعی بالا عمل می‌کند و در شکل‌دهی به آینده جامعه نقش پررنگی دارد.

● فکر می‌کنید تفاوت‌های فرهنگی و اقتصادی بر فرایند یاددهی-یادگیری چه تأثیری دارند؟

این تأثیر در چند دسته طبقه‌بندی می‌شود:

فرهنگی: بعضی فرهنگ‌ها ممکن است بر احترام به معلم و مدرسه تأکید زیادی داشته باشند، در حالی که در فرهنگ‌های دیگر ممکن است بر تعامل تأکید بیشتری شود. همچنین، نقش زنان و مردان، اهمیت مطالعه و نگرش به موفقیت تحصیلی می‌تواند انگیزه و تعامل دانش‌آموزان و والدین را در فرایند آموزشی تحت تأثیر قرار دهد.

● فرهنگ سازمانی در آپ چه ویژگی‌هایی دارد؟ و چه تفاوت‌هایی با سایر سازمان‌ها دارد؟

در فرهنگ سازمانی، آموزش و پرورش چند ویژگی بارز دارد که آن را از سایر سازمان‌ها متمایز می‌کند:

۱. **مأموریت آموزشی و تربیتی:** هدف اصلی این سازمان تربیت و آموزش نسل آینده است، ارزش‌هایی مثل اخلاق، عدالت و مسئولیت‌پذیری در آن نقش محوری دارند.

۲. **فرهنگ انسانی و ارزش محور:** برخلاف سازمان‌های دیگر که ممکن است بیشتر به سود مالی و بهره‌وری اقتصادی توجه داشته باشند، در آپ به رشد فردی و اجتماعی انسان‌ها توجه زیادی می‌شود.

۳. **روحیه همکاری و تعامل:** در مدرسه‌ها و اداره‌های آپ، تعامل بین معلمان، مدیران، دانش‌آموزان و خانواده‌ها ضروری است و باعث می‌شود تصمیم‌گیری‌ها بیشتر بر همکاری و اشتراک‌گذاری دانش مبتنی باشند.

۴. **تأکید بر آموزش مداوم:** آموزش و پرورش به توانمندسازی مداوم معلمان و کارکنان خودش اهمیت می‌دهد تا آنان به‌روز و باانگیزه بمانند.



بعضی فرهنگ‌ها ممکن است بر احترام به معلم و مدرسه تأکید زیادی داشته باشند، در حالی که در فرهنگ‌های دیگر ممکن است بر تعامل تأکید بیشتری شود



فرهنگ اسلامی نیز علم و دانش جایگاه ویژه‌ای دارد و همواره به کسب علم و دانایی توصیه شده است.

۳. تأکید بر خانواده و روابط اجتماعی

سالم: خانواده در فرهنگ ایرانی-اسلامی به عنوان ستون اصلی جامعه شناخته می‌شود و اصولی مانند حمایت از اعضای خانواده، احترام به بزرگ‌ترها و توجه به پرورش فرزندان ارزش هستند.

۴. فرهنگ ادب و هنر: ادب و هنر در

فرهنگ ایرانی-اسلامی جایگاه بالایی دارد. شاعران بزرگ ایرانی مانند حافظ، سعدی، مولانا و فردوسی، با آثار بی‌نظیر، فرهنگ و ادبیات ایران را جهانی کردند. در زمینه‌های دیگر مثل معماری اسلامی-ایرانی، خطاطی، نقاشی و موسیقی نیز هنر ایران همیشه زیبایی و پیام‌های عمیق داشته است.

۵. روحیه صلح‌طلبی و عدالت‌خواهی:

مسلمانان همیشه به عدالت‌طلبی، مقابله با ظلم و تلاش برای برقراری صلح تشویق می‌شوند.

۶. پاسداشت تاریخ و هویت ملی:

جشن‌ها و مناسبت‌هایی مثل نوروز و یلدا، رسم‌های کهنی هستند که بیانگر هویت و اصالت فرهنگی ایران‌اند.

۷. توجه به معنویت و زندگی سالم:

آموزه‌های اسلامی مردم را به دوری از افراط و تفریط، خودسازی و تلاش برای رسیدن به آرامش درونی دعوت می‌کنند. این ویژگی‌ها فرهنگ ایرانی-اسلامی را به میراث فرهنگی غنی‌ای تبدیل کرده‌اند که می‌تواند در برابر سایر فرهنگ‌ها با اعتمادبه‌نفس مورد دفاع قرار گیرد.

اقتصادی: دانش‌آموزانی که در خانواده‌های

کم‌درآمد زندگی می‌کنند، ممکن است به منابعی آموزشی نظیر کتاب، وسایل کمک‌آموزشی یا حتی فضایی برای مطالعه دسترسی کمتری داشته باشند. این موضوع می‌تواند بر کیفیت یادگیری آن‌ها تأثیر بگذارد. در ضمن، وضعیت اقتصادی ضعیف ممکن است به کمبود تغذیه مناسب و مشکلات جسمی و روحی منجر شود. این مسائل به‌طور مستقیم بر توانایی دانش‌آموز در تمرکز و یادگیری در کلاس تأثیر می‌گذارند. دانش‌آموزانی که در خانواده‌هایی با وضعیت اقتصادی ضعیف زندگی می‌کنند، ممکن است برای شرکت در فعالیت‌های فوق برنامه، کلاس‌های آموزش خصوصی یا حتی برنامه‌های مهارتی فرصت کمتری داشته باشند که در واقع شکاف تحصیلی بین آن‌ها و همسالانشان را عمیق‌تر می‌کنند.

به‌طور کلی، معلمان و مدیران باید به مسائل فرهنگی و اقتصادی دانش‌آموزان توجه کنند و با استفاده از راهبردهای مناسب، فرصت‌های برابر و محیطی حمایتی برای همه دانش‌آموزان فراهم آورند.

● به نظر شما فرهنگ ایرانی - اسلامی چه ویژگی‌های برجسته و متمایزی دارد که همچنان برای تربیت نسل‌های جدید مؤثر و کارآمد است؟

فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی ویژگی‌های منحصر به فرد و ارزشمندی دارد که آن را متمایز و برجسته می‌کند. این فرهنگ از عناصری اخلاقی، تاریخی، هنری و علمی برخوردار است و به همین خاطر می‌تواند در مقابل سایر فرهنگ‌ها قابل دفاع باشد:

۱. ارزش‌های اخلاقی و انسانی: فرهنگ

ایرانی-اسلامی بر ارزش‌هایی اخلاقی مثل احترام به حقوق دیگران، عدالت، مهربانی، صداقت و حفظ کرامت انسانی تأکید دارد. این ارزش‌ها در آموزه‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی ریشه‌ای عمیق دارند.

۲. علم و دانش‌دوستی: ایران از گذشته‌های

دور به‌عنوان یکی از مراکز علم و دانش دنیا شناخته می‌شده است. دانشمندان بزرگ ایرانی مثل ابن سینا، فارابی، خیام و زکریای رازی نمونه‌هایی از این تمدن علمی هستند. در

معلمان و مدیران
باید به مسائل
فرهنگی و اقتصادی
دانش‌آموزان توجه
کنند و با استفاده
از راهبردهای
مناسب، فرصت‌های
برابر و محیطی
حمایتی برای همه
دانش‌آموزان فراهم
آورند



خانم معلم یک دو...؟!!

فریبا سروری عموقین



آموزگار پایه پنجم دبستان زنده‌نام خدام، ناحیه ۲ ساری

سید میثم موسوی

تصویرگر

دو...»

کنجکاو شدم و گفتم: «یک دو! یعنی چی؟»
با هیجان بیشتر، پرتره شهید هادی را بالا آورد و رو به من گرفت و گفت: «خانم معلم، یک دو تاریخ تولد شهید هادیه.

چه قشنگ! یک دو!»

با حرف‌های طراوت، تازه یاد اتفاقی افتادم که قبل از شروع مراسم برایم افتاده بود. بچه‌های کلاس که متوجه ماجرا شده بودند، از زنده‌بودن تاریخ تولد شهید هادی به ذوق آمدند و شروع به تأیید حرف طراوت کردند.

طراوت با همان هیجان ادامه داد: «خانم معلم، ما می‌تونیم برای شهید هادی جشن تولد بگیریم؛ آخه شنبه اول اردیبهشته.»

تا اسم جشن تولد آمد، شور و هیجان وصف‌ناپذیری کلاس را فرا گرفت.

– خانم تو رو خدا تولد بگیریم!

– خانم معلم، ما کیک تولد درست می‌کنیم؛ مادرم کیکاش عالیه!

– خانم ما بادکنک می‌یاریم.

در برابر این حجم از احساسات و عواطف، یارای مقاومت نداشتم. ناگفته نماند، اشتیاق خودم هم کم از بچه‌ها نبود. بلند شدم، مازیک را برداشتم و روی تخته کلاس نوشتم:

«روز شنبه، مورخ ۱۴۰۳/۲/۱

جشن تولد شهید ابراهیم هادی.»

در میان صدای دست و هورای بچه‌ها، همه‌های کلاس را پُر کرد. تعدادی از دانش‌آموزان با دست به تخته اشاره می‌کردند که خانم! خانم! یک، دو، سه.

یک اردیبهشت هزار و چهارصد و سه!

کلاس کوچک ما از شوق بیکران دخترانش دیگر روی

آخرین روزهای ماه فروردین بود. هنوز بوی عید و سبزه و تازگی به مشام می‌رسید. هوای رخوت‌انگیز بهار همچنان در تقابل با هوشیاری و حرکت، در فضا جولان می‌داد. چهارشنبه ۱۴۰۳/۱/۲۹ قرار بود در زنگ تفریح سوم از دانش‌آموزان برتر و مقام‌آور دبستان تقدیر به عمل آید. پیش‌تر خانم مدیر از همه همکاران خواسته بودند در زنگ مقرر به حیاط مدرسه بیایند تا علاوه بر نظارت بر دانش‌آموزان، در جشن نیز شرکت کنند.

زنگ تفریح با قدرت تمام نواخته شد. دانش‌آموزان با شور و هیجان به صف ایستادند تا برای شروع مراسم آماده شوند.

آموزگار ۱۸ دانش‌آموز دختر پایه چهارم بودم و نام کلاس به نام شهید ابراهیم هادی مزین شده بود. در طول زنگ تفریح در کلاس ماندم تا مقدمات درس جدید را آماده کنم. کتاب و جزوه‌ها را روی میز گذاشتم و دستگاه هوشمند را در حالت آماده‌باش قرار دادم. پس از انجام کارها، به طرف در کلاس رفتم. همین که در را باز کردم، ناگهان برگه کاغذی در هوا چرخ‌زد و جلوی پایم افتاد.

کنجکاو شدم و با دقت نگاه کردم. کاغذ پرتره شهید ابراهیم هادی بود که از ابتدای سال تحصیلی روی در کلاس چسبانده شده بود و حالا روی زمین افتاده بود. خم شدم، آن را برداشتم، روی اولین نیمکت نزدیک در کلاس گذاشتم و با عجله به طرف حیاط مدرسه رفتم.

پس از پایان مراسم، بچه‌ها با نظم و ترتیب وارد کلاس شدند و سر جایشان نشستند. در حال ورق‌زدن کتاب فارسی بودم که ناگهان صدای طراوت، نظرم را به خود جلب کرد. نگاهش کردم. برق چشمانش مرا مجذوب خود کرد. با همان لبخند همیشگی گفت: «خانم معلم! یک



خودم قابل تحمل کنم. در حال تماشای عکس‌های روز تولد شهید هادی بودم. افتادن تک‌چهره (پرتره) شهید هادی جلوی پایم، دقت و توجه طراوت به تاریخ زُند تولد شهید هادی و برپایی آن جشن تولد آسمانی، همگی برایم مثل علامت سؤال شده بود.

غرق در افکار و خاطرات لطیف بودم و بهت‌زده از تلاقی حوادثی که شاید می‌خواست چیزی به من بیاموزد، که ناگهان متوجه شدم چیزی در فضای اتاق در حال پرواز کردن است و مدام طول و عرض سالن را طی می‌کند؛ مسیر نگاهم به گنجشک کوچکی ختم شد که روی لوله گاز آرام گرفت.

به سمتش رفتم. نگاهمان به هم تلاقی پیدا کرد. دوباره به پرواز درآمد و از دری که وارد شده بود، بیرون رفت. انگار بهتر از هر کسی راه بازگشت را می‌دانست! بدون آنکه به در و پنجره و دیوار برخورد کند، دل به آسمان سپرده بود. به دنبالش رفتم. آخرین بال‌زدنش همچون خالی سیاه در چهره پر حرارت آسمان نقش بست و برای همیشه محو شد. گاهی نمی‌شود به احساسات قالب تن پوشاند و مجسمش کرد تا برای دیگران قابل‌درک باشد. یک دریافت و تجربه درونی است و من قادر نیستم آن را در قالب کلمه‌ها و جمله‌ها مجسم کنم.

زمین بند نبود. همان روز در گروه والدین اعلام کردم قرار است به مناسبت تولد شهید ابراهیم هادی، روز شنبه در کلاس جشن تولدی برایشان برگزار کنیم. هر یک از اولیا مسئولیت انجام کاری را به عهده گرفت.

بعدها یکی از اولیا برایم تعریف کرد که این اقدام سبب شد درباره شهید هادی تحقیق کند و کتابی را که در خانه به نام ایشان داشتند، مطالعه کنند. در همین راستا متوجه شدند شهید هادی به سالاد الویه علاقه زیادی داشتند. بنابراین به نیت شهید هادی، سالاد الویه جشن تولد را تقبل کردند.

روز شنبه جشن تولد به‌سادگی و لطافت تمام برگزار شد. شور و شوق بچه‌ها قابل وصف نبود. با دست‌های کوچک خود کلاس را تزیین کردند. میز آموزگار را با هر آنچه در توانشان بود آراستند. شعر خواندند و همه با هم شمع کیک تولد را فوت کردند. عکس یادگاری گرفتند و بادکنک‌ها را یکی‌یکی ترکاندند. انگار کلاس کوچکشان رو به بهشت باز می‌شد.

تابستان از راه رسید. ۲۸ تیرماه ۱۴۰۳ با شهادت امام زین‌العابدین (ع) مصادف بود. آن روز دلم برای دانش‌آموزان کلاس‌م تنگ شده بود. یاد گرفته بودم این‌طور مواقع دلتنگی‌هایم را با دیدن عکس‌ها و فیلم‌های بچه‌ها برای



خلاقیت و فرهنگ کار آفرینی

در مدرسه

سجاد محمدزاده

کارشناس مشاوره و راهنمایی کلاردشت



اشاره

در دنیای امروز خلاقیت و کارآفرینی دو عامل کلیدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی شناخته می‌شوند. نظام آموزشی باید به گونه‌ای طراحی شود که نه تنها دانش‌آموزان را به یادگیری مفاهیم علمی و نظری سوق دهد، بلکه روحیه خلاقیت و فرهنگ کارآفرینی را نیز در آن‌ها تقویت کند. این مقاله روش‌ها و بسترهای لازم را برای تقویت این دو عنصر در مدرسه بررسی می‌کند.

روحیه خلاقیت در مدرسه

خلاقیت یکی از ویژگی‌های برجسته انسانی، توانایی تولید ایده‌های نو و حل مسئله‌ها به شیوه‌های ابتکاری و متفاوت تعریف می‌شود. در دنیای امروز، این توانایی به‌ویژه در نسل جوان اهمیت خاصی دارد و نقش اساسی در پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی نقش اساسی ایفا می‌کند. برای تقویت روحیه خلاقیت در دانش‌آموزان ضروری است مدرسه‌ها اقداماتی اساسی و مؤثر انجام دهند که به آن‌ها امکان دهد در فضایی مثبت و حمایتگر رشد کنند (آریانی و زهری، ۲۰۲۱).

محیط یادگیری خلاق

مدرسه باید فضایی فراهم کند که در آن دانش‌آموزان برای بیان ایده‌های خود احساس راحتی و آزادی داشته باشند. این محیط باید به گونه‌ای طراحی شود که تبادل نظر و یادگیری از تجربه‌های یکدیگر آسان باشد. فضایی که دانش‌آموزان بتوانند بدون نگرانی از قضاوت یا انتقاد، ایده‌های خلاقانه خود را بیان کنند. استفاده از ابزارهایی مانند دیوارهای ایده، تابلوهای تعاملی و فضاهای باز برای بحث و تبادل نظر می‌تواند به ایجاد چنین فضایی کمک کند. همچنین، ترویج روحیه خطرپذیری در این محیط اهمیت ویژه‌ای دارد. این امر

روش‌های نوین تدریس

به کارگیری روش‌هایی مانند پروژه‌های گروهی، بازی‌های آموزشی و کارگاه‌های عملی می‌تواند به‌طور قابل توجهی در این زمینه تأثیرگذار باشد. چنین روش‌هایی به دانش‌آموزان امکان می‌دهند در محیطی مشارکتی و تعاملی، ایده‌های خود را به عمل درآورند و به شیوه‌های خلاق به حل مسئله‌ها بپردازند. روش‌های فعال تدریس به دانش‌آموزان کمک می‌کنند با انگیزه بیشتری در فرایند یادگیری مشارکت کنند و احساس تملک بیشتری نسبت به یادگیری خود داشته باشند. به‌ویژه آموزش‌هایی که به‌صورت کارگاهی و عملی برگزار می‌شوند، نه تنها می‌توانند به تقویت دانش نظری کمک کنند، بلکه به شکوفایی خلاقیت و نوآوری نیز یاری رسانند (Listinigrum, et al., 2020).

فراهم کردن فرصت‌های آزمایش

باید به دانش‌آموزان فرصت داده شود ایده‌های خود را بیازمایند. این فرصت‌ها می‌توانند به شکل پروژه‌های عملی، رقابت‌های علمی و نوآورانه یا فعالیت‌های خارج از کلاس، در قالب باشگاه خلاقیت و کارآفرینی ارائه شوند. در این

۳۵

مدرسه باید فضایی فراهم کند که در آن دانش‌آموزان برای بیان ایده‌های خود احساس راحتی و آزادی داشته باشند. این محیط باید به گونه‌ای طراحی شود که تبادل نظر و یادگیری از تجربه‌های یکدیگر آسان باشد



۲. **تشویق به نوآوری:** مدرسه‌ها می‌توانند با برگزاری مسابقه‌ها و رویدادهای نوآوری، دانش‌آموزان را به خلق ایده‌های جدید و راه‌اندازی پروژه‌های خود ترغیب کنند. رویدادهای مذکور می‌توانند شامل چالش‌های کارآفرینی، برگزاری نمایشگاه‌های خلاقیت و برنامه‌های حمایتی برای شرکت‌های نوآفرینی (استارت‌آپ‌های) دانش‌آموزی باشند.

چنین مسابقه‌هایی نه تنها به دانش‌آموزان فرصتی می‌دهند مهارت‌های خود را به نمایش بگذارند، بلکه آن‌ها را به تفکر خلاق و نوآوری نیز تشویق می‌کنند.

۳. **ایجاد ارتباط با صنعت:** برقراری ارتباط با کسب و کارها و کارآفرینان محلی اقدام دیگری است که می‌تواند به تقویت فرهنگ کارآفرینی در مدرسه کمک کند. این ارتباطات به دانش‌آموزان امکان می‌دهند از تجربه‌های واقعی در زمینه کارآفرینی بهره‌مند شوند. کارآفرینان می‌توانند به‌عنوان مربی و مشاور دانش‌آموزان عمل کنند و آن‌ها را در مسیر تبدیل ایده‌هایشان به واقعیت راهنمایی کنند.

برگزاری جلسه‌های گفت‌وگو و کارگاه‌های مشترک با کارآفرینان محلی می‌تواند به دانش‌آموزان ایده‌های جدید و الهام‌بخش ارائه دهد و آنان را با چالش‌ها و فرصت‌های واقعی دنیای کارآفرینی آشنا کند. تقویت فرهنگ کارآفرینی در مدرسه نیازمند رویکردی

نوع فعالیت‌ها دانش‌آموزان می‌توانند ایده‌های خود را به عمل درآورند و در محیطی واقعی آن‌ها را ارزیابی کنند. در این فرایند، اشتباه‌ها و چالش‌ها باید به‌عنوان بخشی طبیعی از یادگیری پذیرفته شوند. پذیرش این نکته به دانش‌آموزان کمک می‌کند از اشتباه‌های خود درس بگیرند و به تحلیل و اصلاح ایده‌هایشان بپردازند. با فراهم کردن این نوع فرصت‌ها، دانش‌آموزان نه تنها خلاقیت خود را تقویت می‌کنند، بلکه مهارت‌های حل مسئله و تفکر انتقادی را نیز در خود پرورش می‌دهند (جاودان، ۱۴۰۰).

فرهنگ کارآفرینی در مدرسه

برای تقویت فرهنگ کارآفرینی در مدرسه‌ها اقدامات متنوع و مؤثری می‌توان انجام داد که در ادامه آن‌ها را بررسی می‌کنیم:

۱. **آموزش مهارت‌های کارآفرینی:** برنامه‌های آموزشی باید شامل مباحثی مانند مدیریت مالی، بازاریابی و مهارت‌های ارتباطی باشند. این مهارت‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کنند ایده‌های خود را به عمل تبدیل کنند و در دنیای واقعی به موفقیت دست یابند. این آموزش‌ها را می‌توان به‌صورت کارگاه، دورهٔ برخط یا برنامهٔ عملی عرضه کرد. به این ترتیب، دانش‌آموزان نه تنها دانش نظری کسب می‌کنند، بلکه با تمرین و تجربهٔ عملی، توانایی‌های لازم را نیز به دست می‌آورند (آوری، ۱۴۰۲).

آموزش‌هایی که به‌صورت کارگاهی و عملی برگزار می‌شوند، نه تنها می‌توانند به تقویت دانش نظری کمک کنند، بلکه به شکوفایی خلاقیت و نوآوری نیز یاری می‌رسانند

جامع است. ایجاد محیط کارآفرینانه در مدرسه‌ها می‌تواند نسل آینده‌ای خلاق و موفق پرورش دهد.

بسترهای رشد خلاقیت و کارآفرینی

به‌منظور ایجاد بسترهای لازم برای رشد خلاقیت و کارآفرینی در مدرسه‌ها، توجه به چند جنبه‌ی اساسی ضرورت دارد. در ادامه این موارد را بررسی می‌کنیم:

سرمایه‌گذاری روی منابع آموزشی: مدرسه‌ها باید منابع مالی کافی برای خرید تجهیزات و مواد آموزشی مناسب را تأمین کنند. این تجهیزات می‌توانند شامل ابزارهای فناوری، مواد هنری، کتاب‌های مرجع و امکانات کارگاهی باشند. برای مثال، وجود آزمایشگاه‌های علمی و کارگاه‌های خلاقیت به دانش‌آموزان امکان می‌دهد به‌صورت عملی با مفهوم‌های یادگیری ارتباط برقرار کنند و ایده‌های خود را به آزمون بگذارند. همچنین، فراهم کردن فضاهای مناسب برای کار گروهی و همکاری، به رشد مهارت‌های اجتماعی و تفکر انتقادی در دانش‌آموزان کمک می‌کند.

سرمایه‌گذاری در این منابع نه تنها سبب بهبود کیفیت آموزشی می‌شود، بلکه فضایی خلاقانه و فعال برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورد (Ariyani & Zuhaery, 2021).

آموزش معلمان: معلمان به‌عنوان راهنمایان و الگوهای یادگیری باید توانایی‌های لازم را برای ایجاد فضایی خلاق و تحریک‌کننده در کلاس درس داشته باشند. برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی برای معلمان به آن‌ها کمک می‌کند روش‌های نوین تدریس را بیاموزند و با فن‌های تشویق خلاقیت آشنا شوند. این آموزش‌ها باید شامل مهارت‌های ایجاد فضای حمایتی، روش‌های تشویق به تفکر انتقادی و ارتقای کار گروهی باشند. معلمان می‌توانند با استفاده از این مهارت‌ها خلاقیت و کارآفرینی را در دانش‌آموزان خود تقویت کنند (لیستن اینگروم و همکاران، ۲۰۲۰).

فرهنگ‌سازی در جامعه: فرهنگ‌سازی باید شامل همکاری و تعامل بین والدین، مدرسه‌ها و کسب‌وکارها باشد. والدین باید درک کنند که پرورش خلاقیت و کارآفرینی در فرزندان، نه تنها به نفع آن‌هاست، بلکه به پیشرفت جامعه نیز کمک می‌کند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی و رویدادهای فرهنگی که ارزش‌های خلاقیت و کارآفرینی را ترویج می‌دهند، به ایجاد این فرهنگ کمک می‌کنند. همچنین، همکاری با کسب‌وکارهای محلی به‌منظور برگزاری دوره‌های کارآموزی و تجربی برای دانش‌آموزان زمینه‌ای برای

به‌کارگیری مهارت‌های خلاقانه و کارآفرینانه آن‌ها فراهم می‌آورد. با ایجاد چنین فرهنگی، جامعه می‌تواند به‌عنوان پشتیبانی قوی برای پرورش نسل آینده‌ای خلاق و کارآفرین عمل کند (آوری، ۱۴۰۲).

ایجاد بسترهای مناسب برای رشد خلاقیت و کارآفرینی در مدرسه‌ها نیازمند تلاش مشترک همه‌ی ذی‌نفعان است. با سرمایه‌گذاری روی منابع آموزشی، آموزش معلمان و فرهنگ‌سازی در سطح جامعه، می‌توان به شکوفایی خلاقیت و کارآفرینی در دانش‌آموزان کمک کرد و آن‌ها را برای مواجهه با چالش‌های آینده آماده ساخت.

نتیجه‌گیری

توسعه روحیه خلاقیت در دانش‌آموزان به معنای پرورش توانایی‌های آن‌ها در حل مسئله‌ها به شیوه‌های نوآورانه و ایجاد ایده‌های جدید است. این امر نیازمند محیطی است که دانش‌آموزان در آن احساس آزادی و امنیت کنند. تا ایده‌های خود را بدون ترس از قضاوت مطرح سازند. تقویت روحیه خلاقیت و فرهنگ کارآفرینی در مدرسه نیازمند رویکردی جامع و یکپارچه است. با سرمایه‌گذاری روی منابع آموزشی، آموزش معلمان، و فرهنگ‌سازی در جامعه، می‌توان به شکوفایی خلاقیت و کارآفرینی در نسل جوان کمک کرد (Ariyani & Zuhaery, 2021).

پرورش خلاقیت و کارآفرینی به‌عنوان دو عامل کلیدی، نه تنها می‌توانند آینده شغلی دانش‌آموزان را بهبود بخشند، بلکه به توسعه پایدار و اجتماعی کشور نیز یاری می‌رسانند. از این رو، همه‌ی ذی‌نفعان شامل معلمان، والدین و نهادهای دولتی و خصوصی باید در این مسیر همکاری کنند تا فضایی مساعد برای پرورش نسل آینده‌ای خلاق و کارآفرین فراهم آید.

منابع

۱. آوری، سیدباقر (۱۴۰۲). «بررسی راهکارهایی برای داشتن مدارس کارآفرین و خلاق و نقش مدیران مدارس در این خصوص». سومین همایش ملی ایده‌های کاربردی در علوم تربیتی، روان‌شناسی و مطالعات فرهنگی. بوشهر.
۲. جاودان، موسی (۱۴۰۰). «طراحی و تدوین الگوی تقویت روحیه و فرهنگ کارآفرینی در دانش‌آموزان دوره‌های اول و دوم متوسطه». مجله دستاوردهای روان‌شناختی، دوره بیست‌و‌هشتم، شماره ۱.
3. Ariyani, D., & Zuhaery, M. (2021). Principal's Innovation and Entrepreneurial Leadership to Establish a Positive Learning Environment. *European Journal of Educational Research*, 10(1), 63-74.
4. Listiningrum, H. D., Wisetsri, W. & Boussanlegue, T. C. H. A. B. L. E. (2020). Principal's entrepreneurship competence in improving teacher's entrepreneurial skill in high schools. *Journal of Social Work and Science Education*, 1(1), 87-95



مدرسه باید فضایی فراهم کند که در آن دانش‌آموزان برای بیان ایده‌های خود احساس راحتی و آزادی داشته باشند. این محیط باید به‌گونه‌ای طراحی شود که تبادل نظر و یادگیری از تجربه‌های یکدیگر آسان باشد

وقتی سواد رسانه‌ای به میدان می‌آید!

تأثیر آموزش سواد رسانه‌ای بر
کاهش گرایش دانش‌آموزان به بزهکاری



فاطمه قنبری



آموزگار، دبستان شهید صادقیان تنکابن

اعمالی است. با توجه به این مطلب، چنانچه بزرگسالان رفتار انحرافی را انجام داده باشند، آن را جرم می‌نامند و در صورتی که نوجوانان و جوانان انجام داده باشند، بزهکاری محسوب می‌شود (احمدی، ۱۳۹۲: ۵۳-۷۰).

مفهوم بزه در تمام جامعه‌های انسانی به معنای دست‌یازی به برخی اعمال علیه قانون است که این اعمال می‌توانند ماهیت‌های گوناگون داشته باشند؛ مانند آسیب‌زدن به اموال، صدمه‌زدن به افراد، لطمه‌زدن به نظم عمومی یا ارزش‌های حاکم. به بیان ژرژ بیکاک، بزه شامل عملی خلاف قانون است که قانون‌گذار، مرتکب‌شونده آن را مستحق مجازات می‌داند. در جایی دیگر، در تعریف بزهکاری آمده است: بزهکاری به معنی دقیق آن به اعمالی اشاره می‌کند که منع قانونی دارند و نوجوانان گروه سنی دوازده تا هجده سال انجام می‌دهند که در بسیاری موارد منظور آن عده از افراد هستند که به اتهام ارتکاب جرم به دادگاه احضار و مقصر شناخته

امروزه رسانه‌های نوین در شکل‌دهی کنش‌های نوجوانان نقش اصلی را بازی می‌کنند؛ به‌طوری‌که این رسانه‌ها عاملی مؤثر در حفظ نظم اجتماعی یا ایجاد رفتارهای بزهکارانه هستند. در این میان و همراه با افزایش استفاده از رسانه‌های نوین، بحث سواد رسانه‌ای نیز اهمیت خاصی پیدا کرده است. این تحقیق به روش مروری و از نوع کتابخانه‌ای و با هدف بررسی تأثیر آموزش سواد رسانه‌ای بر کاهش گرایش دانش‌آموزان به بزهکاری انجام شده است. آموزش سواد رسانه‌ای یعنی مواجهه انتقادی دانش‌آموزان در استفاده و فهم شخص خودشان از رسانه، تا بتوانند اطلاعات دریافتی از رسانه‌های متعدد را رمزگشایی کنند و توانایی دآوری مستقل خود را درباره محتوای رسانه‌ها ارتقا بخشند.

مقدمه و بیان مسئله

از دیدگاه جامعه‌شناسی انحرافات، انحراف اجتماعی به دو طبقه بزهکاری و جرم تقسیم می‌شود. گفتنی است این طبقه‌بندی بر حسب نوع و شدت رفتار انحرافی نیست، بلکه بر اساس سن افراد در هنگام ارتکاب چنین

مفهوم بزه در تمام
جامعه‌های انسانی
به معنای دست‌یازی
به برخی اعمال علیه
قانون است که این
اعمال می‌توانند
ماهیت‌های گوناگون
داشته باشند؛ مانند
آسیب‌زدن به اموال،
صدمه‌زدن به افراد،
لطمه‌زدن به نظم
عمومی یا ارزش‌های
حاکم



می‌شوند (محمود، ۱۳۶۸: ۶).

در بارهٔ مباحث مربوط به بزهکاری، همواره جامعه‌شناسان در پی آن بوده‌اند که عوامل مرتبط با آن را بررسی کنند. در این بین، به رسانه به شکل یکی از ابزارهای نوین توجه شده است. با وجود رویکردهای نظری و تأکید بر عاملیت مخاطبان، رسانه‌ها همچنان ابزار قدرتمندی هستند و بر شناخت و درک افراد از جهان تأثیر می‌گذارند؛ چنان‌که ذهنیت مردم نسبت به جهان به محتوایی بستگی دارد که از رسانه‌ها دریافت می‌کنند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۹). البته باید خاطر نشان کرد، این تأثیر با توجه به ویژگی‌های مخاطبان و بافت اجتماعی دریافت‌کننده، متفاوت است. نسل کنونی جوانان و نوجوانان از ابتدای حیات خود، ضمن آشنایی با رسانه رشد می‌کند و بخش عظیمی از اطلاعات الگوهای رفتاری و ارزش‌های خود را از آن‌ها دریافت می‌کند. سلطهٔ رسانه‌های امروزی به حدی است که خصوصی‌ترین تجربه‌های انسانی، از جمله هیجان و احساس را برمی‌انگیزد و به مسیر دلخواه خود هدایت می‌کند و واکنش‌های رفتاری افراد را بر اساس اهداف و سیاست‌های خود شکل می‌دهد (محمدی سیف، ۱۳۹۲: ۵۹). از این‌رو، یکی از مباحثی که همواره در زمینهٔ رسانه در محافل علمی مطرح است، میزان تأثیرگذاری محتوای این وسایل در رفتارهای مجرمانهٔ ضدا اجتماعی و ناپه‌نجا است.

**سلطهٔ رسانه‌های
امروزی به حدی
است که
خصوصی‌ترین
تجربه‌های انسانی،
از جمله هیجان
و احساس را
برمی‌انگیزد و به
مسیر دلخواه خود
هدایت می‌کند
و واکنش‌های
رفتاری افراد را بر
اساس اهداف و
سیاست‌های خود
شکل می‌دهد**

جامعه از زمان ظهور صنعت رسانهٔ مدرن خشن‌تر شده است و این مسئله معمولاً به شکل یک اصل پذیرفته شده مطرح می‌شود. از نظر گروهی از صاحب‌نظران، بدیهی است با ورود این رسانه‌ها به جامعه، زمینهٔ بروز جرم بیشتر شود. استفادهٔ ابزاری و بی‌قیدوبند و عوارض فرهنگی-اجتماعی رسانه‌ها بر جوامع بشری، به‌ویژه کج‌روی‌ها، فساد و بزهکاری‌های کودکان و نوجوانان را در پی خواهد داشت. در این میان، قشر کودکان و نوجوان بیشتر از رسانه‌ها تأثیر می‌پذیرند و پیام‌ها و برنامه‌های رسانه‌ای در شکل‌دهی الگوهای رفتاری مطلوب یا نامطلوب در نزد این دسته از جمعیت کشور به‌طور بسزایی نقش دارند (بخارایی، ۱۳۹۳: ۴۹۸).

در این راستا، مخاطب رسانه تنها مخاطب پیام‌های رسانه‌ای و تولیدهای برآمده از اعتقادات و فرهنگ خود نیست که با آگاهی و شناخت قبلی بتواند از آن‌ها رمزگشایی کند، بلکه رسانه‌های بیگانه‌انواعی از پیام‌های تولیدشده با اهداف گوناگون را به سمت او روانه می‌کنند

که عمدتاً هدف‌هایی مشخص دارند که می‌توانند بر محمل نقاط تحریک‌پذیر مخاطب سوار شوند. نقاط تحریک‌پذیر شخصیت مخاطب که در ذهن تبلور می‌یابد، اگر با سواد رسانه‌ای همراه باشد، می‌تواند در مقابل رسانه و پیام‌های آن برای خود حریم امن ایجاد کند. از این‌رو، آموزش سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان، در جهت محافظت از آنان در برابر تأثیر مخرب رسانه‌ها، از اهمیت بسزایی برخوردار است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش سواد رسانه‌ای بر کاهش گرایش دانش‌آموزان به بزهکاری به شیوهٔ مروری و از نوع کتابخانه‌ای انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعهٔ آماری شامل کلیهٔ اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع موردبررسی از قبیل کتاب، مقاله و پایان‌نامه است.

یافته‌های تحقیق

با توجه به وابستگی مخاطبان به رسانه‌ها و فرآورده‌های رسانه‌ای، داشتن توانایی قدرت تجزیه و تحلیل، تشخیص، درک و انتخاب پیام رسانه‌ای و همچنین مقاوم‌سازی آنان در برابر نفوذهای ناشی از قدرت رسانه‌ها ضرورت پیدا می‌کند. در این میان سواد رسانه‌ای مهارتی لازم و ضروری به نظر می‌رسد که می‌تواند اثرات رسانه‌های گروهی را تعدیل کند و به مخاطبان این امکان را بدهد که با آگاهی کامل پیام رسانه‌ها را پردازش کنند. سواد رسانه‌ای برخورد هدفمند با رسانه‌هاست که سطح آگاهی افراد جامعه را به‌عنوان مخاطبان رسانه‌ها بالا می‌برد و به ارتباطی دوسویه و مشارکت‌جویانه با رسانه‌ها از یک‌سو و تقویت ساختار مردمی جامعه در راستای مباحث مشارکت فعال در حوزهٔ رسانه از سویی دیگر منجر می‌شود.

در میان انواع مخاطبان رسانه‌ها، کودکان و نوجوانان بیشتر از همه تحت تأثیر رسانه‌ها قرار دارند. به دلیل تمایل کودکان برای تخیل‌سازی، برای آنان جهان واقعی و روزمره با جهان رسانه‌ای فرقی نمی‌کند. از این نظر با دیگر مخاطبان رسانه‌ها متفاوت‌اند. نباید فراموش کرد رسانه



آگاهانه با رسانه‌ها می‌آموزد. در عین حال دیدگاهی تحلیلی و نقادانه نسبت به پیام‌های رسانه‌ای فراهم می‌کند.

نتیجه‌گیری

تمایل به بزهکاری همواره نزد پژوهشگران و اندیشمندان جامعه‌شناسی به عنوان دروازه ورود به بزهکاری مطرح بوده است و آنان رابطه بین عوامل به وجود آورنده بزهکاری را ارزیابی کرده‌اند. در این بین به رسانه به عنوان یکی از ابزارهای مدرن توجه شده است. در این راستا سواد رسانه‌ای توانمندی ارتباط مؤثر از رسانه‌های قابل دسترسی را شامل می‌شود. از آنجا که رسانه‌ها ابزار مهمی برای دانش‌آموزان به شمار می‌روند و آن‌ها به نوعی با رسانه‌ها زندگی می‌کنند و به آن‌ها وابستگی خاصی دارند، لذا آموزش سواد رسانه‌ای می‌تواند دانش‌آموزان را در دسترسی به اخبار و اطلاعات درست و واقعی کمک کند و توانایی اشتراک گذاری مناسب و ارزشمند محتوای دیجیتال اطلاعات

با دیگران، تحلیل و ارزیابی، و استفاده از تفکر انتقادی در مواجهه با رسانه‌ها، کمک کند از تولیدات رسانه‌ها به گونه‌ای هوشمند و مفید بهره ببرند.

منابع

۱. احمدی، حبیب؛ عباسی‌شوازی، محمدتقی؛ یادگاری، رامین؛ کرمی، فرشاد (۱۳۹۶). مطالعه رابطه بین استفاده از رسانه‌های مدرن و تمایل به بزهکاری در بین نوجوانان دانش‌آموز (مطالعه دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر بستک). پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۶(۴).
۲. ایزدی، پیروز (۱۳۹۰). رویکردهای سواد رسانه‌ای. فصلنامه پژوهش و سنجش.
۳. بخارایی، ا. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۴. سالاریان، عنایت؛ صالحی‌امیری، سیدرضا؛ سلطانی‌فر، محمد؛ قیومی، عباسعلی؛ ابطی، عطاءالله (۱۳۹۸). بررسی چگونگی آموزش سواد رسانه‌ای برای دانش‌آموزان اول ابتدایی. مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۸(۳): ۲۰۹-۲۳۶.
۵. صلواتیان، سیاوش؛ حسینی، سید بشیر؛ معتمدی، سینا (۱۳۹۶). طراحی الگوی آموزش سواد رسانه‌ای به نوجوانان. مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۶(۱۰).
۶. فراهانی، مژگان (۱۳۹۳). درس سواد رسانه‌ای: گزارشی از اجرای آزمایشی آموزش سواد رسانه‌ای. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، ۱۶(۴).
۷. محمدی‌سیف، م (۱۳۹۲). شبکه‌های ماهواره‌ای و تغییر در کارکردهای خانواده، رسانه و خانواده. س ۲، ش ۷. ص ۹۶-۹۹.
۸. محمود، م (۱۳۶۸). زمینه بررسی بزهکاری کودکان و نوجوانان، (چاپ دوم)، نشر چهر.
۹. مهدی‌زاده، م (۱۳۸۷). رسانه‌ها و بازتابی. دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها. تهران.

در جامعه‌پذیر کردن کودکان و نوجوانان نقش بسزایی دارد. به همین خاطر، سواد رسانه‌ای مهارتی است که لازم است دانش‌آموزان در کنار استفاده از رسانه‌ها و به خصوص اینترنت و فضاهای مجازی، به عنوان یک رسانه تعاملی به آن مجهز شوند (صلواتیان، حسینی و معتمدی، ۱۳۹۶). آموزش سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان اهداف متعددی را دنبال می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. ایجاد تفکر خلاقانه، انتقادی و موشکافانه در دانش‌آموزان، نسبت به محتوا و عملکرد رسانه‌ها.
۲. شناخت شکل‌های بصری ارتباط با استفاده از سواد رسانه‌ای، در کنار سایر مهارت‌های خواندن، نوشتن، صحبت کردن و گوش دادن (سالاریان و همکاران، ۱۳۹۸).
۳. سواد رسانه‌ای سبب رمزگشایی انتقادی از پیام‌های رسانه‌ای و به دنبال آن برخورد صحیح با آن‌ها می‌شود و اجازه نمی‌دهد این پیام‌ها به آسانی سبک زندگی و تفکر افراد را به هر سویی که خود می‌خواهند سوق دهند. هدف سواد رسانه‌ای ارتقای فهم انتقادی و مشارکت فعال است (فراهانی، ۱۳۹۳). در واقع، سواد رسانه‌ای چیزی فراتر و عمومی‌تر از هر یک از این توانایی‌های ویژه است. سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از چشم‌اندازهاست تا جنبه‌هایی فکری را که فرد فعالانه برای قرار گرفتن در معرض رسانه از آن‌ها بهره‌برداری می‌کند تا معنای پیام‌هایی را که با آن‌ها مواجه می‌شود، تفسیر کند (ایزدی، ۱۳۹۰). سواد رسانه‌ای نوعی درک متکی بر مهارت است که بر اساس آن می‌توان انواع رسانه‌ها را از یکدیگر تمیز داد و انواع تولیدات رسانه‌ای را از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد. سواد رسانه‌ای به عنوان یک قابلیت به شهروندان اجازه می‌دهد به طور مؤثر با رسانه و دیگر ارائه‌دهندگان اطلاعات تعامل کنند و تفکر انتقادی و مهارت‌های آموزش مادام‌العمر را برای زندگی اجتماعی و تبدیل شدن به شهروندی فعال گسترش دهند. آموزش سواد رسانه‌ای با ایجاد تفکر انتقادی در فرد، به او کمک می‌کند به تجزیه و تحلیل مسائل بپردازد. سواد رسانه‌ای مهارت‌های لازم را برای برقراری ارتباطی متفکرانه و



**سواد رسانه‌ای
مهارتی لازم
و ضروری به
نظر می‌رسد که
می‌تواند اثرات
رسانه‌های گروهی
را تعدیل کند و
به مخاطبان این
امکان را بدهد
که با آگاهی کامل
پیام رسانه‌ها را
پردازش کنند**

علم نور است

خاطره‌ای از تأثیر

حکمت و ادب ایرانی و اسلامی بر فرهنگ مدرسه

سید میثم موسوی

تصویرگر

آیدا عزیزی

شهرستان بابل



به‌عنوان مثال، می‌توانیم به دوستانمان در درس‌ها کمک کنیم یا در کارهای گروهی با هم همکاری داشته باشیم. حتی به آن‌ها یادآور شدم که در دو زنگ قبل، وقتی محیا جامدای‌اش را نیاورده بود، چقدر زیبا همه شما در کمک به او شرکت کردید. این نکته را نیز یادآوری کردم که هر عمل کوچک می‌تواند تأثیر بزرگی بر زندگی دیگران بگذارد.

در ادامه، به سراغ حکمت‌های «تهج‌البلاغه» رفتیم و این جمله امام علی(ع) را انتخاب کردیم: «علم نور است». از بچه‌ها خواستیم که درباره این جمله فکر کنند و بگویند نور چه تأثیری بر زندگی ما دارد. این بار سارا گفت: «نور باعث می‌شود که ما ببینیم و در تاریکی گم نشویم».

این پاسخ نشان‌دهنده درک عمیق او از مفهوم علم و دانش بود و به من یادآوری کرد که چگونه علم می‌تواند راهگشای ما در زندگی باشد. همچنین، به آن‌ها گفتم که علم نه تنها به ما کمک می‌کند دنیای اطرافمان را بهتر بشناسیم، بلکه می‌تواند به ما در حل مشکلات و چالش‌های زندگی یاری رساند.

پس از این بحث‌ها، تصمیم گرفتم که فعالیتی گروهی ترتیب دهم. بچه‌ها را به گروه‌های کوچک تقسیم کردم و از آن‌ها خواستیم که داستان کوتاهی بنویسند و در آن از حکمت‌های ایرانی اسلامی استفاده کنند. این فعالیت نه تنها خلاقیت آن‌ها را بیدار کرد، بلکه باعث شد که با هم همکاری کنند و از یکدیگر یاد بگیرند.

بچه‌ها با شور و شوق به نوشتن داستان‌هایشان مشغول شدند و هر گروه ایده‌های جالبی را مطرح کرد. برخی از آن‌ها داستان‌هایی درباره دوستی و همکاری نوشتند و برخی دیگر

در یکی از روزهای بهاری، وقتی که آفتاب ملایمی به درختان حیاط مدرسه می‌تابید و صدای خنده‌های بچه‌ها در فضا پیچیده بود، تصمیم گرفتم درسی متفاوت برای دانش‌آموزانم طراحی کنم. موضوع درس حکمت و ادب ایرانی و اسلامی بود. می‌خواستم به بچه‌ها نشان دهم که چگونه این آموزه‌ها می‌توانند در زندگی روزمره‌شان تأثیرگذار باشند و به آن‌ها کمک کنند انسان‌های بهتری شوند. این روز بهاری فرصتی بود تا با هم به دنیای زیبای حکمت و ادب سفر کنیم و از آن بهره‌مند شویم.

کلاس را با مصرعی از سعدی آغاز کردم: «بنی آدم اعضای یکدیگرند». این شعر نه تنها زیبا بود، بلکه مفهوم پرمعنایی داشت که می‌توانست درک عمیق‌تری از روابط انسانی را به بچه‌ها منتقل کند. از دخترکانم خواستم تا چشمانشان را ببندند و با دقت به لحن خواندن من و تک‌تک کلمات شعر گوش فرا دهند. وقتی این شعر را به‌طور کامل برای بچه‌ها خواندم، چشمانشان را باز کردند. چشمانشان درخشان بود و به نظر می‌رسید که در حال فکر کردن به معنای آن هستند. از آن‌ها خواستم که درباره مفهوم این شعر صحبت کنند و نظراتشان را بگویند.

یکی از دانش‌آموزانم، ترلان، با شوق گفت: «یعنی ما باید به یکدیگر کمک کنیم و مثل یک خانواده باشیم!» این جمله ساده اما با احساس، نشان‌دهنده تأثیر حکمت سعدی بر ذهن و دل بچه‌ها بود. من هم با او موافقت کردم و توضیح دادم که چگونه این آموزه می‌تواند در رفتار روزمره‌مان تأثیر بگذارد. به آن‌ها گفتم که هر یک از ما می‌توانیم با اعمالی کوچک، محبت و همدلی را در جامعه‌مان گسترش دهیم.

حکمت و ادب
ایرانی و اسلامی نه
تنها در یادگیری،
بلکه در ایجاد
فرهنگ مثبت و
همدلانه در مدرسه
نیز می‌تواند
تأثیرگذار باشد



این روز برای من و دانش‌آموزانم به یاد ماندنی شد. دانش‌آموزانم یاد گرفتند که حکمت و ادب نه تنها در کتاب‌ها، بلکه در زندگی روزمره‌شان نیز وجود دارد و می‌تواند آن‌ها را به هم نزدیک‌تر کند. این روز بهاری، نه تنها برای دانش‌آموزانم، بلکه برای من نیز یک تجربه یادگیری بود. من یاد گرفتم که چگونه می‌توانم به‌عنوان معلم، فضایی مثبت و حمایتی برای دانش‌آموزانم ایجاد کنم. همچنین، این روز به من یادآوری کرد که هر یک از ما می‌توانیم با عمل به آموزه‌های حکمت و ادب، دنیای بهتری بسازیم و به یکدیگر کمک کنیم. امیدوارم که این آموزه‌ها همیشه در دل‌های ما باقی بمانند و چراغ راهنمای ما در زندگی باشند و این تجربیات به بچه‌ها کمک کنند که در آینده، انسان‌های مهربان و مسئولیت‌پذیری شوند که در زندگی به یکدیگر کمک می‌کنند.

به یاد دارم که در پایان کلاس، بچه‌ها با لبخندهای زیبا و چشمان درخشان، در حالی که همچنان در حال گفت‌وگو در مورد داستان‌هایشان بودند، از کلاس خارج شدند. این لحظه برای من بسیار ارزشمند بود، زیرا می‌دانستم که آن‌ها نه تنها درس‌هایی درباره حکمت و ادب آموخته‌اند، بلکه دوستی و همدلی را نیز در دل‌هایشان نهادینه کرده‌اند. من به آن‌ها گفتم که هر زمان که احساس تنهایی یا ناامیدی کردند، می‌توانند به یاد این روز بیفتند و به یاد داشته باشند که همیشه دوستانی دارند که در کنارشان هستند.

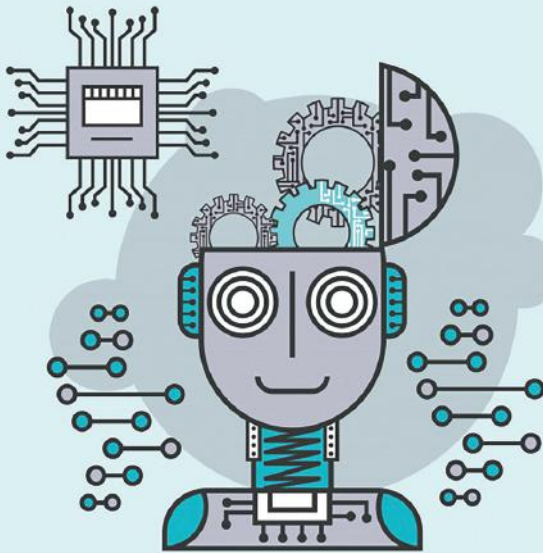
در نهایت، این روز به من ثابت کرد که آموزش تنها به انتقال اطلاعات محدود نمی‌شود، بلکه ایجاد ارتباطات عمیق و انسانی نیز بخشی از آن است. من به‌عنوان معلم وظیفه دارم که نه تنها دانش را به دانش‌آموزانم منتقل کنم، بلکه آن‌ها را به سمت ارزش‌های انسانی و اخلاقی هدایت کنم، تا بتوانیم با هم و برای هم دنیای بهتری بسازیم و با حکمت و ادب، زندگی‌مان را غنی‌تر کنیم.

به موضوع‌های اخلاقی و انسانی پرداختند. در این میان، یکی از گروه‌ها داستانی درباره دو دوست نوشتند که در یک روز بارانی تصمیم می‌گیرند به هم کمک کنند تا به خانه برسند. این داستان به‌خوبی نشان‌دهنده مفهوم همدلی و همکاری بود و بچه‌ها با شنیدن آن به وجد آمدند.

همچنین، گروه دیگری داستانی درباره پیرمرد دانا نوشتند که به جوانان روستا می‌آموخت چگونه با یکدیگر مهربان باشند و در سختی‌ها به هم کمک کنند. این داستان‌ها نه تنها خلاقیت بچه‌ها را به نمایش گذاشتند، بلکه ارزش‌های انسانی را نیز به آنان شناساند.

در پایان روز، وقتی بچه‌ها داستان‌هایشان را برای یکدیگر خواندند، احساس کردم فضایی پر از محبت و همدلی بر کلاس حاکم شده است. آن‌ها با اشتیاق به یکدیگر گوش می‌دادند و از ایده‌های هم الهام می‌گرفتند. این تجربه به من نشان داد که حکمت و ادب ایرانی و اسلامی نه تنها در یادگیری، بلکه در ایجاد یک فرهنگ مثبت و همدلانه در مدرسه نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد. بچه‌ها با شنیدن داستان‌های یکدیگر، نه تنها به هم نزدیک‌تر شدند، بلکه ارزش‌های انسانی را نیز درک کردند.

دانش‌آموزانم یاد گرفتند که حکمت و ادب نه تنها در کتاب‌ها، بلکه در زندگی روزمره‌شان نیز وجود دارد و می‌تواند آن‌ها را به هم نزدیک‌تر کند. این روز بهاری، نه تنها برای دانش‌آموزانم، بلکه برای من نیز یک تجربه یادگیری بود



سفری به دنیای جدید با هوش مصنوعی

سید علی عبداللہی حسینی
دکتر عذر ابیگم هژبری



مدیر پیش دبستان و دبستان بابل

سوم مدرسه، زمزمه کرد که: «ببین! همسرت!» او که اندکی گیج شده بود و انگار به اصطلاح دوزاری اش هنوز نیفتاده بود، گفت: «همسرم چی؟!»، همکارمان گفت: «ای بابا! منظورم اینه که همسرت چون استاد دانشگاه است و در حوزه هوش مصنوعی تخصص دارد، الان فرصت خوبی است که به ما آموزش های لازم را ارائه بدهد».

خانم الهی به نشانه تأیید سری تکان داد. با او موافقت او تصمیم گرفتیم با همسرش در مورد این موضوع صحبت کنیم. این لحظه لحظه مهمی در زندگی ما بود. آن روز با خوش حالی و امید فراوان، مسیری جدید را آغاز کردیم. از آن لحظه همه ما متحد شدیم بهبود و پیشرفت در مدرسه را با استفاده از هوش مصنوعی به واقعیت تبدیل کنیم. از آن پس، در جریان دانش و تخصص ارزشمند آقای دکتر **علی محسنی**^۱، همسر محترم خانم الهی، برای پیشبرد این پروژه قرار گرفتیم.

در این شرایط نگرانی از آینده، سؤال های زیادی برایمان به همراه داشت:

- آیا این ابزارها به ما کمک خواهند کرد در جهت موفقیت قدم برداریم؟
- آیا ما آمادگی لازم را برای استفاده از این ابزارها داریم؟
- آیا می توان در محیط مدرسه از این ابزارها استفاده کرد؟

هنگام ورود به تالار همایش مدرسه مشاهده کردیم آقای محسنی به همراه اعضای تیم فناوری مدرسه، در حال

در دنیای آموزشی مهرگان، ما^۱ طرحی مبتکرانه برای بهبود آموزش و پرورش در محیط دبستان طراحی کرده ایم. این طرح با عنوان «به هوش مصنوعی نزدیک شوید» راه اندازی شده است که به جرئت می توان آن را راهبردی مؤثر برای افزایش کیفیت آموزش و پرورش در مدرسه معرفی کرد.

هر روز در مرکز شهر بابل، در یکی از مناطق توسعه یافته، صداهای شادی و یادگیری از داخل این مدرسه به گوش رهگذران خیابان شریعتی می رسند. اینجا دانش آموزان با لبخندی بر لبان به مدرسه می آیند، آماده یادگیری و پیشرفت در هر زمینه ای هستند و معلمان مدرسه نیز جست و جوگر علم و دانش اند. اینجا هر روز یک قدم بزرگ به سوی بهبود آموزش و پرورش در جامعه برداشته می شود.

ما همه با یک ایده شروع کردیم؛ این ایده که هوش مصنوعی نقطه آغاز بهبود آموزش و پرورش است. اما در آن لحظه، ما دانش و مهارت کافی را برای شروع نداشتیم. باید از خودمان شروع می کردیم. در کنار هم مطالعه و برنامه ها را بررسی کردیم، اما هنوز تا موفقیت فرسنگ ها فاصله داشتیم. انگار هر چه می دودیم، نمی رسیدیم. اندکی پکر شده بودیم. نمی دانستیم چه کار کنیم. انگار دیگر سوختی برای حرکت نداشتیم. تا اینکه به ایده ای زمینه ساز رسیدیم. یکی از همکاران یواشکی زیر گوش خانم الهی^۲، معلم پایه

۳۶

فرهنگ سازمانی
مبتنی بر
اعتماد، تعهد و
مسئولیت پذیری،
می تواند محرک
دستیابی به اهداف
آموزشی و تعالی
سازمانی باشد



**همکاری و همدلی
میان اعضای
سازمان ما به گونه‌ای
است که نه تنها
به نتایج مثبت و
چشم‌گیری در حوزه
آموزش و پرورش
منجر شده، بلکه
نشان‌دهنده قدرت
یک فرهنگ
سازمانی سازنده
است که موجب
بهبود اثربخشی
برنامه‌های آموزشی
و هموارسازی مسیر
موفقیت شده است**

پایان توانستند با ساختن چهرک‌های مصنوعی به عنوان شخصیت‌های مجازی خود، به دانش‌آموزان کمک کنند با معلم در محیط‌های مجازی رابطه مؤثرتری برقرار کنند. ما هر روز با انگیزه و اشتیاق به‌سوی تحقق اهداف آموزشی و رشد فرهنگ سازمانی‌مان گام برمی‌داشتیم. با اراده و پشتکار، از مراحل پرفراز و نشیب بسیاری عبور کردیم. اکنون همه ما درک می‌کنیم که این موفقیت‌ها نه تنها نشان‌دهنده بهبود در حوزه آموزش و پرورش است، بلکه نمادی از فرهنگ سازمانی قوی‌ای است که پشتوانه این دستاوردها بوده است.

این مسیر نمایانگر زنده‌ای از قدرت اراده، تعهد و مسئولیت‌پذیری در بستر فرهنگ سازمانی است که بر پایه اعتماد متقابل و همکاری بنا شده است. جوی که در آن همه همکاران با تکیه بر وفاق و هم‌بستگی، با احساس تعلق و تعهدی عمیق به مسئولیت‌های خود پاسخ می‌دهند و به رشد و پیشرفت جمعی به عنوان هدف مشترک می‌نگرند. همکاری و همدلی میان اعضای سازمان ما به گونه‌ای است که نه تنها به نتایج مثبت و چشم‌گیری در حوزه آموزش و پرورش منجر شده، بلکه نشان‌دهنده قدرت یک فرهنگ سازمانی سازنده است که موجب بهبود اثربخشی برنامه‌های آموزشی و هموارسازی مسیر موفقیت شده است.

در این تجربه، الگویی برای دیگران نیز وجود دارد؛ الگویی که نشان می‌دهد چگونه فرهنگ سازمانی مبتنی بر اعتماد، تعهد

و مسئولیت‌پذیری، می‌تواند محرک دستیابی به اهداف آموزشی و تعالی سازمانی باشد. در نهایت، این سفر یادآور آن است که دستیابی به اهداف بزرگ، نیازمند فرهنگی است که در آن تعهد، تلاش و پشتکار اصولی بنیادین تلقی شوند و جوی که در آن، همکاری و اعتماد میان اعضای سازمان موجب پیشبرد اهداف جمعی است. با داشتن چنین فرهنگ سازمانی مستحکمی، هیچ موفقیتی دور از دسترس نخواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. یعنی دکتر عذرا بیگم هزبری و سیدعلی عبداللہی حسینی، از دانشجویان دکترای مدیریت کسب‌وکار با گرایش هوش مصنوعی دانشگاه تهران.
۲. به منظور رعایت اخلاق در نگارش، نام مستعار انتخاب شد.
۳. به منظور رعایت اخلاق در نگارش، نام مستعار انتخاب شد.

4. Copilot
5. Claude
6. Designer
7. Pixellab

راہ‌اندازی دستگاه (سیستم) هستند. پس از اجرای اولین جلسه، تصمیم گرفته شد این جلسه‌ها ادامه پیدا کنند و با برنامه‌ریزی، هماهنگی و تلاش بیشتر، کیفیت برگزاری کارگاه‌ها را تا حد امکان بالا ببریم.

در مرحله بعد از این سفر پر از کشف و آموزش، به ایجاد یک گروه مجازی تصمیم گرفتیم؛ به منظور ارائه معرفی نرم‌افزارهای متعدد در زمینه هوش مصنوعی و همچنین بارگذاری برنامه‌های جلسه‌های آینده. این گروه، همچون یک بوم‌سازی مطلوب، مکانی برای تبادل اطلاعات و تجربه‌های همکاران و مدرس ما شد.

گذر زمان، هماهنگی‌ها و همکاری‌های فراوان، ما را به‌سوی هماهنگی بیشتر و عمیق‌تر هدایت کرد؛ به گونه‌ای که هنگام تولید محتوا، معلمان بلافاصله ایده‌ها و آثارشان را در کانال به اشتراک گذاشتند تا همکاران و مدرس بررسی و ارزیابی کنند. این فضا همچون یک کارگاه خلاقیت، پر از انرژی و تجربه‌های بی‌نظیری بود که هر فردی را به یادگیری و ارتقای مهارت‌هایش ترغیب می‌کرد.

بعد از چهار جلسه مفصل، همکاران به‌طور مستقیم با نرم‌افزارهای متنوعی از جمله جمنا، چت‌جی‌پی‌تی، کوپیلوت^۴، کلود^۵، دیزاینر^۶ و پیکسل‌ب^۷، و ساخت چهرک (آواتار) مصنوعی آشنا شدند و مهارت‌هایشان را به نحو چشمگیری تقویت کردند. این سفر آموزشی، همچون سفری به دنیایی جدید از امکانات و توانمندی‌ها بود که همه را به سمت رشد و پیشرفت هدایت می‌کرد؛ به گونه‌ای که معلمان این روند تحولی، با رنگارنگی تشبیه‌ها و زیبایی‌های زبانی، یک داستان جذاب و الهام‌بخش را از پیشرفت و ارتقای ما به تصویر می‌کشید. امیدوارم که همواره این سفر پر از یادگیری و کشف ادامه داشته باشد و ما را به‌سوی افق‌های جدید از دانش و تجربه هدایت کند. در ادامه با ما همراه شوید تا با بخشی از مهارت‌های جدید معلمان آشنا شویم:

آنان از جمنا به عنوان ابزار خلاقیت و ابتکار در تولید محتوا و منابع آموزشی، از جمله ایجاد داستان، تصویرها و نمودارهای آموزشی، از چت‌جی‌پی‌تی به عنوان ابزار طراحی و پاسخ به سؤال‌های دانش‌آموزان یا ارائه توضیحات تکمیلی درباره موضوعات کلاس، از کوپیلوت به عنوان ابزار توسعه و ارتقای مهارت‌های رایانه‌ای، از کلود به عنوان ابزار ارائه مطالب آموزشی تعاملی و تمرین‌های برخط و تکمیلی برای دانش‌آموزان، از دیزاینر به عنوان ابزار طراحی مواد آموزشی، پوسترها، نمودارها و تصویرها یا نمودارهای آموزشی، از پیکسل‌ب به عنوان ابزار ایجاد تصویرهای آموزشی، جلوه (افکت)‌های متنوع و جذاب روی تصویرها، و ایجاد منابع آموزشی تصویری، ایجاد نمودارها، تصویرهای توضیحی و کارت‌های هویتی برای کلاس خود استفاده کردند. در



آرزوی عجین

با فرهنگ بومی

زینب لاجوردی



آموزگار دبستان زنده‌یاد شرافتی شهرستان تنکابن

۳۵

مانند پدرم چند گاو داشته باشم و آن‌ها را پرورش دهم.» پس از او پدرام گفت: «آرزو دارم مانند پدرم یک تراکتور داشته باشم تا روی شالیزارها کار کنم.» بعد نوبت نگار شد که او نیز گفت: «آرزو دارم همانند مادرم تنور نان و تعدادی مرغ و خروس داشته باشم و تخم‌مرغ‌ها را بفروشم.»

با خودم گفتم خدای من این‌ها به حق فرشتگان پاکی هستند که آرزوهایشان با فرهنگ بومی و محلی‌شان آمیخته است. اما این قسمت مثبت ماجرا بود و به‌نظرم جایی از کار ایراد داشت. بچه‌هایم رؤیاهایی را طبق فرهنگ بومی خودساخته بودند که شاخ‌وبرگ نداشت و بسیار محدود و بسته بود.

کارم را این‌گونه آغاز کردم که گفتم: «بچه‌ها آرزو چیست؟ چرا باید آرزو کنیم؟»

سپس برایشان شرح دادم: «همه ما باید هدفی بزرگ برای خود داشته باشیم و برای آن هدف برنامه‌ریزی و تلاش کنیم تا تحقق یابد. چقدر زیباست که شما دوست دارید شغل پدران و مادران خود را ادامه دهید و چه زیباست که پدر و مادر شما قهرمان و الگوی زندگی شما هستند و از همه زیباتر آنکه می‌خواهید کارهایی بر اساس فرهنگ بومی و محلی خویش انتخاب کنید. اما گل‌های من! ما می‌توانیم با وجود اینکه راه پدران و مادران خود را ادامه دهیم، با پیشرفت علم و فناوری و همچنین عجین کردن کردن آن با فرهنگ بومی خود، به رفاه و درآمد بیشتری برسیم و همچنین کارآفرینی کنیم.»

همه باذقت به صحبت‌هایم گوش می‌دادند، اما سنگینی نگاه‌ها آگاهم ساخت که با حرف‌هایم غریبه‌اند. برایشان خودم را مثال زدم و گفتم: «من هم وقتی هم‌سن‌وسال شما بودم، در روستایی زیبا زندگی می‌کردم. مادر بزرگم سواد

به یاد دارم برای نخستین سال کاری، مدرسه‌ای را در یکی از روستاهای دور دست شهرستان تنکابن برایم برگزیدند که منطقه‌ای بی‌نظیر و رؤیایی است و به همین دلیل بسیار گردشگرپذیر است.

اول مهر و اولین روز کاری با هیجان توأم با دلهره وارد حیاط مدرسه شدم؛ مدرسه‌ای با بافت قدیمی آب‌خوری‌ها و حیاط خاکی که مرا به روزهای خوش کودکی و دبستان روستای خودمان می‌برد. اکنون من معلمی نوپا، خام و بی‌تجربه بودم. کلاسی که برایم در نظر گرفته بودند، سنتی و بسیار زیبا، با نمایی از درخت‌های پرتقال و کیوی بود. بوی طراوت و زندگی را با باز کردن پنجره می‌شد کاملاً حس کرد. تعداد دانش‌آموزان کلاس کم نبود و از این بابت خرسند بودم؛ زیرا به‌خوبی می‌توانستم رفتارها و فعالیت‌هایشان را باذقت بررسی کنم. حدود یک ماه از سال تحصیلی گذشته بود.

به بچه‌ها این موضوع انشا را دادم: «آرزویی که برای دست‌یافتن به آن می‌خواهید برنامه‌ریزی کنید.» انتظار داشتم برای نوشتن اندکی تأمل و فکر کنند، اما تمامی دانش‌آموزان بلافاصله مشغول نوشتن شدند؛ گویی پیش از این خود را در جایگاه آرزوکننده متصور شده بودند و برای دستیابی به آرزوی خود از هم‌اکنون آماده می‌شدند. انتظارم طولانی نشد و دیری نگذشت که هر یک از آن‌ها با شوقی کودکانه برای خواندن انشا داوطلب شدند. کنجکاو شدم تا بدانم آرزوهایشان چیست.

اولین دانش‌آموزم فرشید بود. شروع به خواندن کرد. تنها چیزی که از آن به یاد دارم این است که گفت: «آرزو دارم

بچه‌ها! بسیاری از خانواده‌ها برای آنکه فرزندشان زبان دوم یاد بگیرد، هزینه‌های زیاد صرف می‌کنند. از آنجا که ما در مازندران گویش و زبان زیبای محلی داریم، تقاضا دارم از پدران و مادران خود آن را یاد بگیرند

مکتب‌خانه‌ای داشت. وقتی خانم‌های محل برای مراسمی دور هم جمع می‌شدند، مادر بزرگم به آن‌ها قرآن خواندن می‌آموخت. من هم دوست داشتم راه مادر بزرگم را ادامه بدهم. پس تصمیم گرفتم درس بخوانم و معلم بشوم. احساس کردم دیگر نگاه‌ها سنگین نیستند. گویی متوجه شده بودند می‌توانند مسیر قهرمانان زندگی‌شان را به‌طور وسیع‌تری انتخاب کنند.

سکوتی کلاس را فراگرفت. منتظر بودم کسی با یک جمله و اصلاح نظر گذشته خود، جرقه‌ای بزند و ذهن تمامی دانش‌آموزان را شعله‌ور و سرشار از ایده کند که فرشید گفت: «خانم اجازه! من نمی‌خواهم چند گاو داشته باشم. من آرزویم این است که گاوداری نوینی داشته باشم که هم کارآفرین باشم و هم در مسیر شغلی پدرم گامی بزرگ بردارم.»

سپس از پدرام و نگار درباره آرزویشان پرسیدم. پدرام گفت: «خانم من می‌خواهم نمایشگاهی از مدرن‌ترین ابزارهای کشاورزی داشته باشم تا کشاورزان خیلی راحت‌تر کشاورزی کنند. نگار هم گفت: «من هم فروشگاه‌ای از صنایع و خوراکی‌های محلی افتتاح می‌کنم تا هم بتوانم غذاهای خوشمزه عرضه کنم و هم غذاهای بومی و محلی فراموش نشوند.»

درست شد. این همان چیزی بود که می‌خواستیم ساخته شود. ساخت یک آرزو عجیب با فرهنگ بومی و همچنین سبک زندگی قهرمان زندگیشان، اما بزرگ، شکوهمند و پرزرق‌وبرق، آمیخته با فناوری. بچه‌ها آرزوهای‌شان را بزرگ‌تر، هدفمندتر و درعین‌حال در مسیر فرهنگ بومی خود و ادامه‌دهنده راه و الگوهای خودشان بیان کردند.

در آن میان محسن که ظاهر و گویشی تا حدودی به‌روزتر و متفاوت با سایرین داشت و از ابتدا توجهم را جلب کرده بود و ابتدا گفته بود آرزو دارم همراه خانواده به شهر برویم و در آپارتمان زندگی کنیم و از فروشگاه‌ها خرید کنیم، اکنون می‌گفت: «آرزو دارم چند فروشگاه بزرگ و آسمان‌خراش در روستایمان بسازم. پس از اینکه محسن انشایش را خواند، زمزمه‌هایی از بین دانش‌آموزان شنیده می‌شد که بعضی محسن را تمسخر می‌کردند و بعضی دیدگاه او را به‌شدت قابل‌ستایش می‌دانستند.

حال به‌عنوان معلم می‌باید به این بحث سمت‌وسویی صحیح می‌دادم. گفتم: «بچه‌ها! روستای شما به چه دلیل مسافرپذیر است و تعداد زیادی غیربومی در آن ساکن هستند؟» هر یک پاسخی دادند: به دلیل وجود منطقه‌های بکر و طبیعت زیبا و آب‌وهوای خوب، به دلیل طبخ عالی غذاهای سنتی و خاص منطقه، به دلیل وجود حیوانات بومی موجود در منطقه حفاظت‌شده، و برای خرید گل‌وگیاه و

میوه‌های خاص منطقه.

پس از شنیدن پاسخ‌ها گفتم: «بچه‌ها، هر منطقه به بافت مخصوص خود نیاز دارد. اگر قرار باشد در روستا چند آسمان‌خراش و فروشگاه ساخته شود، لازم است یا تعدادی از خانه‌های روستایی تخریب شوند یا روستاییان به شهر نقل‌مکان کنند؟ یا می‌باید زیستگاه حیوانات و یا باغ‌های میوه و گلخانه‌ها تخریب شوند که در این صورت دیگر اثری از آن روستای زیبا و مسافرپذیر گذشته باقی نمی‌ماند. بسیاری از اهالی اقوام و دوستان شما هستند که به دلیل ازدست‌دادن محل زندگی یا شغلشان به‌ناچار باید از روستا به شهر یا روستایی دیگر نقل‌مکان کنند. پس بافت بومی و محلی هر منطقه باید به شکل صحیح خود حفظ شود.

پس از آن همه دانش‌آموزان با شوق و ذوق فراوان سعی کردند بهترین آرزو را انتخاب کنند. در پایان گفتم: «بچه‌ها! بسیاری از خانواده‌ها برای آنکه فرزندشان زبان دوم یاد بگیرد، هزینه‌های زیاد صرف می‌کنند. از آنجا که ما در مازندران گویش و زبان زیبایی محلی داریم، تقاضا دارم از پدران و مادران خود آن را یاد بگیرند.»

چه چیز از این لذت‌بخش‌تر که موضوع انشا مسیر آرزوهای دانش‌آموزانم را تغییر داد. ناگفته نماند، این خاطره که همیشه در ذهنم می‌ماند، به من آموخت که فرهنگ محلی و افرادی که نزدیک‌ترین الگوی زندگی دانش‌آموزان هستند، خیلی بیشتر

از قهرمانان دوردست می‌توانند بر شکل‌گیری هویت و جهان‌بینی آن‌ها تأثیر بگذارند. ما نیز به‌عنوان معلم هدایتگر می‌توانیم ایده‌های دانش‌آموزان را پر بارتر و دانش‌آموزان را با انگیزه‌تر کنیم تا در مسیر زندگی‌شان گام‌هایی فاخر بردارند.

همان‌گونه که فریدریش نیچه می‌گوید: «مردان استثنایی یک عصر، بیشتر فرزندان فرهنگ‌های قدیمی و نهال‌های دیررس نیروهای گذشته‌اند. من در آن‌ها میراث یک ملت و آداب‌ورسوم آن را می‌بینم.» فرهنگ به‌عنوان شالوده اصلی، در زندگی اجتماعی نقش و کارکرد محوری دارد. لذا مدرسه‌ها باید به‌عنوان مرکزی برای حفظ و ترویج فرهنگ بومی و محلی عمل کنند و با برگزاری فعالیت‌های گوناگون، مانند داستان‌گویی، برگزاری نمایشگاه صنایع‌دستی، اجرای موسیقی محلی و غیره، به دانش‌آموزان کمک کنند با ریشه‌های خود آشنا شوند و از آنان بخواهند، به‌عنوان مروج این فرهنگ، در مسیر پیشرفت آن گام بردارند و افرادی آگاه، خلاق و هویت‌مند تربیت کنند.



فرهنگ محلی و افرادی که نزدیک‌ترین الگوی زندگی دانش‌آموزان هستند، خیلی بیشتر از قهرمانان دوردست می‌توانند بر شکل‌گیری هویت و جهان‌بینی آن‌ها تأثیر بگذارند

نقش فرهنگ سازمانی مدرسه بر توانمندسازی معلمان

سوگند ملاصادقی

مدرس دانشگاه و آموزگار پایه چهارم



اشاره

سازمان آموزش و پرورش یکی از سازمان‌های مهم و مؤثر امروز است. سازمانی که با رشد و توسعه جامعه از چند جهت پیوند ناگسستنی دارد. معلمان سرمایه‌های اجتماعی نظام آموزشی هر کشوری محسوب می‌شوند. از این رو توانمندسازی آنان شکوفایی نسل آتی کشور را تضمین می‌کند. عامل مهم دیگری که موفقیت سازمان‌ها را تضمین می‌کند، فرهنگ سازمانی است که در سال‌های اخیر مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان قرار گرفته است. فرهنگ بر نگرش و توانمندی معلمان در مدرسه تأثیرگذار است. لذا هدف مقاله حاضر بررسی فرهنگ سازمانی و نقش آن در توسعه توانمندسازی معلمان است.

می‌کند. پیشرفت هر کشور از کارآمدی نظام آموزشی آن کشور متأثر است و نظام آموزشی در هیچ کشوری فراتر از توانایی‌ها، امکانات و انگیزه‌های معلمان خود توسعه نمی‌یابد. معلم عامل اصلی اجرای برنامه‌های آموزشی در مدرسه است و در هر نظام آموزشی موفق، معلمان نقش بسزایی دارند (قربانخانی و همکاران، ۱۴۰۱). یکی از متغیرهای تأثیرگذار و مهم در سازمان‌های آموزشی، فرهنگ سازمانی است. به‌طور کلی، فرهنگ سازمانی بر تمامی جنبه‌های سازمان و وظایف مدیریتی و نحوه هدایت و آموزش کارکنان تأثیر می‌گذارد. با توجه به اینکه معلمان گروهی از جمعیت کشورمان را تشکیل می‌دهند و ارتقای مستمر آنان یکی از وظایف نظام آموزشی کشورمان است، توجه به عواملی که بر رشد حرفه‌ای و عملکرد آنان تأثیر می‌گذارند، ضروری است. لذا با توجه به اهمیت موضوع، در این پژوهش سعی شده است نقش فرهنگ سازمانی مدرسه بر توانمندسازی معلمان بررسی شود.

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین سازمان‌های امروزی در جهان، سازمان آموزش و پرورش است؛ سازمانی که الگوی همه نهادهای رسمی جامعه است و با رشد و توسعه هر جامعه، از بعد اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پیوندی ناگسستنی دارد (حسنی و احمدی، ۱۳۹۴). مؤسسه‌های آموزشی به تدریج دریافته‌اند، در شرایط پیچیده و سخت امروزی، بدون داشتن نیروی کار متخصص، مؤثر و متعهد، و متخصص و وفادار، قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای روزافزون آموزش و پرورش و پرورش جامعه نخواهند بود. بنابراین، نیاز به نیروی انسانی متعهد و کارآمد در تمامی دوره‌های تحصیلی، برای تداوم و بقای نظام آموزشی حیاتی تلقی می‌شود (Cheshmi, 2006; Moghadam).

سازمان‌های آموزشی هر جامعه مانند سایر سازمان‌ها تحقق اهداف خود را در اولویت قرار می‌دهند و این موضوع زمینه بررسی و مطالعه درباره رشد معلمان را فراهم



بیان مسئله و اهمیت آن

مهم‌ترین نهاد برخاسته از بافت جامعه آموزش و پرورش است. در عین حال، آموزش و پرورش سازنده و توسعه‌دهنده جامعه است و تأثیر آن بر جامعه کاملاً محسوس است (خالقی و همکاران، ۱۴۰۱).

در هر سازمان، فرهنگ منحصر به فرد آن سازمان به مردم نشان می‌دهد چگونه به رویدادها معنا ببخشند. فرهنگ سازمانی می‌تواند به عنوان اهرمی قدرتمند برای هدایت و تقویت رفتار سازمانی مورد استفاده قرار گیرد. فرهنگ سازمانی به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، نظرات و مفروضات مشترک حاکم بر سازمان، بر رفتار و تفکر نیروی انسانی شاغل در نظام آموزشی تأثیر می‌گذارد و به آن‌ها کمک می‌کند با محیط بیرونی و انسجام درونی هم‌خوانی داشته باشند. اگر فرهنگ سازمانی حاکم بر آموزش، فرهنگی قوی، مثبت، سالم، تحول‌آفرین و هم‌افزا باشد، شاهد تحول نیروی انسانی در نظام آموزشی و بهره‌وری بالای آن خواهیم بود (اناری‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹). سبک رهبری مدیران، آمیخته با هنجارها، ارزش‌ها و باورهای معلمان، فرهنگ مدرسه را شکل می‌دهد. بنابراین، از آنجا که مدرسه کانون زلزله در هر جامعه‌ای است، شناخت مکتب و فرهنگ حاکم بر آن برای تغییر و تحول در هر جامعه ضروری و حیاتی است. اگر قرار است فرهنگ

مدرسه را بشناسیم، باید در خود مدرسه باشیم و با بررسی تعاملاتی که بین معلمان، کارکنان اداری، کارکنان آموزشی و دانش‌آموزان صورت می‌گیرد و با گوش دادن به روایت‌ها و استعاره‌های موجود بیان‌شده در مورد مدرسه، فرهنگ آن را درک کنیم. **کانوک** و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «تأثیر فرهنگ سازمانی بر آموزش معلم در کشور مالزی» به این نتیجه رسیدند که فرهنگ سازمانی بر آموزش معلم مؤثر است (حسینی و احمدی، ۱۳۹۴). با توجه به پژوهش‌های اخیر و اهمیت موضوع در نظام آموزش و پرورش کشور، به دنبال یافتن پاسخ این سؤال هستیم که آیا فرهنگ سازمانی می‌تواند زمینه‌ساز توانمندسازی معلمان در مدرسه شود؟ و بین این دو متغیر چه ارتباطی وجود دارد؟

نقش فرهنگ سازمانی در مدرسه

بی‌شک مهم‌ترین ویژگی هر مدرسه فرهنگ سالم و مثبت آن است. شناخت فرهنگ سازمانی مدرسه از اهم مسئولیت‌های مدیران آموزشی برای ارزیابی و برنامه‌ریزی مؤثر است. چالش‌های جهانی آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم، حاصل انتظارات نو به کارکردهای آموزشی و پرورشی است. این دیدگاه‌ها در مدیریت آموزشی مدرسه و در شکل‌دهی ماهیت فرهنگ سازمانی مدرسه قطعاً

رویکردهای متفاوتی را می‌طلبید.

صاحب‌نظران فرهنگ مدرسه را عامل پیونددهنده‌ای می‌دانند که معلمان، دانش‌آموزان، والدین و مدیران، با نگاه، باور، درک و اعتقادات مشترک خود، برای هرگونه هماهنگی در تعاملات مستمر به آن نیازمندند. پیشرفت مدرسه مستلزم تأکید بر ارزش‌ها، اعتقادات و هنجارهای مدرسه و نیز محیط خارج از مدرسه است (تسلیمی و همکاران، ۱۳۹۸). شناخت نظام‌مند مقوله فرهنگ مدرسه در سازمان مدرسه و آموزش و پرورش را می‌توان حاصل تلاش نظام‌های آموزشی برای بازتعریف زندگی تحصیلی و جریان آموزش و یادگیری در موقعیت‌های فرهنگی-اجتماعی دانست. **هارگریوز (۲۰۰۱)** منشأ توجه به مفهوم فرهنگ مدرسه در میان پژوهشگران عرصه مطالعات آموزش و پرورش را ناظر بر رشد مفاهیمی مدیریتی و تربیتی می‌داند که با تمرکز بر ارزش‌ها و باورهای رهبران، معلمان و دانش‌آموزان، فرهنگ مدرسه را به وسیله‌ای قابل فهم برای روش‌های عملکرد مدرسه تبدیل می‌کند (۲۰۱۴ Sedaghat). مدیران موفق مدرسه نقش حیاتی فرهنگ سازمانی را در ابعاد مدرسه موفق به خوبی درک می‌کنند. فرهنگ قوی‌تر مدرسه، معلمان باانگیزه‌تری می‌پرورد و معلمان باانگیزه‌تر، توفیقات بیشتری در نتایج دانش‌آموزان کسب می‌کنند. لذا مدیرانی که درصدد بهسازی عملکرد دانش‌آموزان هستند، باید فرهنگ مدرسه را از طریق برقراری ارتباطات درست میان خود، معلمان، دانش‌آموزان و اولیا بهبود بخشند (کولایی و همکاران، ۱۳۹۷). فرهنگ سازمانی مدرسه بر این باور است که شناخت و ساختن فرهنگ متعالی مدرسه به توسعه جامعه در ابعاد گوناگون منجر خواهد شد. برنامه‌های متعدد برای تغییر و بهبود اوضاع باید از بطن مدرسه شکل بگیرد (Fatchi, 2014).

توانمندسازی معلمان و ارتباط آن با فرهنگ سازمانی

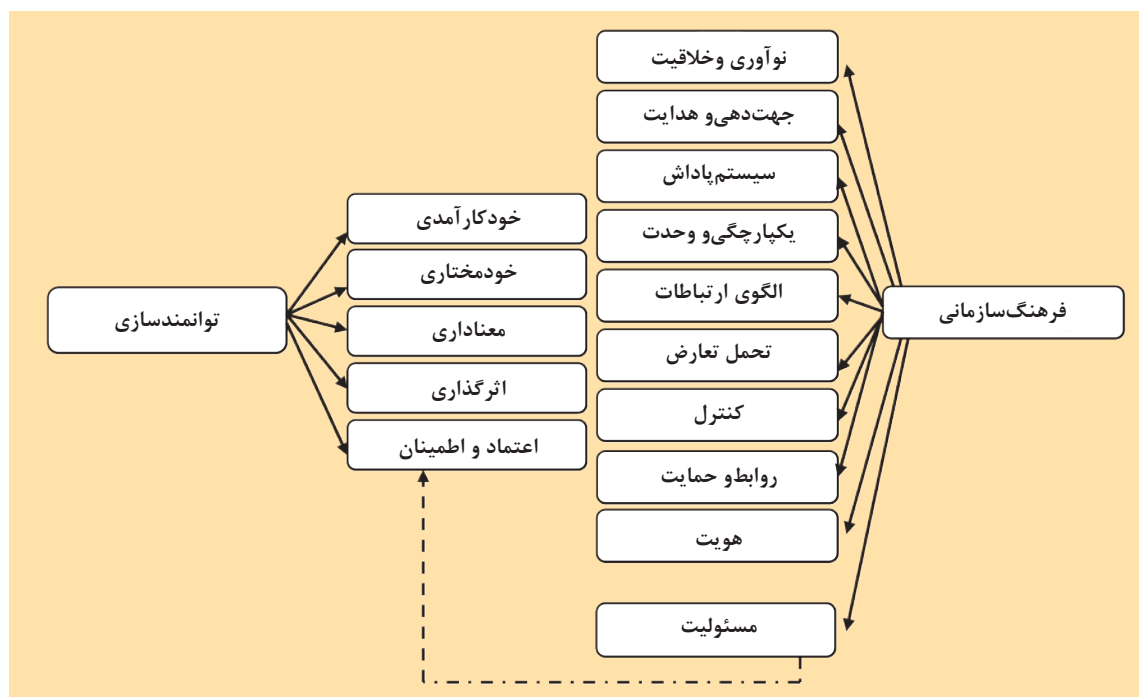
معلمان سرمایه اجتماعی نظام آموزشی هر کشوری محسوب می‌شوند. بنابراین، توانمندسازی آنان ضامن شکوفایی نسل آینده کشور است. این امر با عملکرد مدیران مدیران آموزشی در مدرسه امکان‌پذیر است. اسپریتزر توانمندسازی را متشکل از چند مؤلفه معنادار شایستگی، خودسازمان‌دهی و اثربخشی می‌داند که در شکل دادن به محیط کار به کارکنان کمک می‌کنند (ابطحی و عابسی، ۱۳۹۳). توانمندسازی به باورها، احساسات کارکنان و معلمان در مورد شغل و سازمان مربوط می‌شود (حمیدی و سعادت، ۱۳۹۴). رسالت‌ها و اهداف، تعیین راهبرد، ساختار سازمانی، نگرش، ارتباطات، انگیزش، رفتارهای

نوآورانه کارکنان، مدیریت و در نهایت اثربخشی سازمانی و توانمندسازی معلمان تحت تأثیر فرهنگ سازمانی قرار می‌گیرند. صاحب‌نظران بیان می‌دارند، معلم باید شور و اشتیاق به تدریس داشته باشد، دارای احساس تعهد باشد، به یادگیری افراد کمک کند، از تدریس لذت ببرد و در انجام فعالیت‌های خود دقیق و وقت‌شناس باشد. فرهنگ سازمانی یکی از شاخص‌هایی است که بر اثربخشی و میزان تعهد اعضا به کار و سازمان می‌افزاید. پس با تقویت فرهنگ سازمانی در مدرسه، به عنوان سازمانی آموزشی، میزان رضایت و کارآمدی معلمان نیز به عنوان عضوی از سازمان آموزشی افزایش می‌یابد و سبب کارآمدی تعلیم و تربیت و اثربخشی سازمان می‌شود (اناری‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹). با توجه به تأثیر مهم مبحث فرهنگ سازمانی بر توانمندسازی معلمان، در مدرسه‌هایی که به توانمندسازی معلمانشان توجه می‌کنند، کارکنان هم با احساس هیجان، مالکیت و افتخار، بهترین ابداعات و افکار خوب را پیاده می‌کنند، با احساس مسئولیت کار می‌کنند و منافع سازمان را بر منافع خود ترجیح می‌دهند. بر این اساس است که این انتظار شکل می‌گیرد تا تمامی مؤلفه‌های محیطی بتوانند در قالب فرهنگ سازمانی، توانمندی نیروی انسانی سازمان را به ارمغان آورند. دانیل دنیسون (۲۰۰۰) در زمینه فرهنگ سازمانی و اثربخشی سازمان تحقیقاتی انجام داد. وی در مدل خود ویژگی‌های فرهنگی را این گونه برشمرد:

- درگیر شدن در کار (مشارکت)؛
 - سازگاری (ثبات و یکپارچگی)؛
 - انطباق‌پذیری؛
 - رسالت (مأموریت) (حسنی و احمدی، ۱۳۹۴).
- در شکل ۱ می‌توان به ارتباط فرهنگ سازمانی و توانمندسازی اشاره کرد:

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در اغلب سازمان‌ها، به‌ویژه سازمان آموزش و پرورش، نیروی انسانی و معلمان در توسعه سازمانی نقش مهم و پراهمیتی دارند. نادیده گرفتن فرهنگ سازمانی در مدرسه به بروز مشکلاتی از جمله نداشتن تعهد، وفاداری و عدم پویایی معلمان منجر می‌شود. فرهنگ سازمانی مدرسه به کار بزرگی نیاز دارد که اولین قدم این است که مدیران آموزشی مدرسه به شناخت فرهنگ مدرسه اقدام کنند. طبق نتایج حاضر، به مسئولان نظام آموزشی و مدیران مدرسه توصیه می‌شود، برای داشتن مدرسه‌هایی با جوی سالم و سازنده، و همچنین کارکنانی متعهدتر، به فرهنگ سازمانی در مدرسه بیش از پیش توجه و آن را بررسی



کنند. لذا با توجه به نتایج مطالعات و پژوهش‌ها، به مدیران پیشنهاد می‌شود، برای تقویت و افزایش توانمندسازی معلمان خود، اقداماتی را در دستور کار قرار دهند:

- انجام فعالیت‌های گروهی؛
- الگو و برجسته کردن برخی ویژگی‌های اخلاقی در میان معلمان

- طراحی تشویقی مؤثر قدردانی از پیشنهادهای خوب؛
- برگزاری جلسه‌های هماهنگی متعدد، تفویض مسئولیت‌ها به معلمان و نظرخواهی از آنان؛
- مشارکت آنان در فرایندهای تصمیم‌گیری؛
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی و دوره‌های ضمن خدمت.

منابع

۱. ابطحی، سیدحسین و عباسی، سعید (۱۳۹۳). توانمندسازی و گذاری کار و تفویض اختیار، تهران: فوژان.
۲. اناری نژاد، عباس، رنجبر، نگار و خلیلی، علی محمد (۱۳۹۹). نقش فرهنگ سازمانی مدرسه در توانایی توفیق معلمان دوره ابتدایی در تدریس (مطالعه موردی: شهرستان آباد). فصلنامه رویکردی نو در علوم تربیتی، دوره ۲، شماره ۱، ۳۰-۳۶.
۳. تسلیمی، مهناز، فراستخواه، مقصود و حسن مرادی، نرگس (۱۳۹۸). سنج‌شناسی فرهنگ سازمانی مدارس. دوماهنامه علمی- پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال یازدهم، شماره پنجم، ۱۶۷-۱۸۶.
۴. توانایی شاهرودی، عفت و مهram، بهروز (۱۳۸۹). بررسی میزان توانمندی معلمان مقطع ابتدایی و رابطه آن با مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی مدرسه. مجله رویکردهای نوین آموزشی، سال پنجم، شماره

۲، ۲۳-۴۰.

۵. فریده و سعادت، ربابه (۱۳۹۴). تأثیر کارکردهای رهبری مدیران بر توانمندسازی معلمان. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال چهاردهم، شماره ۵۴، ۴۷-۶۰.

۶. حسنی، دلارام و احمدی، عبدالله (۱۳۹۴). رابطه بین فرهنگ سازمانی با توسعه حرفه‌ای معلمان. نوآوری‌های مدیریت آموزشی، سال دهم، شماره چهارم، ۷-۱۸.

۷. خالق، محمد؛ نادری، نادر؛ رضایی، بیژن؛ جعفری، حبیب (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین فرهنگ سازمانی مدارس با انگیزش شغلی معلمان، با توجه به نقش میانجی توانمندسازی روان‌شناختی (مورد مطالعه: مدارس دولتی مقطع ابتدایی آموزش و پرورش شهر اسلام‌آباد غرب). فصلنامه علمی پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، سال دهم، شماره دوم، ۳۳-۵۰.

۸. قربانخانی، مهدی؛ صالحی، کیوان؛ خدایی، ابراهیم؛ مقدم‌زاده، علی؛ دهقانی، مرضیه (۱۴۰۱). پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، سال دهم، شماره ۱، ۱۲۵-۱۰۹.

۹. کولایی، قدرت‌الله؛ زاهد بابلان، عادل؛ معینی کیا، مهدی؛ رضایی شریف، علی (۱۳۹۷). مدل‌سازی رهبری مدیران مدارس بر اشتیاق شغلی معلمان، به واسطه فرهنگ مدرسه. توانمندسازی و ویژگی‌های شغلی، دوره ۱۲، شماره ۱، ۲۱۳-۲۳۸.

10. Cheshmimoghdam, H. (2006). Investigation of the relationship between organizational commitment of managers and their functions in public highschool on Sabzevar, M.A thesis, Tehran University.. [in Persian]

11. Fatehi et al. (2014). Article Title: Identifying the Components of Organizational Culture in Effective Schools of High School in Rafsanjan City and Comparing it with Organizational Culture Model by Cook and Lafrati. Senior Thesis. Hormozgan University. [in Persian]

12. Sedaghat, Zahra et al. (2014). Article Title: Identify the components of school culture. Al-Zahra University - Faculty of Educational Sciences. [in Persian]

تأثیر آموزش‌های دیجیتال در آم



ویدا جعفری

شهرستان بهشهر، سمت مدیر دبستان



آتنا جعفری

شهرستان بهشهر، سمت دبیر ادبیات



کلتوم جعفری

شهرستان بهشهر، سمت معاون اجرایی

چکیده: هدف از انجام این تحقیق بررسی تأثیر آموزش‌های دیجیتال در آموزش و پرورش بر فرهنگ و جامعه است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر گردآوری اطلاعات از نوع پژوهش‌های توصیفی است. نتایج نشان داد، ظهور مفاهیم جدید فرهنگی و اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی در حال تغییر و سرعت تغییرات که تابعی از تأثیر رشد و توسعه فناوری‌ها و همچنین اقداماتی در جهت تقویت زیرساخت‌های اجتماعی برای بالابردن ضریب نفوذ رسانه‌ها اعم از تصویری، نوشتاری و شنیداری در سطح‌های داخلی و خارجی است، کارایی نهاد اجتماعی آموزش و پرورش را با مسائل متنوع و پیچیده‌ای مواجه کرده است. لذا به‌موجب پیچیدگی تعاملات و تغییرات عوامل محیطی و سازمانی در نظام‌های آموزش و پرورش و ضرورت شناخت و آگاهی نسبت به شرایط آینده تعلیم و تربیت، تعریف و تحقق انسان مطلوب در آینده، نیاز اساسی سیاست‌گذاران و مدیران عالی این نهاد مهم است.

کلیدواژه‌ها: آموزش، دیجیتال، آموزش و پرورش، فرهنگ، جامعه

مقدمه

در دنیای کنونی، فناوری اطلاعات و ارتباطات در پیشرفت اجتماعی، آموزشی، سیاسی و فرهنگی کشورها نقش مهمی ایفا می‌کند. امروزه ارتباطات و اطلاع‌رسانی در اولویت اول بسیاری از کشورها با فرهنگ‌های متفاوت قرار دارد و بی‌توجهی نسبت به آن باعث می‌شود جامعه درگیر عقب‌ماندگی و برخورد انفعالی در برابر هجوم اطلاعات شود (سان و همکاران، ۲۰۲۱). آموزش و پرورش نیز تحت تأثیر پیشرفت‌های فناوری اطلاعات قرار گرفته است. آموزش به‌طور سنتی بر منابعی مانند مدرسه، معلمان و کتاب‌ها و رسانه‌های چاپی متمرکز است و دانش‌آموزان و فراگیرندگان با حضور در مدرسه و دانشگاه‌ها به کتابخانه‌ها و منابع اطلاعاتی دسترسی دارند (سهرابی و بیات، ۱۴۰۲). ولی از چند سال گذشته تا به حال، استفاده از فناوری‌های دیجیتال برای آموزش و یادگیری در دستور کار سیاست‌گذاران قرار گرفته و این امر توانسته است بر کیفیت یادگیری دانش‌آموزان و دانشجویان تأثیر مثبت بگذارد. ضمن آنکه کاربرد آموزش‌های دیجیتال و فناوری اطلاعات در محیط‌های آموزشی، بر فرهنگ و جامعه نیز تأثیر خواهد گذاشت. به همین منظور، در این مقاله تأثیر آموزش‌های دیجیتال در آموزش و پرورش بر فرهنگ و جامعه بررسی شده است.

مبانی نظری تحقیق

مدرسه به‌عنوان یکی از نهادهای مهم نظام آموزشی می‌تواند بر فرایند تفکر و مهارت‌های ذهنی، و شیوه‌های یادگیری دانش‌آموزان تأثیر شگرفی بگذارد تا به‌راحتی بتوانند در جهت تفکر نو و انتقادی و کشف مجهولات پیش‌رو، راه‌حل مناسب ارائه دهند. بدین ترتیب، مدرسه می‌تواند کانون یادگیری و

پرورش افکار خلاق باشد (مظفری، ۱۴۰۲).

در گذشته استفاده از فناوری در آموزش عنوان بحث‌برانگیزی بود. بسیاری از افراد آن را نقد می‌کردند و بر این باور بودند که آموزش نوین بر اجتماع اثرات منفی خواهد گذاشت (Haataja et al, 2019). با گذشت زمان، مؤسسه‌های آموزشی استفاده از فناوری را در کلاس‌های خود شروع کردند و به‌سرعت مشخص شد استفاده درست از این فناوری‌ها، ظرفیت زیادی برای بهبود نظام‌های آموزشی دارد (مقدسی و همکاران، ۱۳۹۹).

آموزش‌های دیجیتال و آموزش و یادگیری

هدف از آموزش در قرن ۲۱، آماده‌کردن دانش‌آموزان برای موفقیت در جهان در حال تغییر مداوم، فناوری‌محور و متصل است که با فراهم‌کردن ابزار توسعه مهارت‌ها، توانمندی‌ها و دانشی که برای موفقیت امروز و آینده مورد نیاز است، انجام می‌گیرد. این هدف با اقداماتی تسهیل می‌شود که برای بهبود کیفیت دستورالعمل، یادگیری شخصی و عمیق، فراهم‌کردن محیط‌های آموزشی منعطف و به‌کارگیری ابزار فناوری و منابع دیجیتال برای مشارکت و توانمندسازی دانش‌آموزان به‌منظور پیشبرد موفق و با اطمینان مسیر یادگیری‌شان انجام می‌گیرند (رحیمی، ۱۴۰۲).

فناوری‌های نوظهور اثرات بسیاری بر چگونگی تدریس استادان و یادگیری دانش‌آموزان و دانشجویان دارند. توانایی استفاده از این فناوری‌ها در طراحی کلاس‌های برخط می‌تواند بر مشارکت در تدریس و یادگیری اثر بگذارد (میرا و همکاران، ۱۴۰۲). دانش‌آموزان به‌طور فزاینده‌ای از فناوری‌های نوظهور مانند گوشی‌های همراه، رایانک‌ها و یاری‌رسان‌های شخصی دیجیتال استفاده می‌کنند. در نتیجه، این ابزار مواد درسی آموزش را در

ورزش و پرورش بر فرهنگ و جامعه

هر زمان و هر مکان در دسترس آن‌ها قرار می‌دهند. این روند به دلیل فراوانی پردازنده‌ها، ابزار و اتصالات بی‌سیم و رابط‌های کاربری آسانی که در هر مکانی وجود دارند، افزایش می‌یابد (Kacmaz & Dube, 2022). این چرخه در آینده نیز توسعه می‌یابد و مدرسه‌های آینده ویژگی‌هایی از این دست خواهند داشت: استفاده نظام‌مند ابزاری از فناوری اطلاعات و ارتباطات، ساختار آموزشی غیرمتمرکز و دانش‌آموزمحور و به‌طور عمده مجازی، مدیریت مبتنی بر مشارکت همه دانش‌آموزان و... (Sun et al, 2021).

آموزش‌های دیجیتال و فرهنگ و جامعه

از سوی دیگر، فناوری‌های نوین و دیجیتال ساختارهای فرهنگی و اجتماعی را به‌طور عمیقی تحت تأثیر قرار داده‌اند. این تغییرات تحولاتی گسترده را در نحوه ارتباطات، هویت فرهنگی، ساختارهای اجتماعی و اقتصادی در پی داشته‌اند. به‌طور مثال، تغییرات گسترده فناوری اطلاعات به گسترش سریع اطلاعات و افزایش آگاهی اجتماعی منجر شده و در عین حال از تعاملات اجتماعی مستقیم کاسته و بر انزوای اجتماعی نیز افزوده است. همچنین، کاربرد این فناوری‌ها می‌تواند تنوع فرهنگی را تقویت کند، اما در برخی موارد می‌تواند تضادهای فرهنگی و اجتماعی نیز ایجاد کند (رحیمی، ۱۴۰۲). در واقع، استفاده از فناوری‌های جدید و آموزش‌های دیجیتال، با وجود تأثیرات مثبت و فرصت‌های بی‌سابقه‌ای که برای پیشرفت آموزشی و تغییرات اجتماعی و فرهنگی فراهم کرده، با چالش‌هایی همراه است که به‌منظور بهره‌برداری بهینه از آن‌ها باید این تأثیرات را به‌صورت مستمر بررسی و راهکارهای مناسبی برای مواجهه، مدیریت و تعدیل این چالش‌ها در حوزه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و آموزشی ارائه کرد.

نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف بررسی تأثیر آموزش‌های دیجیتال در آموزش و پرورش بر فرهنگ و جامعه انجام شد. نتایج نشان داد، ظهور مفاهیم جدید فرهنگی و اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی در حال تغییر و سرعت تغییرات که تابعی از تأثیر رشد و توسعه فناوری‌ها و همچنین اقداماتی به‌منظور تقویت زیرساخت‌های اجتماعی برای بالابردن ضریب نفوذ رسانه‌ها، اعم از تصویری، نوشتاری و شنیداری در سطح‌های داخلی و خارجی است، کارایی نهاد اجتماعی آموزش و پرورش را با مسائل متنوع و پیچیده‌ای مواجه کرده است.

علاوه بر این، انتظار جامعه برای تربیت نیروی انسانی کارآمد، دانا، توانمند، بانشاط و متعهد به ارزش‌های ملی و مذهبی، ضرورت توجه به مسائل آینده را در نظام آموزش و پرورش دوچندان می‌کند. لذا، به‌موجب پیچیدگی تعاملات و تغییرات عوامل محیطی و سازمانی در نظام‌های آموزش و پرورش و ضرورت شناخت و آگاهی نسبت به شرایط آینده تعلیم و تربیت، تعریف و تحقق انسان مطلوب در آینده، نیاز اساسی سیاست‌گذاران و مدیران عالی این نهاد مهم است. چون روند تغییرات و اعمال آن‌ها در نظام آموزشی هم به تغییر و انعطاف‌پذیری ساختارهای سنتی آموزش و پرورش منجر می‌شود و هم تغییرات فرهنگی و اجتماعی ایجاد می‌کند. از این رو باید در انتخاب فناوری‌های آموزشی دیجیتال هوشمندانه عمل کرد و اثرات منفی و مثبت کاربرد آن‌ها را به‌صورت مستمر پیگیری و بررسی و تا جای امکان مدیریت کرد.

منابع

۱. رحیمی، هیرو (۱۴۰۲). بررسی تأثیر استفاده از فناوری‌های نوین در آموزش با سازگاری اجتماعی و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان. هشتمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی ایران. تهران.
۲. سهرابی، فاطمه؛ بیات، زهرا (۱۴۰۲). بررسی تأثیر فناوری دیجیتال بر آموزش. دومین کنفرانس بین‌المللی سلامت، علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۳. مقدسی، مانا؛ سرمستی، ژیل؛ صالحی، حامد و مقدسی، روزبه (۱۴۰۱). بررسی تأثیر استفاده از محتوای الکترونیکی دیجیتال در میزان فرایند یاددهی‌یادگیری دانش‌آموزان. هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران.
۴. مظفری، سامان (۱۴۰۲). معلمان و مدیران و تأثیر آن‌ها بر نوآوری دانش‌آموزان ابتدایی دوره‌های اول و دوم. پنجمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، حقوق، مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی.
۵. میرزا، سارا؛ زارع مهدیه، زهرا؛ غلامی‌فرد، نازنین و جنگی زهی، محمد (۱۴۰۲). نقش تکنولوژی آموزش دیجیتال بر عملکرد آموزشی در دوره ابتدایی. اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش. تهران.
۶. نامور، یوسف؛ سلیمی، برات؛ راستگو، اعظم؛ سلیمانی، توران (۱۴۰۱). بررسی نظام‌مند اثرات فناوری‌های نوین بر روندهای آموزشی آینده. نشریه علمی فناوری آموزش، ۱۶ (۳)، ۶۴۷-۶۵۹.
7. Haataja, E., Moreno-Esteva, E. G., Salonen, V., Lain, A., Toivanen, M., & Hannula, M. S. (2019). Teacher's visual attention when scaffolding collaborative mathematical problem solving. *Teaching and Teacher Education*, 86, 1-15.
8. Kacmaz, G., & Dube, A. K. (2022). Examining pedagogical approaches and types of mathematics knowledge in educational games: A meta-analysis and critical review. *Educational Research Review*, 35, 1-15.
9. Sun, L., Ruokamo, H., Siklander, P., Li, B., & Devlind, K. (2021). Primary school students' perceptions of scaffolding in digital gamebased learning in mathematics. *Learning, Culture and Social Interaction*, 28, 1-11.



دوستت دارم ایران

زنجیره تلویزیونی قصه‌های مجید (۱۳۷۰)

آیه اوانی

هنرآموز رشته کامپیوتر میان‌درو

این سریال خاطره‌انگیز، به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان دهه هفتاد، یکی از موفق‌ترین زنجیره‌های تلویزیونی بوده است که بر پایه کتابی با همین عنوان از **هوشنگ مرادی کرمانی** به کارگردانی **کیومرث پوراحمد** ساخته شده است. مجید کودکی است که با مادر بزرگ خود زندگی می‌کند. کارگردان یک زندگی ساده و بی‌آلایش ایرانی همراه با روابط عاطفی توأم با احترام به سنت‌ها را به‌خوبی به نمایش می‌گذارد. او عصری را تصویر می‌کند که سنت و هویت بومی و عناصر و ویژگی‌های فرهنگی هنوز به‌واسطه هجوم رسانه‌ای اجتماعی و فضاهای مجازی و ابزار دیجیتال مورد هجوم و تغییر قرار نگرفته‌اند و آموزش‌های رسمی - در مدرسه - با آموزش‌های غیررسمی - در محیط‌های غیر مدرسه مانند خانواده، همسالان و رسانه‌ها - فاصله چندانی ندارند. هر چند در مواردی مجید با مادر بزرگ خود اختلاف نظر دارد، اما محوریّت و حرمت او خدشه‌دار نمی‌شود. البته این به آن معنا نیست که قهرمان قصه، که نمادی از نوجوانان آن عصر است، کاملاً مطیع بزرگسالان خود است، بلکه تعارض‌ها و چالش‌های مدام او با معاون مدرسه (با بازی جهانبخش سلطانی) که نماد بزرگسالانی است که نمی‌خواهند تغییرات و تحولات جامعه را بپذیرند و فکر می‌کنند خشونت، تنبیه و توهین تنها راه تربیت درست کودکان است، نشان از تحولات ذهنی نسلی است که هم باهوش و هم شجاع و سرسخت هستند. مجید و زندگی او خیلی ساده و واقعی هستند. به عبارت دیگر، روایت داستان بازنمایی کاملاً وفاداری به متن جامعه (روزگار موردنظر فیلم) است که بدون فن‌های اغراق‌آمیز بیان شده‌اند. مجید با همه ضعف‌ها و قوت‌ها، پرگویی‌ها و سماجت‌ها و در عین حال خلاقیت‌هایش به نمایش در می‌آید که هرچند تنه‌است و در زندگی خود به جز مادر بزرگ کسی را ندارد، همواره برای رسیدن به ایده‌های جدید و شکستن موانع و محدودیت‌ها مبارزه می‌کند. شهید **سید مرتضی آوینی** در یادداشتی در نشریه سوره، «قصه‌های مجید» را یکی از شاهکارهای سینمای ایران دانسته است. و در نقدش، با عنوان «دوستت دارم ایران» به ستایش آن می‌پردازد و از جمله قوت‌های آن را «وفادار ماندن به سادگی واقعیت» بیان می‌کند و بر حال و هوای سنتی و ملی آن تأکید دارد. از ارزش‌های دیگر این مجموعه تلویزیونی، همراهی موسیقی درخشان استاد **ناصر چشم‌آذر** با آن است که با حال و هوای فیلم هم‌خوانی زیادی دارد و گویی مخاطب با آن به دوران کودکی خود سفر می‌کند.

واکاوی و سنجش فرهنگ مدرسه

❶ روح الله قاسمی

❷ نشر احسان

❸ سال انتشار: ۱۳۹۷

نگاه به مدرسه از دیدگاه فرهنگی ما را با کثیری از موضوعات متنوع همچون باورها و اعتقادات، ارزش‌ها و عادت‌های دانش‌آموزانی مواجه می‌کند که در واقع آینه باورها و رفتارهای خانواده‌های خود هستند. نویسنده این کتاب می‌کوشد علاوه بر فهم و تحلیل فرهنگ حاکم بر مدرسه، برای تغییر و ارتقای آن راهکارهایی را ارائه دهد. او مهم‌ترین توانایی مسئولان مدرسه‌های امروز را فرهنگ‌سازی می‌داند.



مدارس شاد

❶ ترجمه دکتر مرتضی مجدفر و مهناز ابوالکاشف نوری

❷ انتشارات: پیشگامان پژوهش مدار

❸ سال انتشار: ۱۳۹۷

شادبودن از حقوق اساسی دانش‌آموزان در مدرسه است. کتاب مدارس شاد در واقع گزارشی تحلیلی از پژوهشی است که در دفتر یونسکو در بانکوک و با بررسی مدرسه‌های سی کشور، زیر نظر مدیر این دفتر، گوانگ جونگ کیم، صورت گرفته است. در آن به رابطه مهم میان شادی و کیفیت آموزشی تأکید شده است. گوانگ جونگ کیم در پیشگفتار این کتاب، نظام‌های آموزشی را به درک ارزش‌ها، نقاط قوت و توانمندی‌هایی دعوت می‌کند که در ارتقای شادی و آسایش در یادگیرندگان مؤثرند.



غایب بزرگ مدرسه (کندوکا و اخلاقی، دو جلدی)

❶ متیو لیمن، آن مارگارت شارپ

❷ ترجمه: روح الله کریمی

❸ انتشارات: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

❹ سال انتشار: ۱۳۹۳

کندوکا و ارزش‌های اخلاقی در بستری عقلانی و جمعی در برنامه تربیتی مدرسه بسیار مورد نیاز و کاهنده ناهنجاری‌ها و ناملایمت‌های اخلاقی و رفتاری دانش‌آموزان است. کتاب غایب بزرگ مدرسه از مجموعه کتاب‌های فبک (فلسفه برای کودکان) است که ویژه دانش‌آموزان دوره‌های اول و دوم متوسطه نظری، در دو جلد به نگارش درآمده است. این کتاب فلسفه و اخلاق را به‌طور کاملاً قابل فهم و قابل کاربرد در زندگی دانش‌آموزان توضیح می‌دهد. خواندن آن برای مربیان و تسهیلگران و اولیای دانش‌آموزان بسیار مفید خواهد بود.



فراخوان

سیزدهمین دوره جشنواره ملی دوسالانه عکس و تصویرگری رشد



سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی از عکاسان و تصویرگران سراسر کشور برای شرکت در سیزدهمین دوره جشنواره ملی دوسالانه عکس و تصویرگری رشد دعوت به عمل می آورد. این جشنواره از تصویرگران و عکاسان محترم دعوت می کند با نگاه خلاقانه خود، براساس موضوعات جشنواره، لحظاتی به یادماندنی و تأمل برانگیز را به تصویر بکشند و با هنر خویش دریچه ای نو به روی مخاطبان بکشایند. نگرش اندیشمندانه و آثار هنرمندانه شما، غنابخش جشنواره خواهد بود.

■ محورهای این دوره از جشنواره، بر فضاسازی مدرسه های امروزی، روش های نوین آموزشی و نیازهای تصویری مجلات رشد، کتاب های درسی و عموم منابع آموزشی و تربیتی تمرکز ویژه دارند.

عکاسان و تصویرگران می توانند در دو گروه سنی در این جشنواره شرکت کنند:

۱. هنرمندان بزرگسال:
الف) عکاسان و تصویرگران حرفه ای؛
ب) معلمان و مربیان.

۲. هنرمندان دانش آموز:
دانش آموزان ۱۳ تا ۱۸ ساله.

تبصره:

معلمان و مربیانی که در سمت های اداری آموزش و پرورش هستند، مشمول گروه ۱ (ب) می شوند.

موضوعات جشنواره در هر گروه سنی:

الف) هنرمندان بزرگسال:
۱. مدرسه، خانه دوم

محورها:

الف) موقعیت های متنوع تربیتی (مناسبت ها، انواع مراسم، اردوها و جشن ها)؛

ب) اتفاقات و رخداد های جالب مدرسه.

۲. نهاد خانواده

محورها:

الف) مدرسه و خانواده؛

ب) مسجد و خانواده؛

ج) مدرسه، مسجد و خانواده

۳. کتاب درسی

محورها: باز آفرینی تصویری:

الف) قصه ها، شعرها و...؛

ب) فعالیت های علمی؛

ج) سرزمین پرگهر ایران (بناهای

تاریخی، مناسبت های ملی و دینی،

محیط زیست، حیات وحش، طبیعت،

آیین های قومی و منطقه ای و...).

نکته:

رویکرد جشنواره، استفاده مناسب

از آثار برگزیده در تکمیل بسته های تربیت و یادگیری (کتاب درسی، مجلات رشد، تولیدات چند رسانه ای و... است).

۴. بخش جنبی

۱. شعار سال (جهش تولید با

مشارکت مردم).

۲. مهدویت.

ب) هنرمندان دانش آموز:

۱. آزاد

۲. کتاب های درسی: تمام

موضوعات و رخدادها در همه

گونه (ژانر) های عکاسی و تصویرسازی

که مستقیم یا غیرمستقیم با کتاب

درسی ارتباط داشته باشند.